دعا

زبان راز و نیاز در قرآن

تفسیر دعاهای قرآن

بسم الله الرحمن الرحیم

دعا: زبان راز و نیاز در قرآن (تفسیر دعاهای قرآنی)

نویسنده:

محمد موحدی نژاد

ناشر چاپی:

مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

دعا: زبان راز و نیاز در قرآن (تفسیر دعاهای قرآنی)

مشخصات کتاب

سرشناسه : موحدی نژاد، محمد، ۱۳۳۷ -

عنوان و نام پدیدآور : دعا: زبان راز و نیاز در قرآن (تفسیر دعاهای قرآنی) / محمد موحدی نژاد.

مشخصات نشر : تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۱۹۲ ص.

شابک : ۲۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸۶۰۰۵۴۲۱۲۸۶

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : تفاسیر شیعه قرن ۱۴

موضوع : دعا جنبه های قرآنی

رده بندی کنگره : BP۲۶۶/م۸۲د۷ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷

شماره کتابشناسی ملی : ۲۴۲۵۴۵۵

ص: ۱

اشاره

«دعا» زبان راز و نیاز در قرآن

(تفسیر دعاهای قرآنی)

محمد موحدی نژاد

فهرست کتاب

ص: ۵

مقدمه:

یارب چو بخ-وانی ام «سَمِعْنا» گویم فرمان تو را به جان «اَطَعْنا» گویم.

بر من تو به فضل اگر «غَفَرنا» گویی م-ن آیم و «ربَّن-ا ظَلَ-مْنا» گ-ویم.

گفتم: احساس تنهایی می کنم.

فرمود: «فَإِنِّی قَریب»، من نزدیکم.(۱)

گفتم: چگونه ارتباط برقرار کنم؟

فرمود: «ادْعُونی أَسْتَجِبْ لَکُم» مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را(۲)

گفتم: سیاهی های گناه مانع است.

فرمود: «أَ لا تُحِبُّونَ أَنْ یَغْفِرَ اللَّهُ لَکُم» دوست ندارید خدا شما را ببخشد؟(۳)

گفتم: راهش چیست؟

فرمود: «وَ اسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَیْه» استغفار و طلب بخشش و توبه کنید.(۴)

گفتم: روی توبه ندارم.

فرمود: «أَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحیم» خداست که توبه پذیر و مهربان است؟(۵)

گفتم: گناهم زیاد و سنگین است.

۱- ۱- (بقره/۱۸۶)

۲- ۲- (بقره/۱۸۶)

۳- ۳- (نور/۲۲)

۴- ۴- (هود/۹۰)

۵- ۵- (توبه/۱۰۴)

فرمود: «إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمیعا» بدرستی که خداوند همه ی گناهان را می بخشد.(۱)

گفتم: شرط توبه چیست؟

فرمود: «تُوبُوا إِلَی اللَّهِ تَوْبَهً نَصُوحا» به درگاه خدا توبه کنید توبه ای از روی اخلاص.(۲)

گفتم: از دست نفس امّاره و شیطان وسواس خنّاس چه کنم؟

فرمود: «وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقین» و از خدا بپرهیزید (و زیاده روی ننمایید)! و بدانید خدا با پرهیزکاران است!(۳)

«مَنْ یَتَّقِ اللَّهَ یَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجا» و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند.(۴)

گفتم: گاهی یأس و ناامیدی بر من حاکم می شود.

فرمود: «لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّه» از رحمت خداوند نومید نشوید.(۵)

«وَ مَنْ یَقْنَطُ مِنْ رَحْمَهِ رَبِّهِ إِلاَّ الضَّالُّون» «جز گمراهان، چه کسی از رحمت پروردگارش مأیوس می شود؟!»(۶)

گفتم: با مهربانی های تو چه کنم؟

۱- ۱- (زمر/۵۳)

۲- ۲- (تحریم/۸)

۳- ۳- (بقره/۱۹۴)

۴- ۴- (طلاق/۲)

۵- ۵- (زمر/۵۳)

۶- ۶- (حجر/۵۶)

فرمود: «اذْکُرُوا اللَّهَ ذِکْراً کَثیراً وَ سَبِّحُوهُ بُکْرَهً وَ أَصیلًا» خدا را بسیار یاد کنید، و صبح و شام او را تسبیح گویید.(۱)

یک مرتبه با قلبی آکنده از عشق و محبتش گفتم:

«إلهی و ربی من لی غیرک»

او هم با همه ی عزت و کرم و لطف و محبتش فرمود:

«أَ لَیْسَ اللَّهُ بِکافٍ عَبْدَهُ» آیا خداوند برای (نجات و دفاع از) بنده اش کافی نیست؟(۲)

به نام خـدای یکتای بی همتا، به نام الله یاری دهنده ی قلب ها، و جان پناه دل ها، خدایی که ما را آفرید و جان داد، دل و فکر عطا نمود و ما را از چشمه سار معنویت و ارتباط با خود سیراب و بهره مند ساخت، خدایی که ما را آفرید، پناه داد، روزی داد، می میراند و زنده می کند. شکر و سپاس، خداوند متعال را که ما را مورد لطف و رحمت بی پایان خودش قرار داد.

دعا زبان عشق و نیاز بنده نیازمند به درگاه خدای بی نیاز است. دعا از جمله مفاهیم اسـلامی و قرآنی است، دعا هم چون سایر اعمال عبادی مقدمات

و مؤخرات و راه ورود و خروج دارد و در فضائلش بسیار سخن به میان آمده است. مخفی نیست که دعا جایگزین تفکّر، جهاد و کوشش، تلاش و تحمل سختی ها در مسئولیت های زندگی نیست. در اندیشه ی شناسایی دعا بدان

۱- ۱- (احزاب/۴۱ و ۴۲)

۲- ۲- (زمر/۳۶)

مفهومی که حضرت حق و اولیاء گرامیش، ائمه معصومیندر نظر داشته اند، عبادت و وسیله ی ارتباط با خداوند و زبان استغفار و درخواست از اوست.

در حقیقت دعا «خواندن همراه با خواستن» است که فرد مسئولیت پذیر با تمام وجود و تمام توان خود در راه تحقق خواسته هایش گام برمی دارد، مصائب و مشکلات را متحمل می شود، و دعا را به عنوان بیان این خواسته و عرضه داشتن آن ها به «بارگاه قدس الهی» به کار می گیرد.

پیامبران الهی، امامان معصوم، اولیای خدا و بندگان وارسته هم همواره با قبول مسئولیت ها و مواجه شدن با سختی ها و مشکلات فراوان و تلاش و کوشش طاقت فرسا برای رسیدن به هدف و انجام وظیفه الهی به عنوان یک وسیله ی نیروبخش و قوی و تمسک به عروه الوثقی از لطف و محبت الهی دست به دعا می گشودند و چشم امیدی هم به فضل و رحمت پروردگار عالم داشتند.

از زبور داوود تا مناجات های پیامبر گرفته(۱) و مناجات علی در مسجد کوفه و دعای کمیل و صباح و نیایش امام حسین در صحرای عرفات و دعاهای امام زین العابدین سیدالساجدین در صحیفه ی سجادیه و مناجات خمسه عشر و مناجات ابوحمزه ثمالی و دعای ندبه و توسل و دیگر دعاهای رسیده از اولیاء الهی جلوه ی روشنی بر این حقیقت است.

دعا ابراز نیازها و خواسته ها از عمق وجود و صمیم دل، از پیشگاه مهربان جهان خداوند قادر متعال است که همه ی مقدرات عالم هستی و همه ی امور به اراده و خواست او رقم می خورد.

۱- ۱- (مناجات شعبانیه)

مسئله ی مهم در دعا این است که از خداوند قادر متعال با معرفت و شناخت، «چه بخواهیم»، «چه زمانی بخواهیم»، و «در چه مکانی دعا کنیم» و «چگونه خدا را بخوانیم» و «عوامل و موانع استجابت دعا» را هم خوب بشناسیم.

خواستن از خداوند به اندازه ی عقل، شعور و معرفت انسان است و شناخت اینکه نیازخواهی به اموری حقیر و مادی و دنیایی و خوراک و پوشاک و مسکن خلاصه نمی شود. همه چیز، دنیا و آخرت از آنِ خداوند است، زندگی دنیا محدود و گذرا و و پایان پذیر و آخرت ابدی و همیشگی است. در دعاهای معصومین متعالی ترین خواسته ها و لازم و مفیدترین حاجت ها بیان شده است. که به گفته امام خمینی در وصیتنامه: «ما مفتخریم که ادعیه ی حیاتبخش که او را قرآن ساعد می خوانند، از ائمه معصومین ماست.» در این میان برخی از دعاها از زبان پیامبران و صالحان در «قرآن کریم» آمده است. اینکه خداوند این خواسته ها را در بین کلام و آیاتش قرار داده دلیل بر اهمیت آن خواسته ها است. ما در این مجموعه بر آن شدیم که با استفاده از مباحث و تفسیر نور حجت الاسلام والمسلمین قرائتی شما خواننده عزیز را با تفسیر، لطائف و نکات ارزنده و سازنده، مضامین و معارف «دعاهای قرآنی» آشنا کنیم.

«و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت»

۲۰ جمادی الثانی ۱۴۳۱ مطابق با تولد صدیقه ی طاهره، حضرت زهرا، مطابق با ۱۳/۰۳/۸۹

محمد موحدی نژاد

ص: ۱۳

۱– دعا یا فراخوان الهی

«ادْعُونی أَسْتَجِبْ لَکُم» «مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم!»(۱)

گفتم که روی خوبت، از ما چرا نهان است

گفتا تو خود حجابی ورنه رخم عیان است

گفتم فراغ تا کی، گفتا تا که تو هستی

گفتم نفس همین است، گفتا سخن همان است

«دعـا» راه و رسم گفتگو بـا خـالق هستی «الله» جـامع تمـام صـفات کمـال و کلیـد رشـدو تربیت انسـان و در حقیقت محبوب و خواست خود او و فراخوان الهی است.

خـدایی که مـارا از نیست به هست آورده («هَـلْ أَتی عَلَی الْإِنْسانِ حینٌ مِنَ الـدَّهْرِ لَمْ یَکُنْ شَـیْئاً مَـذْکُوراً» «آیا زمانی طولانی بر انسان گذشت که چیز قابل ذکری نبود؟!»(۲)) و از نطفه، انسانی کامل و گل سرسـبد موجودات و تاج وجود و بندگی خود را بر سـر مازده است . و اینچنین در جهت تربیت ما را ه در خواست کردن را نموده است اوست که نیاز های مارا می دانـد و بین «دعا»و «اسـتجابت» هیچ فاصله ای قرار نداد («ادْعُونی أَسْتَجِبْ لَکُم» نمی فرماید «فاستجاب» یا «ثم استجب») «چرا که استجابت» وعـدهٔ الهی است «اسـتجب» و خداونـد خلاف وعدهٔ خود نمی فرماید. («اِنَّ اللَّهَ لا یُخْلِفُ الْمیعاد» «زیرا خداوند، از وعده خود، تخلّف نمی کند.»(۳)) ولی شرطش آن است که جز او

۱- – (غافر/۶۰)

۲- – (انسان/۱)

۳- – (آل عمران/۹)

نخوانیم و از دیگری نخواهیم. «ادعونی» تنها چیزی که شیطان را از بلندی عزت به حضیض ذلت و دوزخ کشید تکبر بود. («وَ إِذْ قُلْنا لِلْمَلائِکَهِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِیسَ أَبی وَ اسْتَکْبَرَ وَ کانَ مِنَ الْکافِرِین»، «و (یاد کن) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده و خضوع کنید!» همگی سجده کردند جز ابلیس که سر باز زد، و تکبر ورزید، (و به خاطر نافرمانی و تکبرش) از کافران شد»(۱)) و «دعا» درمان تکبر و خود نوعی عبادت است. («یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبادَتی سَیَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرِین» «کسانی که از عبادت من تکبّر می ورزند به زودی با ذلّت وارد دوزخ می شوند!»(۲)) و آن هم عبادتی مخصوص خداوند است. (عِبادَتی) و به حق نزد خداوند مقامی است که جز با دعا و تقاضا نمی توان به آن رسید. فرموده امام صادق(۳) «دعا» و سیله ارتباطی است بین عاشق و معشوق که از یک سو انسان را به شناخت پروردگار «معرفه الله» که برترین سرمایهٔ هر انسان است دعوت می فرماید و از سوی دیگر سبب می شود که خود را نیازمند او دیده و دربرابرش خضوع کند . واز سویی نعمت های بیشمار او را («وَ إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لا تُحْصُوها إِنَّ الْإِنْسانَ لَظَلُومٌ کَفَّار» «و اگر نعمتهای خدا را بشمارید، هرگز آنها را شماره نتوانید کرد! انسان، ستمگر و ناسپاس است!»(۴)) دیده به او عشق ورزد و رابطه اش قوی و محکم گردد . و از سوی دیگر چون نیازمند و مرهون نعمت های اوست موظف به اطاعت از

۱- - (بقره/۳۴)

۲- - (غافر/۶۰)

۳- -] کافی/ج۲/ص۳۳۸[

۴- - (ابراهیم/۳۴)

فرمانش می شود واز سویی چون استجابت دعا بی قید شرط نیست و از نیاز بهآداب و مقدمات و شرایطی (آداب دعا و شرایط استجابت و موانع آن را در صفحات بعد یادآور می شویم) چون خلوص نیت و صفای دل و توبه از گناهان دارد و در راه خود سازی و تربیت خود گام بر می دارد به او اعتماد به نفس داده و از یأس و نا امیدی باز می دارد .

در «دعا» ست که خالق و مخاوق احسان نزدیک شدن به یکدیگر را دارند، آنجا که می فرمایند :

«وَ إِذا سَأَلَکَ عِبادی عَنِّی فَإِنِّی قَریبٌ أُجیبُ دَعْوَهَ الدَّاعِ إِذا دَعانِ فَلْیَسْتَجیبُوا لی وَ لْیُؤْمِنُوا بی لَعَلَّهُمْ یَرْشُدُون»(۱) «و هنگامی که بندگان من، از تو در باره من سؤال کنند، (بگو:) من نزدیکم! دعای دعا کننده را، به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم! پس باید دعوت مرا بپذیرند، و به من ایمان بیاورند، تا راه یابند (و به مقصد برسند)!»

رسا ترین تعبیر در این آیه برای نزدیکی مخلوق به خالق آن است که خداوند هفت مرتبه ضمیر متکلم «من» را آورده است. («عبادی»، «عنی»، «فانی»، «اجیب»، «دعان- نی»، «لی»، «بی»)

«دعا» نه تنها انسان را با خالق نزدیک و مرتبط می کند، از طرفی همراه و همرنگ شدن با هستی است چون تمام هستی در تسبیح و قنوتند. «کُلٌّ لَهُ قانِتُون» و تمام موجودات به درگاه او اظهار نیاز دارند «یَسْئَلُهُ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْض»(۲)

پس ما نیز دعوت و فراخوان الهی را اجابت کنیم تا وصله ی ناهمگون هستی نباشیم.

ص: ۱۶

۱- - (بقره/۱۸۶)

۲- - (الرحمن/۲۹)

آری بـا مهربانی و لطف او ما را به سوی خویش فرا می خوانـد. «اُدعونی» و اعلام می فرمایـد که از همه چیز به تو نزدیک ترم «وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيد»(۱) دعا و درخواست شما را می شنوم. «إِنَّ رَبِّی لَسَمیعُ الدُّعاء»(۲) بر شما مهربانم. «رَبُّکُمْ ذُو رَحْمَهٍ واسِعَهٍ»(۳) و از همه مهربـان تر «وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمین»(۴) پس ایمان بیاوریـد «وَ لْیُؤْمِنُوا بی» و دعا و درخواست کنید که این خود مایه ی رشد شماست. «لَعَلَّهُمْ یَرْشُدُون»(۵)

و لـذا امام صادق می فرمایـد: «زیاد دعا کنیـد، زیرا دعا کلید بخشـش خداوند و وسـیله ی رسـیدن به حاجت است. نعمت ها و رحمت هـایی نزد پروردگـار است که جز بـا دعـا نمی تـوان به آن رسـید و بـدان هر در را که بکـوبی عـاقبت گشـوده خواهد شد.»(۶)

آری او به مـا نزدیـک است، چگونه ممکن است از مـا دور باشـد، در حـالی که میـان ما و قلب ما جای اوست. می فرمایـد: «وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ یَحُولُ بَیْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ»(۷) «خداوند میان انسان و قلب او حایل می شود»

و خداوند مهربان اجابت کننده ی هر مضطری است.

ص: ۱۷

۱- – (ق/۱۶)

۲- – (ابراهیم/۳۹)

۳- – (انعام/۱۴۷)

۴- – (یوسف/۹۲)

۵- – (بقره/۱۸۶)

۶- –]اصول کافی/ج۲/ص ۴۷۰ و بحارالانوار/ج ۹۰/ص۲۹۵ تا ۲۹۹[

۷- – (انفال/۲۴)

«أَمَّنْ يُجيبُ الْمُضْطَرَّ إِذا دَعاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ»(۱) «یا کسی که دعای مضطرّ را اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می سازد»

پس از مجموعه ی آیات و مفاهیم فوق در این فراخوان عمومی الهی می آموزیم که:

۱- دعا در هر جا و هر وقت که باشد، مفید است.

۲- خداوند به ما نزدیک است، ولی ما چطور؟ اگر گاهی قهر او دامن ما را می گیرد، به خاطر دوری ما از خداوند است، که در اثر گناهان می باشد.

۳- استجابت خداوند دائمی است، نه موسمی!

۴- با آنکه خداوند همه چیز را می داند، ولی دعا و درخواست وظیفه ی ماست.

۵- دعا آنگاه به اجابت می رسد که همراه با اخلاص، ایمان و عمل صالح باشد.

۶- دعا وسیله ی رشد هدایت است.

۷- گرچه دعا مستجاب نشود، ولی انس با خدا و نزدیک شدن به او مطلوب است.

۲- تعریف دعا

در لغت، به معنای نداو صدا زدن است «دعوتُ فلاناً»؛ یعنی او را صدا زدم. و در اصطلاح، فردی پست وپائین از فردی بالاتر از خود با حالت خضوع و سرافکندگی چیزی طلب کند .

۱- - (نمل/۶۲)

۳- آداب و چگونگی دعا

اشاره

دعا همراه ستایش خداوند باشد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «قَالَ إِنَّ كُلَّ دُعَاءٍ لَا يَكُونُ قَبْلَهُ تَمْجِيدٌ فَهُوَ أَبْتَر»(۱)

پیامبر گرامی اسلام: دعائی که با تمجید خدا آغاز نشود نافرجام است.

دعا همراه اعتراف به گناهان باشد.

قَالَ الصَّادِقُ: «إِنَّمَا هِيَ الْمِدْحَهُ ثُمَّ الثَّنَاءُ ثُمَّ الاقْرَارُ بِالذَّنْبِ ثُمَّ الْمَسْأَلَهُ انّه وَ اللَّه مَا خَرَجَ عَبد مِنَ الذَّنْب اِلّا بِالاِقرار»(۲)

امام صادق: اوّل مدح و ثنا، سپس اعتراف به گناه، آنگاه طرح سؤال و درخواست، که به خدا قسم! بنده ای از گناه، نجات نیافت مگر به واسطه اقرار

در دعا اصرار ورزیده شود

قَالَ الصَّادِقُ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ كَرِهَ إِلْحَاحَ النَّاسِ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْمَسْأَلَهِ وَ أَحَبَّ ذَلِكَ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبُّ أَنْ يُسْأَلَ وَ يُطْلَبَ مَا عِنْدَهُ»(۳)

امام صادق: خداوند متعال دوست ندارد که مردم هنگام درخواست از یکدیگر، اصرار ورزند اما این کار را برای خودش دوست دارد، خدا دوست دارد که مردم آنچه را نزد اوست بخواهند و طلب کنند.

۱- ۱-]مکارم الاخلاق/ص۳۰۸[

۲- ۲-]کافی/ج۲/ ص۴۸۴[

۳- -]کافی/ ج۲/ ص۴۷۵[

تمام نیازهای خود را از خداوند بخواهیم.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ:

«لِیَسْأَلْ أَحَدُکُمْ رَبَّهُ حَاجَتَهُ کُلَّهَا حَتَّی یَسْأَلَهُ شِسْعَ نَعْلِهِ إِذَا انْقَطَعَ»(۱)

پیامبر گرامی اسلام: هریک از شما باید تمام نیازمندی هایش را از خدا طلب کند حتی اگر بند کفشش پاره شد آن را نیز از خدا بخواهد.

دعا به وسیله اسماء الهی باشد.

«فَلَهُ الاسْماءُ الْحُسْنی»(۲) «برای او بهترین نامهاست»

مثلاًـ بگوید: یا الله، یا رحمن، یا رحیم، یا غفور، یا حلیم، یا قوی، یا قیوم، یا غنی، یا رازق، یا کریم، یا قدیم، یا فاطر و... اول خداوند را به اسماء و صفاتش تمجید و تجلیل کرده و بعد دعا کند.

❋ اسماء حسنی چیست؟

در کتب حدیث و تفسیر اعم از منابع شیعه و اهل تسنن بحثهای مشروحی پیرامون «اسماء حسنی» دیده می شود که فشرده ای از آن را به اضافه عقیده خود در اینجا می آوریم:

شک نیست که «اسمای حسنی» به معنی «نام های نیک» است و می دانیم که تمام نام های پروردگار مفاهیم نیکی را در بر دارد و بنا بر این همه اسماء او اسماء حسنی است، اعم از آنها که صفات ثبوتیه ذات پاک او است، مانند عالم و قادر، و یا آنها که صفات سلبیه ذات مقدس او است مانند «قدوس»، و آنها

۱- [مکارم الاخلاق/ ص ۲۷۰]

۲- (اسراء/۱۱۰)

که صفات فعل است و حکایت از یکی از افعال او می کند مانند خالق، غفور، رحمان و رحیم.

از سوی دیگر شک نیست که صفات خدا قابل احصاء و شماره نیست زیرا کمالات او نامتناهی است و برای هر کمالی از کمالات او اسم و صفتی می توان انتخاب کرد.

ولی چنان که از احادیث استفاده می شود، از میان صفات او بعضی دارای اهمیت بیشتری می باشد، و شاید «اسماء حسنی» که در آیه بالاـ آمده است، اشاره به همین گروه ممتازتر است، زیرا در روایاتی که از پیامبر ص و ائمه اهل بیت ع به ما رسیده کرارا این مطلب دیده می شود که خداوند دارای ۹۹ اسم است که هر کس او را به این نامها بخواند، دعایش مستجاب و هر که آنها را شماره کند اهل بهشت است. مانند روایتی که در کتاب توحید صدوق از امام صادق از پدرانش از علی نقل شده که پیغمبر فرمود: «إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی تِسْعَهً وَ تِسْعِینَ اسْماً مِائَهً إِلَّا وَاحِداً مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّه»(۱)

و نیز در کتاب توحید از امام علی بن موسی الرضا از پدرانش از علی نقل شده که فرمود:

«إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ تِسْعَهً وَ تِسْعِینَ اسْماً مَنْ دَعَا اللَّهَ بِهَا اسْتَجَابَ لَهُ وَ مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّهَ»(۲) برای خداوند ۹۹ اسم است، که هر کس خدا را به آن اسامی بخواند (بعد دعا کند) دعایش مستجاب می شود.

۱- [۱]-]تفسیر المیزان و مجمع البیان و نور الثقلین ذیل آیه[

۲- [۲]-]تفسیر المیزان و مجمع البیان و نور الثقلین ذیل آیه[

در کتاب صحیح بخاری و مسلم و ترمذی و کتب دیگر از منابع حدیث اهل تسنن نیز همین مضمون پیرامون اسماء نود و نه گانه خدا و اینکه هر کس خدا را با آن بخواند، دعای او مستجاب است یا هر کس آنها را احصا کند، اهل بهشت خواهد بود، نقل شده است.(۱)

از پاره ای از این احادیث استفاده می شود که این اسامی نود و نه گانه در قرآن است، مانند روایتی که از ابن عباس نقل شده که می گوید: پیامبرفرمود:

«أَنَّ لِلَّهِ تِسْعَةً وَ تِسْعِينَ اسْماً مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ و هِيَ فِي الْقُرْآن»(۲)

و به همین جهت جمعی از دانشمندان کوشش کرده اند که این اسامی و صفات را از قرآن مجید استخراج کنند، ولی نامهایی که در قرآن مجید برای خدا آمده است بیش از ۹۹ نام است، بنا بر این ممکن است اسماء حسنی در لابلای آنها باشد، نه اینکه در قرآن جز این ۹۹ نام، نام دیگری برای خدا وجود نداشته باشد.

در بعضی از روایات این نامهای نود و نه گانه آمده است، که ما ذیلا یکی از این احادیث را می آوریم (ولی باید توجه داشت، بعضی از این نامها به شکلی که در این روایت آمده در متن قرآن نیست، اما مضمون و مفهوم آن در قرآن وجود دارد). و آن روایتی است که در توحید صدوق از امام صادق از پدر و اجدادش از علی از پیامبر نقل شده که پس از اشاره به وجود نود و نه نام برای خدا می فرماید:

۱- -]تفسیر المیزان و مجمع البیان و نور الثقلین ذیل آیه[

۲- -]تفسیر المیزان و مجمع البیان و نور الثقلین ذیل آیه[

و هی اللَّه، الاله، الواحد، الاحد، الصمد، الاول، الآخر، السمیع، البصیر القدیر، القادر، العلی، الاعلی، الباقی، البدیع، البارئ، الاکرم، الباطن، الحی، الحکیم، العلیم، الحلیم، الحفیظ، الحق، الحسیب، الحمید، الحفی، الرب، الرحمن، الرحیم، الذارء، الرزاق، الرقیب، الرؤف، الرائی، السلام، المؤمن، المهیمن، العزیز، الجبار، المتکبر، السید، السبوح، الشهید، الصادق، الصانع، الظاهر، العدل، العفو، الغفور، الغنی، الغیاث، الفاطر، الفرد، الفتاح الفالق، القدیم، الملک، القدوس، القوی، القریب، القیوم، القابض، الباسط، قاضی الحاجات، المجید، المولی، المنان، المحیط، المبین، المغیث، المصور، الکریم، الکبیر، الکافی، کاشف الضر، الوتر، النور، الوهاب، الناصر، الواسع، الودود، الهادی، الوفی، الوکیل، الوارث، البر، الباعث، التواب، الجلیل، الجواد، الخبیر، الخالق، خیر الناصرین، الدیان، الشکور، العظیم، اللطیف، الشافی (۱)

ولی آنچه در اینجا بیشتر اهمیت دارد و باید مخصوصا به آن توجه داشته باشیم این است که منظور از خواندن خدا به این نام ها و یا احصاء و شمارش اسماء حسنای پروردگار، این نیست که هر کس این ۹۹ اسم را بر زبان جاری کند و بدون توجه به محتوا و مفاهیم آنها تنها الفاظی بگوید سعادتمند خواهد بود، و یا دعایش به اجابت می رسد، بلکه هدف این است که به این اسماء و صفات ایمان داشته باشد، و پس از آن بکوشد در وجود خود پرتوی از مفاهیم آنها یعنی از مفهوم عالم و قادر و رحمان و رحیم و حلیم و غفور و قوی و قیوم و

۱- -]المیزان/ج۸ /ص۳۷۶ (نقل از توحید صدوق)[

غنی و رازق و امثال آن را در وجود خود منعکس سازد، مسلما چنین کسی هم بهشتی خواهد بود و هم دعایش مستجاب و به هر خیر و نیکی نائل می گردد.

ضمنا از آنچه گفتیم روشن می شود که اگر در پاره ای از روایات و دعاها اسامی دیگری برای خدا غیر از این اسماء ذکر شده و حتی شماره نامهای خدا در بعضی از دعاها به یکهزار رسیده هیچگونه منافاتی با آنچه گفتیم ندارد، زیرا اسماء خدا حد و حصر و انتهایی ندارد، و مانند کمالات ذات و بی انتهایش نامحدود است. هر چند پاره ای از این صفات و اسماء امتیازی دارد.

۴- آداب نیایش گر ودعا کننده

اهمیت دعا را بداند و آن را کم نشمارد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُومِنِين:

« قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی ... وَ أَخْفَی إِجَابَتَهُ فِی دَعْوَتِهِ فَلا تَسْتَصْغِرَنَّ شَيْئاً مِنْ دُعَائِهِ فَرُبَّمَا وَافَقَ إِجَابَتَهُ وَ أَنْتَ لا تَعْلَمُ وَ أَخْفَی وَلِيَّهُ فِی عِبَادِه»(۱)

حضرت امیرالمؤمنین: وخداوند اجابت کردن خود را در دعای بنده اش قرار داده است، بنا براین چیزی از دعاوخواندن او را کوچک نشمار بسا که مورد اجابت او قرار گیرد و تو نمی دانی.

به اجابت دعا خوش گمان باشد.

قَالَ الصَّادِقُ: «إِذَا دَعَوْتَ فَظُنَّ أَنَّ حَاجَتَکَ بِالْبَابِ»(۲)

۱- -]خصال صدوق/ج۱/ص۲۰۹[

۲- -]کافی /ج۲ / ص۴۷۳[

هر گاه دعا کردی، گمانت این باشد که حاجتت نزد در آماده و حاضر است.

در دعا تضرع و ابتهال داشته باشد.

قَالَ عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ إِذَا ابْتَهَلَ وَ دَعَا كَمَنْ يَسْتَطْعِمُ»(۱)

رسول گرامی اسلام هنگام دعا مانند کسی که غذا طلب می کند، دست های خود را بلند می فرمود.

با خوف و طمع دعا کنند.

«وَ ادْعُوهُ خَوْفاً وَ طَمَعاً»(۲)

«و او را با بیم و امید بخوانید!»

یقین به اجابت دعا داشته باشد.

قَالَ رَسُولُ اللَّه : «ادْعُوا اللَّهَ وَ أَنْتُمْ مُوقِنُونَ بِالاجَابَهِ»(۳)

در حالی که یقین به اجابت خدا دارید، او را بخوانید.

هنگام دعا امید به غیر خدا نداشته باشد.

«وَ يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ»(۴)

و درخواست کسانی را که ایمان آورده و کارهای نیك انجام داده اند می پذیرد.

با اخلاص دعا نماید وحضور قلب داشته باشد.

«وَ ادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَما بَدَأَكُمْ تَعُودُون»(۵)

۱- -]أمالی طوسی/ ص۵۸۵[

۲- - (اعراف/۵۶)

۳- -]عده الداعی/ ص۱۴۴[

۴- - (شوری/۲۶)

۵- - (اعراف/۲۹)

در دعا بلند نظر باشد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «اللَّهُمَّ أَغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ اللَّهُمَّ أَشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ»(۱)

خدایا! همه فقیران را بی نیاز کن. خدایا! همه گرسنه ها را سیر کن.

یعنی نه فقط به فکر حاجت ها و مشکلات و گرفتاری های خود باشد، بلکه به یاد دیگران هم باشد و برای آن ها هم دعا کند، بلکه اگر می خواهد به اجابت نزدیک تر شود، اول به دیگران و بعد برای خود دعا کند. حضرت زهرا به امام حسن فرمود: «الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ»(۲) اول به همسایه (دعا کنید) و بعد به خود.

۵- زمان دعا

روز عرفه

این روز، روز دعا به درگاه الهی است. به همین خاطر هرچند روزه اش مستحب است، ولی اگرموجب ضعف شود روزه نگرفتن و دعا خواندن بهتر است.(۳)

شب قدر و شب های احیا

شب های قدر در ماه رمضان، دهه ی آخر رمضان و چهار شب دیگر:

الف)شب اول ماه رجب ب) شب نیمه شعبان ج) شب عید فطر د) شب عید قربان

روز جمعه

امام صادق(ع): «مَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ بِيَوْمٍ أَفْضَلَ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَهِ...»(۴)

خورشید بر روزی برتر از روز جمعه طلوع نکرده است.

۱- -]المصباح کفعمی/ ص۶۱۷[

۲- -]وسائل الشیعه/ج۷/ص۱۱۲[

۳- -]عده الداعی/ ۸۸[

۴- -]عده الداعی/ ۷۵[

شب جمعه

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَی لَیُنَادِی کُلَّ لَیْلَه جُمُعَهٍ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ مِنْ أَوَّلِ اللَّیْلِ إِلَی آخِرِهِ أَ لَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ یَدْعُونِی لِدِینِهِ أَوْ دُنْیَاهُ [لِآخِرَتِهِ وَ دُنْیَاهُ] قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَأُجِیبَه»(۱)

ذات اقدس الهی هر شب جمعه از اول تا آخر شب این گونه ندا می دهد: آیا بنده مؤمنی نیست که تا قبل از صبح مرا برای دین یا دنیایش بخواند تا من اجابتش کنم؟

هنگام وزش باد، بارش باران، اذان ظهر و ریختن اولین قطره خون شهید.

امام صادق : «اطْلُبُوا الدُّعَاءَ فِی أَرْبَعِ سَاعَاتٍ عِنْدَ هُبُوبِ الرِّیَاحِ وَ زَوَالِ الْأَفْیَاءِ وَ نُزُولِ الْمَطَرِ وَ أَوَّلِ قَطْرَهٍ مِنْ دَمِ الْقَتِیلِ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ تُفَتَّحُ عِنْدَ هَذِهِ الْأَشْیَاءِ»(۲)

امام صادق : در چهار زمان به دنبال دعا باشید: وزش باد، زوال سایه ها (که همان ظهر شرعی است) نزول باران و اولین قطره از خون مؤمن، چون در این اوقات درهای آسمان گشوده خواهد شد.

بین الطلوعین

امام باقر: «قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یُحِبُّ مِنْ عِبَادِهِ [الْمُؤْمِنِینَ] کُلَّ [عَبْدٍ] دَعَّاءٍ فَعَلَیْکُمْ بِالدُّعَاءِ فِی السَّحَرِ إِلَی طُلُوعِ الشَّمْسِ فَإِنَّهُ سَاعَهٌ تُفَتَّحُ فِیهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ تُقْسَمُ فِیهَا الْأَرْزَاقُ وَ تُقْضَی فِیهَا الْحَوَائِجُ الْعِظَامُ»(۳)

ص: ۲۷

۱- -]عده الداعی/ ۷۶[

۲- -]الکافی/ج ۲/ص ۴۷۶[

۳- -]عده الداعی/ ۵۵[

خداونـد متعال از بین بندگانش بنده ی بسـیار دعاکننده را دوست دارد پس دعا کنید در سـحرها تا طلوع آفتاب، چون درهای بهشت در این هنگـام بـاز می شونـد، روزی ها در این زمان تقسـیم می گردنـد و حاجت های بزرگ در این وقت برآورده می شوند.

وقت نماز عشاء

پیامبر اکرم: «مَنْ کَانَ لَهُ حَاجَهٌ فَلْیَطْلُبْهَا فِی الْعِشَاءِ الْآخِرَهِ فَإِنَّهَا لَمْ یُعْطَهَا أَحَدٌ مِنَ الْأُمَمِ قَبْلَکُمْ یَعْنِی الْعِشَاءَ الْآخِرَه»(۱)

هر یـک از شـما حـاجتی دارد آن را بـه هنگـام نمـاز عشـا طلب کنـد، چرا که این به امت هـای پیش از شـما داده نشـده است. (مخصوص شماست)

یک سوم آخر شب

پیامبر اکرم: «إِذَا کَانَ آخِرُ اللَّیْلِ یَقُولُ اللَّهُ سُـبْحَانَهُ وَ تَعَالَی هَلْ مِنْ دَاعٍ فَأُجِیبَهُ هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأُعْطِیَهُ سُؤْلَهُ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ هَلْ مِنْ تَائِبٍ فَأَتُوبَ عَلَیْهِ»

ذات اقـدس الهی، آخر هر شب این چنین می گویـد: آیا دعاکننـده ای هست تا من او را اجابت کنم؟ آیا درخواست کننده ای هست تا خواسته اش را عطا کنم؟ آیا آمرزش خواهی هست تا او را بیامرزم؟ آیا بنده توبه کاری هست تا توبه اش را بپذیریم؟

۶- مکان دعا

سرزمین عرفات

«و روی أن من الـذنوب مـا لاـ یعفو [یغفر] إلاـ بعرفه و المشـعر الحرام قـال الله تعـالی- فَـإِذا أَفَضْـتُمْ مِنْ عَرَفاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرامِ و لیله من لیالی الَاحیاء»(۲)

۱- -]عده الداعی/ ۸۰[

۲- -] عده الداعی/۹۱[

برخی از گناهان فقط در سه موقعیت بخشیده می شوند: عرفات، مشعر الحرام، که خداوند متعال فرمود: وقتی از عرفات کوچ کردید خدای را در مشعر الحرام به یاد بیاورید. و شبی از شبهای احیا!

مسجد الحرام و کعبه

«عَنِ الرِّضَا قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ مَا وَقَفَ أَحَدٌ فِی تِلْکَ الْجِبَالِ إِلَّا اسْتُجِیبَ لَهُ فَأَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فَیُسْتَجَابُ لَهُمْ فِی آخِرَتِهِمْ وَ أَمَّا الْکُفَّارُ فَیُسْتَجَابُ لَهُمْ فِی دُنیاهم»(۱)

کسی در این کوه ها توقف نکرد (حتی کافر) مگر آنکه (دعایش) اجابت شد، اگر مؤمن باشد، اجابت اخروی و اگر کافر باشد اجابت دنیایی دارد.

مساجد

الف) در حدیث قدسی آمده است که:

«فِی الْحَدِیثِ الْقُدْسِیِّ أَلَا إِنَّ بُیُوتِی فِی الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ فَطُوبَی لِعَبْدٍ تَطَهَّرَ فِی بَیْتِهِ ثُمَّ زَارَنِی فِی بَیْتِی»(۲)

آگاه باشید که مساجد، خانه های من بر روی زمین اند، پس خوشا به حال بنده ای که در خانه خود تطهیر کند (وضو بگیرد) سپس مرا در خانه ام زیارت کند.

ب) «أَقیمُوا وُجُوهَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ وَ ادْعُوهُ مُخْلِصینَ لَهُ الدِّین»(۳)

و توجّه خویش را در هر مسجد (و به هنگام عبادت) به سوی او کنید! و او را بخوانید، در حالی که دین (خود) را برای او خالص گردانید!

زیر گنبد سید الشهداء

ص: ۲۹

۱- -]کافی/ج ۴/ص۲۵۶[

۲- -]عده الداعی/ ۹۲[

۳- - (اعراف/۲۹)

«أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَوَّضَ الْحُسَيْنَ مِنْ قَتْلِهِ بِأَرْبَعِ خِصَالٍ جَعَلَ الشِّفَاءَ فِي تُرْبَتِهِ وَ إِجَابَهَ الدُّعَاءِ تَحْتَ قُبَّتِهِ وَ الْأَئِمَّهَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ وَ أَنْ لَا يُعَدَّ أَيَّامُ زَائِرِيهِ مِنْ أَعْمَارِهِمْ»(۱)

«خداوند سبحان، در عوض قتل امام حسین چهار خصلت عطا کرده است: شفا را در تربتش نهاد. اجابت دعا را زیر گنبدش قرار داد. ائمه بعدی از نسل اویند. مدت زمانی را که زائرین آن حضرت برای زیارت می گذرانند، جزء عمرشان به حساب نمی آورد.

رو به قبله دعا کردن

رو به قبله دعا کنید و دست های خود را به طرف آسمان بلند کنید.

۷- استجابت دعا

اشاره

همه ما در زندگی با خواسته های ریز و درشتی رو به رو هستیم

و با توجّه به تربیت دینیمان آنچه را که دستمان میرسد تلاش میکنیم تا با یاری خداوند متعال به آنها برسیم اما گاهی میبینیم هر چه تلاش میکنیم هر چه دعا میکنیم نمی شود که نمی شود اینجاست که با خود میگوییم مگر دعا چاره مشکلات نیست پس چرا نمی شود دچار شک و بد دلی نسبت به خداوند و دین و زمین و آسمان میشویم غافل از اینکه هیچ گاه خداوند یگانه آن مهربان ترین مهربانان از احوال بندگانش بیخبر نیست که اگر چنین بود حتی برای یک لحظه، فیض حیات از عالم امکان رخت میبست، حال این سؤال پیش می آید

۱- -]عده الداعی/ ۹۳[

که پس چرا دعاهایمان مستجاب نمی شود؟ در اینجا برای پاسخ از روایات اصول کافی استفاده میکنیم:

مردی نزد جعفر بن محمـد الصادق عرضه داشت:(۱) گفت آیه ای در قرآن هست من آن را می جـویم ولی نمی یـابم. فرمـود کـدام آیه است که تخلف شـده است و تو، به نتیجه نرسـیده ای؟ گفت اول اینکه خداونـد در قرآن فرموده است. «وَ قَالَ رَبُّکُمُ ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ»(۲)؛ مرا بخوانیـد تـا اسـتجابت کنم شـمار را و من مکرر دعـا کرده ام و نشـده. امام فرمود: آیا گمان می کنی خـدا خلف وعـده بکند؟ (خلف وعده قبیح است عقلاً و شـرعاً مذموم است. خدا می فرماید: «اوفوا بالعهد»؛ هر عهدی که کردیـد وفـا بکنیـد آن وقت خودش به وعـده اش وفا نمی کنـد که دعا بکننـد اجابت نشود؟) اظهار حیرت کرد گفت آقا البته هیـچ وقت خـدا خلف وعـده نمی کنـد پس علت چیست؟ می فرماید: اینکه فرمود دعا کنید تا من اجابت کنم، نه هر کس می خواهد باشد اگر تو حرف خدا را شنیدی، خدا هم حرف تو را می شنود.

* سریع الاجابه برای بنده مطیع

روزی به خدمت عالم بزرگوار آقای حاج ملا علی همدانی رسیدم و از ایشان داستان عجیب و جالبی شنیدم. وی فرمود: روزی وارد صـحن مطهر امام حسین شدم، دیدم گوشه ای شلوغ است، جلو رفتم و سؤال کردم: چه خبر است؟ بچه ای را نشان دادند که از مناره ی صحن بالا رفته و از آنجا به پایین

۱- -]اصول کافی/ج۲/ص۳۲۵[

۲- - (غافر/۶۰)

پرت شده. پدر این طفل که حمّال است – خطاب به بچه کرده (وسط زمین و آسمان) که بایست و طفل همان جا مانده. نردبان آورده و او را سالم پایین آوردند، از پیرمرد با تعجّب سؤال کردم: چه چیز باعث شده که شما به این مقام برسی؟ گفت: این کار مهمی نیست! ما اصرار کردیم، گفت: رمز این کار این است که من از اول بلوغ و تکلیف، سعی کرده ام هر چه خدا فرموده عمل کنم و تابع خواسته های نفس و شیطان نباشم. امروز هم یک چیزی من خواستم، خداوند عزیز و قادر قبول کرد.(۱)

* اجابت به تدریج و به وسیله اسباب

اجابت دعا شرایط دارد و بعد از آن هم که شرایطش درست شد اجابت دعا دو قسم است گاهی صلاح در این است که فوراً بشود گاهی صلاح در تدریج است، اینکه فرمود استجب لکم نه اینکه بدون سبب اجابت شود؟

خدا فرمود دعا کن بگو خدایا این مریض را شفا بده آن وقت اگر اجابت شد اجابتش نه فوری و بدون اسباب است که مثلاً بدون دواء و جراحی خوب شود فرمود استجب لکم تو می خواهی که این مریض خوب شود خوبش می کنیم هر چند مثلاً ماه دیگر با دواء و جراحی نه این که آناً خرق اسباب شود مگر معجزه می خواهی؟ آن هم مخصوص پیغمبر و امام است برای مصالح دیگری وگرنه اجابت لازمه اش خرق اسباب نیست.

دعا بالاخره مستجاب است ولی به اسباب و به تدریج، نه این که خرق عادت و بدون اسباب، خدا مستجاب می کند با اسباب گاهی مثلاً یک سال طول می کشد.

۱- - جلد اول خاطرات حجت الاسلام والمسلمین قرائتی – صفحه ۱۱۰ – خاطره ۶۲ - طفلی میان زمین و هوا

در اصول کافی از عجله داشتن در استجابت دعا نهی شده است. چون خداوند هم قدرت دارد، و هم حکیم و هم بنده ی خود را دوست می دارد و در هر صورت برای بنده ی خود خیر را می خواهد و مقدر می فرماید، و از طرفی علم انسان محدودچه بسیار که چیزی را خیر خود می داند و حال اینکه شرّ اوست و از طرفی دنیا چه ارزش دارد تا خواسته های جزئی آن چه باشد در هر حال می گذرد مثلاً از خداوند خانه و پارک و فرش خواسته آیا مدت استفاده از اینها با آن همه دردسرهایش چند سال است.

* گاهی مصلحت در تاخیر استجابت است

جوان عزیز تو دعا بکن بگو: خدایا برای حفظ دینم همسر صالحه ای نصیب فرما، مستجاب می شود. اما به مرور و گاهی هم می شود که خود تاخیر مصالحی دارد یعنی ممکن است زود مستجاب شود. لکن مصلحت هایی مخفی است که کمی باید طول بکشد، گاه می شود مومنی حاجتی دارد با سوز دل به درگاه خدا ندبه می کند، ندا می رسد حاجتش رواست اما به این زودی به او ندهید زیرا که اگر زود به او دادید دیگر ما را از سوز دل نمی خواند، ما صدای ناله بنده مان را دوست داریم این بنده تا گرفتار است با روی سوز دل ما را می خواند و با سوز دل یا الله گفتن هم دوای تمام دردهای باطنی اوست ولی همین که حاجحتش را دادند، دیگر در مسجد حضور پیدا نمی کند.

نزدیک ترین حالات بنده به پروردگارش وقتی است که سرش به سجده باشد.(۱) دلش شکسته باشد، چشمش گریان باشد، این نزدیکترین حالات بنده به

۱- -]سفینه البحار/ج ۱ص/۵۹۹[

خداست، آن وقت چنین سعادت عظیمی به تو داده اگر مثلاً خدا دنیا و مظاهر آن را داد و این سعادت کنار برود آیا می ارزد؟ اگر پرده عقب برود می گویی نه، کامیابی و رسیدن به مراد، نفس را گردن کلفت تر می کند، انسان را از خدا دور می کند، کام های مادی غالب می شود، کام الهی، روحانی اخروی رها می شود، اما در حاجات مادی صورتش ناکامی است باطنش رحمت، لطف، فضل کرم، ظاهرش گریه و انابه است اما باطنش خنده و شادمانی است.

خلاصه مطلب این که خداوند متعال خود، ما را آفریده و بهتر از خود ما و هر کس دیگر نیازهای واقعیمان را می داند که چه چیز برای ما بهتر است و چه چیز نیست! قرار نیست هرچه که ما فکر می کنیم به صلاحمان است همان باشد ما به واسطه جهل نسبی مان از عواقب آنچه که بدنبالش هستیم آگاهی نداریم چه بسا که آن خواسته برای ما چون زهر کشنده ای باشد که با اصرار می خواهیمش در بدست آوردن آن ناله ها می کنم و وقتی عواقب سوءاش دامنمان را گرفت باز ناله می کنیم که خدایا چرا چنین و چنان کردی؟ و فراموش می کنیم این همان چیزی بود که در راه رسیدنش داشتیم هلاک می شدیم .

پس هر گاه شما را حاجتی پیش آمد بخوانید خداوند بلند مرتبه را اما با حسن ظن با آگاهی به اینکه او قادر مطلق است اعتماد کنید صبر داشته باشید تا نتیجه خواسته تان را به بهترین نحو بیابید خداوند هرگز خلاف وعده نمی کند.(۱)

ص: ۳۴

۱- - از روزنامه اعتدال به نقل از کتاب معارفی از قرآن آیت الله دستغیب

۸- عوامل استجابت دعا

الف) عوامل نظری و اعتقادی

ارزش دعای خود را کم نداند وکوچک نشمارد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُومِنِينَ : «إِنَّ اللَّهَ تَبارَکَ وَ تَعَالَی... وَ أَخْفَی إِجَابَتَهُ فِی دَعْوَتِهِ فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ شَیْئاً مِنْ دُعَائِهِ فَرُبَّمَا وَافَقَ إِجَابَتَهُ وَ أَنْتَ لَا تَعْلَم»(۱)

وخداوند اجابت کردن خود را در دعای بنده اش قرار داده است، بنا براین چیزی از دعاوخواندن او را کوچک نشمار بسا که مورد اجابت او قرار گیرد و تو نمی دانی.

حسن ظن به اجابت خدا داشته باشد.

قَالَ الصَّادِقُ :«إِذَا دَعَوْتَ فَظُنَّ أَنَّ حَاجَتَکَ بِالْبَابِ»(۲)

هر گاه دعا کردی، گمانت این باشد که حاجتت نزد در آماده و حاضر است.

«فَإِنِّی قَرِیبٌ أُجِیبُ دَعْوَهَ الدَّاعِ»(۳)

من نزدیکم! دعای دعا کننده را، به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم!

حضور قلب در دعا داشته باشد.

قَالَ الصَّادِقُ :«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لا یَسْتَجِیبُ دُعَاءً بِظَهْرِ قَلْبٍ سَاهٍ فَإِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِکَ ثُمَّ اسْتَیْقِنْ بِالاجَابَهِ»(۴)

۱- -]خصال صدوق/ ج ۱/ ص ۲۰۹[

۲- -]کافی/ ج ۲/ ص ۴۷۳[

۳- - (بقره/۱۸۶)

۴- -]کافی/ج ۲/ص ۴۷۳[

خداوند متعال دعائی که از دلی غافل سرزند مستجاب نخواهد کرد، پس هر گاه خواستی دعا کنی، با (حضور) قلبت به او روی بیاور، آنگاه یقین به اجابتش داشته باش.

ایمان داشته باشد.

«وَ یَسْتَجِیبُ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ»(۱)

و درخواست کسانی را که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده اند می پذیرد.

از روی ترس و طمع دعا کند.

«وَ ادْعُوهُ خَوْفاً وَ طَمَعاً»(۲)

و او را با بیم و امید بخوانید!

فقط خداوند را بخواند.

برای اجابت دعا فقط خداوند را بخوانید: «ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ»(۳)

ب) عوامل عملی و رفتاری

با نام خدا شروع کند.

قَالَ رَسُولُ اللَّه: «لا یُرَدُّ دُعَاءٌ أَوَّلُهُ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم»(۴)

دعائی که با «بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم» آغاز گردد رد نمی شود.

پس از نماز

قَالَ الصَّادِقُ : «...جَاءَ رَجُلٌ آخَرُ إِلَی الْمَسْجِدِ فَصَلَّی رَکْعَتَیْنِ ثُمَّ أَثْنی عَلَی اللَّهِ

۱- - (شوری/۲۶)

۲- - (اعراف/۵۶)

۳- - (غافر/۶۰)

۴- -]الدعوات راوندی/ ص۵۲[

عَزَّ وَ جَلَّ وَ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ وَ آلِهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّه سَلْ تُعْطَ»(۱)

... مرد دیگری آمد و دو رکعت نماز خواند و سپس خدای عزوجل را ثنا گفت و بر پیامبر و خاندانش درود فرستاد. دراین هنگام رسول خدا به او فرمود: بخواه که به تو داده خواهد شد.

بعد از عمل واجب دعا کنید.

«قَالَ رَسُولُ اللَّه : «مَنْ أَدَّى فَرِيضَةً فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ»(۲)

هر کس نماز واجبی بجای آورد یک دعای مستجاب نزد خدا خواهد داشت.

وفای به عهد الهی نماید.

«وَ أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ»(۳)

و به پیمانی که با من بسته اید وفا کنید، تا من نیز به پیمان شما وفا کنم.

آری اگر بخواهیم خداوند به حاجات، دعاها و خواسته های ما توجه فرماید، ما هم باید به دستورات او توجه و عمل کنیم. در جای دیگر می فرماید: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ»(۴) «پس به یاد من باشید، تا به یاد شما باشم!» حال چگونه توقع داریم ما خدا را نافرمانی و معصیت کرده ولی خداوند خواسته های ما را اجابت نماید؟ و ظرف دلی که از گناه آلوده و کثیف گردیده، در آن شیر معرفت و تقرّب و اجابت ریخته شود؟

حلال بودن غذا و طهارت باطن

۱- -]کافی/ ج۲/ ص۴۸۵[

۲- -]أمالی مفید/ ص۱۱۷[

۳- - (بقره/۴۰)

۴- - (بقره/۱۵۲)

قَالَ رَسُولُ اللَّه : «لِمَنْ قَالَ لَهُ أَحِبُّ أَنْ يُسْتَجَابَ دُعَائِی قَالَ لَهُ: طَهِّرْ مَأْکَلَکَ وَ لَا تُدْخِلْ بَطْنَکَ الْحَرَامَ»(۱)

رسول خدا در پاسخ کسی که گفت: دوست دارم دعایم مستجاب شود، فرمود: مرکز تهیه ی غذایت را پاک کن و در شکمت، حرام داخل ننما.

«أَیُّها أَزْکی طَعاماً»(۲)

کدام یک از آنها غذای پاکیزه تری دارند.

انجام عمل صالح ونیک

قَالَ رَسُولُ اللَّه :«یَا أَبَا ذَرٍّ یَکْفِی مِنَ الدُّعَاءِ مَعَ الْبِرِّ مَا یَکْفِی الطَّعَامَ مِنَ الْمِلْحِ»(۳)

آن مقدار که نمک برای غذا کافی است، همان مقدار دعا در کنار کار نیکو کفایت می کند.

«وَ یَسْتَجِیبُ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ»(۴)

و درخواست کسانی را که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده اند می پذیرد.

دعا برای دیگران

برای دیگران نیز دعا کنید:

قَالَ الصَّادِقُ: «مَنْ قَدَّمَ فِی دُعَائِهِ أَرْبَعِینَ مِنَ الْمُومِنِینَ ثُمَّ دَعَا لِنَفْسِهِ اسْتُجِیبَ لَهُ»(۵)

یعنی هرکس پیش از دعاکردن برای خودش چهل مؤمن را دعاکند دعایش مستجاب می شود.

۱- [۱]-]عده الداعی/ ص۱۳۹[

۲- - (کهف/۱۹)

۳- -]أمالی طوسی/ ص۵۳۳[

۴- - (شوری/۲۶)

۵- -]أمالی صدوق/ ۴۵۶[

توبه

«وَ قُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطاياكُمْ وَ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنين»(۱)

و بگویید: «خداوندا! گناهان ما را بریز!» تا خطاهای شما را ببخشیم و به نیکوکاران پاداش بیشتری خواهیم داد.

باصلوات بر پیامبر و اهل بیت شروع شود

قَالَ الصَّادِق : «قَالَ لَا يَزَالُ الدُّعَاءُ مَحْجُوباً حَتَّى يُصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّد»(۲)

دعا همواره در پرده وحجاب است تا زمانی که بر محمد و آل او سه درود فرستاده شود.

آری به یقین یکی از دعاهای مستجاب در درگاه خداوند است و کسی که حوائج و خواسته هایش را بین دو صلوات و دعای مستجاب قرار دهد، خداوند به آن ها توجه فرموده و به استجابت نزدیک تر می شود.

حضرت رسول فرمود: «اجْعَلُونِي فِي أَوَّلِ الدُّعَاءِ وَ فِي آخِرِهِ وَ فِي وَسَطِهِ»(۳) مرا در اول دعا و در وسط و آخر دعا قرار دهید.

«إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْليماً»(۴) خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستد ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او درود فرستید و سلام گویید و کاملًا تسلیم (فرمان او) باشید.

ص: ۳۹

۱- - (بقره/ ۵۸)

۲- -]کافی/ج ۲/ص ۴۹۱[

۳- -]اصول کافی/ج ۲/ص ۴۹۲[

۴- - (احزاب/۵۶)

۹- اهمیت، شأن و جایگاه صلوات

اشاره

مفهوم این آیه مبارکه این است که: مقام پیامبر اسلامبقدری والا و ارجمند است که آفریدگار عالم هستی و تمام فرشتگانی که تدبیر این جهان به فرمان حق بر عهده آنها گذارده شده است بر او درود می فرستند اکنون که چنین است شما مؤمنان نیز با این پیام جهان هستی، هماهنگ شوید و بر او درود بفرستید.

* در کتاب های ششگانه اهل سنت روایاتی آمده است که از پیامبر پرسیدند: چگونه صلوات بفرستیم؟ فرمودند: بگوئید: «اللهم صل علی محمد و آل محمد»(۱)

* رسول خدا فرمودند: «هرکه در کتاب و نوشته ای بر من صلوات فرستد تا آن صلوات در نوشته باقی است، برای او پاداش خواهد بود.(۲)

از آیه فوق استفاده میشود که:

الف: صلوات خدا و فرشتگان بر پیامبردائمی است «یصّلون»

ب: صلوات بر پیامبر، لازمه ایمان و از وظائف مؤمنان است.

«صلّوا علیه وسلّموا»

آثار صلوات:

* در روایات برای صلوات اهمّیت، و آثار زیادی نقل شده که ما به بعضی از آنها اشاره می کنیم علاقمندان میتوانند به منابع مربوطه که در ذیل به آنها اشاره می شود مراجعه نمایند.

۱- صلوات کلید استجابت دعا است.

۲- سبب سنگین شدن میزان اعمال مؤمن در قیامت است.

۱- -]تفسیر نور/ج۷/ص۳۹۵[

۲- -]تفسیر روح البیان[

۳- خداوند بر صلوات فرستنده درود فرستاده و لغزش اورا می پوشاند

۴- باعث رضایت وخوشنودی خداوند می شود.

۵- باعث نورانی شدن انسان در قیامت است.

۶- باعث زدودن نفاق از دلها است.

۷- باعث ایمنی از تلخی مرگ وجان دادن است.

۸- آرامش بخش و اطمینان آور است.

۹- وسیله ی عافیت است.

۱۰- باعث قرب و نزدیک شدن به خدا و پیامبر و اهلبیت است.

علامه طباطبائیدر تفسیر المیزان می فرمایند: صلوات به معنای این است که از گلستان اهلبیت گلی چیده و به خودشان هدیه دهیم.

۱۱- باعث دور شدن شیطان است.

۱۲- کفاره و ویران کننده گناهان است.

۱۳- نوری بر پل صراط در قیامت است.

۱۴- وسیله ی ایمن شدن از آتش دوزخ است.

۱۵- جبران کننده اعمال است.

۱۶- وسیله ی سنگین و زیاد شدن ثواب کار های نیک است.

۱۷- وسیله ی تأمین امور در دنیا و آخرت است.

۱۸- وسیله ی درک ظهور صاحب الزمان

۱۹- شفای دردها است.

۲۰- وسیله ی طلب آمرزش فرشتگان برای انسان است.

۲۱- اکسیر احمر است.

ص: ۴۱

۲۲- بهای شفاعت است.

۲۳- وسیله ی نورانی و مصفّا و استحکام روح است.

۲۴- وسیله ی اظهار دوستی و ارتباط است.

۲۵- اطاعت از امر الهی است. «صلّوا »

۲۶- وسیله ی همراهی با ملائکه است. «یصّلون»

۲۷- اجر و ثواب فراوان دارد.

۲۸- باعث نزول رحمت الهی است.

۲۹- باعث قبولی اعمال است.

۳۰- بوی خوش مجالس است.

۳۱- خلاصی از غیبت است.

۳۲- توانگر و غنی کننده است.

۳۳- وسیله ی یاد آمدن فراموش شده است.

۳۴- وسیله ی ثابت قدم شدن بر پل صراط است.

۳۵- نور در قبر است.

۳۶- وسیله ی دفع عطش در قیامت است.

۳۷- وسیله ی نجات از ترس و نگرانی در قیامت است.

۳۸- وسیله ی ایمنی از تلخی ازمرگ است.

۳۹- وسیله ی دوری از خواری و ذلّت است.

۴۰- وسیله ی زنده شدن دل است.

۴۱- نشانه دوام محبّت با اهل بیت است.

۴۲- وسیله ی معطّر شدن در دنیا و آخرت است.(۱)

۱۰- عوامل مستجاب نشدن دعا

گناه و معصیت

قَالَ الْبَاقِرُ : «إِنَّ الْعَبْدَ یَسْأَلُ اللَّهَ الْحَاجَهَ فَیَکُونُ مِنْ شَأْنِهِ قَضَاوهَا إِلَی اجَلٍ قَرِیبٍ أَوْ إِلَی وَقْتٍ بَطِیءٍ فَیُذْنِبُ الْعَبْدُ ذَنْباً فَیَقُولُ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی لِلْمَلَکِ لا تَقْضِ حَاجَتَهُ وَ احْرِمْهُ إِیَّاهَا فَإِنَّهُ تَعَرَّضَ لِسَخَطِی وَ سْتَوْجَبَ الْحِرْمَانَ مِنِّی»(۲)

بنده ی خدا از خدا حاجتی می خواهد و به گونه ای است که باید در زمانی نزدیک یا کمی دورتر برآورده شود اما این بنده گناهی مرتکب می شود در نتیجه، خداوند متعال به فرشته می فرماید: حاجتش را برآورده نکن و او را از آن محروم ساز زیرا او خودش را در معرض غضب من قرار داد واز جانب من مستوجب محرومیت گردید.

نبودن معرفت وشناخت به خداوند

قَالَ الْکَاظِمُ : «قَالَ قَوْمٌ لِلصَّادِقِ نَدْعُو فَلا یُسْتَجَابُ لَنَا قَالَ أَنَّکُمْ تَدْعُونَ مَنْ لا تَعْرِفُونَهُ»(۳)

۱- - اصول کافی جلد دوم، باب الصلاه علی النبی و اهل بیته - آثار شگفت صلوات نوشته احمد متوسل انتشارات دار الفکر - شرح و فضائل صلوات نوشته احمد بن محمد الحسینی اردکانی، انتشارات میقات

۲- -]اصول کافی/ج ۲/ص ۲۷۱[

۳- -]توحید صدوق/ ص۲۸۸[

گروهی به امام صادق گفتند: ما دعا می کنیم ولی دعای ما مستجاب نمی شود؟ فرمود: بخاطر آنکه شما کسی را می خوانید که او را نمی شناسید.

مطابقت نداشتن دعا با خیر و شر انسان

«عَسی أَنْ تَکْرَهُوا شَیْئاً وَ هُوَ خَیْرٌ لَکُمْ وَ عَسی أَنْ تُحِبُّوا شَیْئاً وَ هُوَ شَرٌّ لَکُمْ»(۱)

در حالی که برایتان ناخوشاینـد است. چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن که خیرِ شما در آن است. و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شرِّ شما در آن است.

استجابت دعا خلاف حکمت الهی باشد

قَالَ أَمِیرُ الْمُومِنِینَ : «إِنَّ کَرَمَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ لَا یَنْقُضُ حِکْمَتَهُ فَلِذَلِکَ لَا یَقَعُ [لَا تَقَعُ] الْإِجَابَهُ فِی کُلِّ دَعْوَهٍ»(۲)

همانا کرم خدای سبحان حکمت او را برهم نمی زند، بر همین اساس است که هر دعائی به اجابت نمی رسد.

کفر به خدا و رسول خدا

«اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِینَ مَرَّهً فَلَنْ یَغْفِرَ اللّهُ لَهُمْ ذلِکَ بِأَنَّهُمْ کَفَرُوا بِاللّهِ وَ رَسُولِهِ وَ اللّهُ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الْفاسِقِینَ»(۳)

چه برای آنها استغفار کنی، و چه نکنی، (حتّی) اگر هفتاد بار برای آنها استغفار کنی، هرگز خدا آنها را نمی آمرزد! چرا که خدا و پیامبرش را انکار کردند و خداوند جمعیّت فاسقان را هدایت نمی کند!

۱- - (بقره/۲۱۶)

۲- -]غررالحکم/ ص۱۹۳[

۳- - (توبه/۸۰)

۱۱- عوامل تأخیر استجابت دعا

عدم سلامت نیّت

گاهی نیت انسان سالم نیست و باید نیت را اصلاح کرد:

قَالَ أَمِيرُ الْمُومِنِين : «لَا يُقَنِّطَنَّکَ تَأْخِيرَ إِجَابَهِ الدُّعَاءِ فَإِنَّ الْعَطِيَّهَ عَلَى قَدْرِ النِّيَّه»(۱)

دیر مستجاب شدن دعا تورا از رحمت خدا نومید نسازد زیرا بخشش و عطای الهی به اندازه ی عزم ونیت است.

خداوند دوست دارد صدای دعای بنده خویش را بشنود.

قَالَ الصَّادِقُ : «إِنَّ الْعَبْدَ لَيَدْعُو فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِلْمَلَكَيْنِ قَدِ اسْتَجَبْتُ لَهُ وَ لَكِنِ احْبِسُوهُ بِحَاجَتِهِ فَإِنِّی أُحِبُّ أَنْ أَسْمَعَ صَوْتَهُ وَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيَدْعُو فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَجِّلُوا لَهُ حَاجَتَهُ فَإِنِّی أُبْغِضُ صَوْتَهُ»(۲)

یعنی هرآینه بنده دعا می کند وخداوند عزوجل به دو فرشته می فرماید: من دعای اورا مستجاب کردم اما حاجتش را نگه دارید زیرا دوست دارم صدای اورا بشنوم. وبنده ای دعا می کند وخدای تعالی می فرماید: زود خواسته اش را بدهید . من دوست ندارم صدای اورا بشنوم.

ای بس-ا مخلص که نالد در دعا ت-ا رود دود خلوصش ت-ا سما

تا رود بالای این س-قف برین بوی مجم-ر از ان-ینُ المُذنِبی-ن

پ-س ملائک با خ-دا نالند زار ک-ای مجیب هر دعا، وی مست-جار

ص: ۴۵

۱- -]غررالحکم/ ص۱۹۳[

۲- -]کافی/ ج۲/ ص۴۸۹[

بن–ده ی م–ؤمن تض–رع م–ی ك–ند او نمی داند به ج–ز تو مس–تَند

ت–و عطا بی–گانگان را م–ی ده–ی از تو دارد آرزو هر مشت–هی

حق بف–رماید كه نز خواریّ ِ اوست عینِ تأخیر ع–طا، یاریّ ِ اوس–ت

حاجت آوردش ز غفل–ت سوی من آن كشیدش موكش–ان در كوی من

گر ب–رآرم حاج–تش او وا رود هم در آن بازیچ–ه مست–غرق شود

گ–رچ–ه م–ی نالد به ج–ان یا مستجار دل شك–سته، سینه خسته، گو بزار

خوش همی آی–د مرا آواز او وآن خدایا گ–فتن و آن راز او

گرچه حق آن است كه بگوییم هیچ دعایی نیست مگر اینكه مستجاب می شود چون خداوند بدون قید و شرط می فرماید: «ادْعُونی أَسْتَجِبْ لَكُمْ»(۱) مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم. باید توجه داشته باشید كه خداوند؛

الف) بخشنده است. ب) همه چیز از آن اوست. ج) بر همه چیز قدرت دارد. د) انسان را دوست می دارد.

ولی اساس كارهای خداوند بر حكمت و مصلحت است. پس بهتر است با توجه به روایات در باب استجابت دعا چنین جمع بندی كنیم كه:

الف) خداوند بر اساس حكت آنچه را می خواهی می دهد.

ب) گاهی صلاح نیست، مشابه آن را می دهد.

ج) گاهی صلاح نیست، معادل آن بلا و گرفتاری را از انسان دور می كند.

د) گاهی صلاح نیست به خود انسان آنچه خواسته بدهد، برای نسل و ذریه ی او مقدر می كند.

ه–) و گاهی هم صلاح نمی داند كه در دنیا برآورده كند، در قیامت آنقدر به او

۱– – (غافر/۶۰)

عطا می کند تا او را راضی کند به شکلی که بنده می گوید: «ای کاش خداوند در دنیا هیچ کدام از دعاهای مرا مستجاب نمی کرد.»

۱۲- سیمای دعا در قرآن

۱- خداوند دعوت کننده است و اجابت می کند. «وَ قالَ رَبُّکُمُ ادْعُونی أَسْتَجِبْ لَکُم»(۱)

۲- اوبه بندگان نزدیک است. «إِذَا سَأَلَکَ عِبَادِی عَنیّ ِ فَإِنیّ ِ قَرِیب»(۲)

۳- او شنوای دعای بندگان است. «إِنَّ رَبیّ ِ لَسَمِیعُ الدُّعَاء»(۳)

۴- وعده اجابت دعا فرموده خلاف وعده نمی فرماید. «إِنَّکَ لَا تخُْلِفُ الْمِیعَاد»(۴)

۵- نباید از لطف و رحمتش مأیوس شویم.«لَا تَقْنَطُواْ مِن رَّحْمَهِ الله» (۵)

۶- همه انسان ها فقیر درگاه غنای او هستند. «یَأَیهُّا النَّاسُ أَنتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلیَ الله»(۶)

۷- سرنخ هستی به دعا است.«قُلْ مَا یَعْبَؤُاْ بِکمُ ْرَبیّ ِ لَوْ لَا دُعَاؤُکُم»(۷)

۸- دعا امر فطری است.«دَعَوُاْ اللَّهَ مخُْلِصِینَ لَهُ الدِّین»(۸)

۹- همه موجودات هم از او می خواهند. «یَسْئَلُهُ مَن فيِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْض»(۹)

۱- - (غافر/ ۶۰)

۲- - (بقره/۱۸۶)

۳- - (ابراهیم/۳۹)

۴- - (آل عمران/۱۹۴)

۵- - (زمر/۵۳)

۶- - (فاطر/ ۱۵)

۷- - (فرقان/۷۷)

۸- - (عنکبوت/ ۶۵)

۹- - (الرحمن/۲۹)

۱۰- لطف خداوند را در همه حال فراموش نکنیم.

«فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرٍّ مَّسَّهُ»(۱)

۱۱- حال خردمندان در دعا است.«لَآيَاتٍ لِّأُوْلِي الْأَلْبَابِ»(۲)

۱۲- همه چیز را از او بخواهیم.

«الَّذِی خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِين ... وَ الَّذِی أَطْمَعُ أَن يَغْفِرَ لِي خَطِيَتِي يَوْمَ الدِّين»(۳)

۱۳- از او بخواهیم که عزت و قدرت از آن اوست.«وَ تُعِزُّ مَن تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَن تَشَاء»(۴)

۱۴- اراده و خواست او حاکم است.«يُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» (۵)

۱۵- رو به سوی او آوریم. «فَفِرُّواْ إِلَى اللَّهِ »(۶)

۱۶- چه پناهگاهی مطمئن تر از او است؟

«أَمَّن يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوء»(۷)

۱۷- فقط به او تکیه کنیم. «عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ» (۸)

۱۸- دعا نجات بخش از غم و اندوه است. «وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَم»(۹)

۱۹- دعاء دوست خدا ابراهیم «رَبّ ِ هَبْ لِي حُكْمًا...» (۱۰)

۲۰- انسان در دنیا و آخرت بی نیاز از دعا نیست. «دَعْوَئهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُم»(۱۱)

ص: ۴۸

۱- - (یونس/۱۲)

۲- - (آل عمران/۱۹۰ تا ۱۹۴)

۳- - (شعرا/۷۸ تا۸۲)

۴- - (آل عمران/۲۶ و ۲۷)

۵- - (یونس/۱۰۷)

۶- - (ذاریات/۵۰)

۷- - (نمل/۶۲)

۸- - (توبه/۱۲۹)

۹- - (انبیاء/۸۷ و ۸۸)

۱۰- - (شعراء/۸۳ تا ۸۵ و ۸۷ تا۸۹)

۱۱- - (یونس/۱۰)

۲۱- دعا و آخرین کلام «سُبْحانَ رَبِّکَ رَبِّ الْعِزَّهِ عَمَّا یَصِفُون * وَ سَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلین * وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ»(۱)

۲۲- دعا با تضرع در خلوت «ادْعُواْ رَبَّکُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْیَه»(۲)

۲۳- دعا همراه با بیم امید «وَ ادْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا»(۳)

۲۴- دعا همراه با ایمان و عمل«وَ یَسْتَجِیبُ الَّذِینَ ءَامَنُواْ وَ عَمِلُواْ الصَّالِحَات»(۴)

۲۵- دعا بعد از استغفار و توبه«فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُواْ إِلَیْهِ» (۵)

۲۶- دعای آگاهانه «وَ یَدْعُ الْانسَانُ بِالشرَّ دُعَاءَهُ بِالْخَیرِْ وَ کاَنَ الْانسَانُ عجُولا»(۶)

۲۷- دعا به همراه اخلاص «فَادْعُوهُ مخُْلِصِینَ لَهُ الدِّین»(۷)

۲۸- دعا و دل بستن به خدا«وَ اذْکُرِ اسْمَ رَبِّکَ وَ تَبَتَّلْ إِلَیْهِ تَبْتِیلا»(۸)

۲۹- دعا و اقرار به گناه «قَالَ رَبّ ِ إِنیّ ِ ظَلَمْتُ نَفْسیِ فَاغْفِرْ لیِ فَغَفَرَ لَهُ»(۹)

۳۰-دعا و طلب استغفار«فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ قِنَا عَذَابَ النَّار»(۱۰)

۳۱- دعا به همراه اصرار، تکرار، استمرار«وَ أَدْعُواْ رَبیّ ِ عَسیَ أَلَّا أَکُونَ بِدُعَاءِ رَبیّ ِ شَقِیًّا»(۱۱)

۱- - (صافات/۱۸۰تا ۱۸۲)

۲- - (اعراف/۵۵)

۳- - (اعراف/۵۶)

۴- - (شوری/۲۶)

۵- - (هود/۶۱)

۶- - (اسراء/۱۱)

۷- - (غافر/۶۵)

۸- - (مزمل/۸ و۹)

۹- - (قصص/۱۶)

۱۰- - (آل عمران/۱۶)

۱۱- - (مریم/۴۸)

۳۲- زمان دعا «تَتَجَافَی جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ یَدْعُونَ رَبَّهُم»(۱)

۳۳- دعا به همراه اسماء الهی «وَ لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَیَ فَادْعُوهُ بِهَا» (۲)

۳۴- وسیله دعا «وَ ابْتَغُواْ إِلَیْهِ الْوَسِیلَهَ» (۳)

۳۵- نزول باران با دعا «اسْتَغْفِرُواْ رَبَّکُمْ إِنَّهُ کَانَ غَفَّارًا * یُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَیْکُم مِّدْرَارًا»(۴)

۳۶- جلب اموال و فرزندان و باغ های سرسبز با دعا

«وَ یجْعَل لَّکمُ ٭جَنَّاتٍ وَ یجْعَل لَّکمُ ٭أَنهَّارًا» (۵)

۱۳- سیما و آثار دعا در روایات

۱- کسی که به دعا موفق شود، از اجابت محروم نمی گردد.

۲- کسی که خدا را اطاعت کند، خدا هم دعای او را اجابت فرماید.

۳- کسی که قطع رحم نکند، خداوند دعای او را اجابت فرماید.

۴- از دعا کردن ملول و خسته نشوید، خداوند او را در جایی به حساب می آورد.

۵- کسی که درب خانه ی خدا را بکوبد، خداوند درب را بر روی او می گشاید.

۶- هیچ کس با دعا به هلاکت نرسید.

۷- خداوند بنده اش را در حال دعاکردن دوست می دارد.

۸- زمانی که دعاها کم شود، بلاء نازل می شود.

۱- - (سجده/۱۶و۱۷)

۲- - (اعراف/۱۸۰)

۳- - (مائده/۳۵) – از شماره ۱ تا ۳۴ با استفاده از کتاب آیه های زندگی، جلد دوم

۴- - (نوح/۱۱)

۵- - (نوح/۱۲)

۹- دعاء سلاح اولیاء خداوند است.

۱۰- دعاء کلید خوشبختی است.

۱۱- دعاء کلید رحمت و چراغ زاهدان است.

۱۲- دعاء از تیرهای آهنین نافذتر است.

۱۳- دعاء مخ عبادت است.

۱۴- دعاء سپر مؤمن است.

۱۵- دعاء شفاء درد است.

۱۶- دعاء در سختی و راحتی سزاوار و شایسته است.

۱۷- دعاء قضاء را تغییر می دهد.

۱۸- با دعاء بلاها رفع می شود.

۱۹- دعاء و شکایت را به نزد کسی ببر که قدرت بر اجابتش دارد.

۲۰- دعاء نور زمین و آسمان است.

۲۱- برای تعجیل فرج زیاد دعاء کنید.

۲۲- عاجزترین مردم کسی است که در دعاء عاجز باشد.

۲۳- دعاء صدقه است.

۲۴- هر کس غیر خدا را بخواند، مستحق محروم شدن است.

۲۵- در دعاء کردن و خواستن اصرارکنید که خداوند دوست می دارد.

۲۶- کسی که بر کوبیدن درب اصرار کند، موفق می شود.

۲۷- به هنگام قرائت قرآن و اذان و باران و شهادت دادن برای مظلوم، دعاء مستجاب است.

۲۸- بین نمازها و بعد از نمازها دعاء مستجاب می شود.

۲۹- بعد از ده مرتبه «یا الله» و «یا رب» دعاء مستجاب می شود.

ص: ۵۱

۳۰- بعد از «یا رب» در سجده دعاء مستجاب می شود.

۳۱- بعد از دو رکعت نماز در مسجد دعاء مستجاب می شود.

۳۲- بعد از صلوات بر محمد آلش، دعاء مستجاب می شود.

۳۳- بعد از اسماء حسنای الهی ، دعاء مستجاب است. (اسماء الهی در صفحه ی ... ذکر شده است.)

۳۴- بعد از اسماء ائمه، دعاء مستجاب است.

۳۵- در مسجد الحرام و به خصوص در رکن یمانی، دعاء مستجاب است.

۳۶- در اماکن متبرکه و زیارات ائمه علیهم السلام، دعاء مستجاب است.

۳۷- در زمان های مبارک و عزیز مثل ظهر روز جمعه و آخر شب قبل از طلوع فجر، روز عرفه، شب جمعه، به هنگام افطار، هنگام جهاد در راه خدا، هنگام عیادت مریض و گرفتار دعاء مستجاب است.

۳۸- دعاء بهترین عبادت است.

۳۹- دعاء سلاح مؤمن است.

۴۰- بهترین اعمال نزد خداوند در زمین دعاء است.

۴۱- بهترین دعاء استغفار است.

۴۲- دعای پنج گروه از درگاه خداوند رد نمی شود. (پیشوای عادل، مظلوم، پدر برای فرزند، مؤمن برای برادر دینی اش)

۴۳- نیمی از همه ی نیکی ها دعاست.

۴۴- دعا بیش تر علامت خداشناس تر است.

۴۵- امیرالمؤمنین علی مردی بود که بسیار دعا می کرد.

۴۶- دعا کلید رستگاری است.

* دعاهایی که رد می شود.

۱- کسی که عاق والدین است.

۲- گناهکار

۳- حرام خور

۴- کسی که قساوت دارد.

۵- خانه ای که غنا خوانده شود.

۶- شرابخوار

۷- دعاء کننده ی بدون عمل

۸- ستمگر

۹- بدعت گزار

۱۰- در جامعه ای که زنا ظاهر شود.

۱۱- در جامعه ای که ستمگران حاکم شوند.

۱۲- در جامعه ای که در امر به معروف و نهی از منکر سهل انگاری شود.

۱۳- مردی که در خانه بنشیند و طلب روزی کند.

۱۵- دعاء طلب روزی بعد از بخشش و انفاق به غیر از مسیر خودش.

۱۶- دعایی که قبل از آن تمجید خداوند نباشد.(۱)

۱- - (با استفاده از کتاب آثار الدعاء از سید هاشم موسوی جزائری) و بحارالانوار، میزان الحکمه، کافی و غررالحکم

۱۳- دعاهای قرآنی

اشاره

دعاهای آسـمانی دعاهایی است که در متن کلام الهی، آیات قرآن مطرح شده و توجه به مفاهیم و معانی آن ها ارزشمند بوده و در حقیقت به ما یاد می دهد که چه چیزهایی را از خدا بخواهیم.

«انتخاب راه»

(ربّنا) «اهْدِنَا الصِّرَ طَ الْمُستَقِیمَ» }فاتحه/۶{

(پروردگارا!) ما را به راه راست هدایت فرما.

نکته ها:

در قرآن مجید دو نوع هدایت مطرح شده است:

الف: هـدایت تکوینی، نظیر هـدایت زنبور عسل که چگونه از شـهد گلها بمکد و چگونه کندو بسازد. و یا هدایت و راهنمایی پرنـدگان در مهاجرت های زمسـتانی و تابسـتانی. آنجا که قرآن می فرمایـد: «ربّنا الّذی اعطی کلّ شـی ء خلقه ثم هدی» (طه، ۵۰) بیانگر این نوع از هدایت است.

ب: هدایت تشریعی که همان فرستادن انبیای الهی و کتب آسمانی برای هدایت بشر است.

کلمه ی «صـراط» («صـراط» در قیامت نام پلی است بر روی دوزخ که همه ی مردم بایـد از روی آن عبور کنند.) بیش از چهل مرتبه در قرآن آمده است. انتخاب راه و خط فکری صحیح، نشانه ی شخصیت انسان است.

ص: ۵۴

راه های غیرالهی متعدّدی در برابر انسان قرار دارد که او باید یکی را انتخاب کند:

* راه خواسته ها و توقعات های خود.

* راه انتظارات وهوس های مردم.

* راه وسوسه های شیطان.

* راه طاغوت ها.

* راه نیاکان و پیشینیان.

* راه خدا و اولیای خدا.

انسان مؤمن، راه خداوند واولیای او را انتخاب می کند که بر دیگر راه ها امتیازاتی دارد:

الف: راه الهی ثابت است، بر خلاف راه های طاغوت ها و هوس های مردم و هوس های شخصی که هر روز تغییر می کنند.

ب: یک راه بیشتر نیست، در حالی که راه های دیگر متعدّد و پراکنده اند.

ج: در پیمودن آن، انسان به مسیر و مقصد مطمئن است.

د: در پیمودن آن، شکست و باخت وجود ندارد.

راه مستقیم، راه خداست. «انّ ربّی علی صراطٍ مستقیم»(۱)

* راه مستقیم، راه انبیاست. «انّک لَمِن المرسلین علی صراطٍ مستقیم»(۲)

* راه مستقیم، راه بندگی خداست. «و أنِ اعبدونی هذا صراط مستقیم»(۳)

* راه مستقیم، توکّل و تکیه برخداست. «مَن یعتصم باللّه فقد هُدیَ الی صراط مستقیم»(۴)

۱- - (هود/۵۶)

۲- - (یس/۳- ۴)

۳- - (یس/۶۱)

۴- - (آل عمران/۱۰۱)

* راه مستقیم، یکتاپرستی و تنها یاری خواستن از اوست.(بنا بر اینکه الف و لام در «الصراط» اشاره به همان راه یکتاپرستی در آیه قبل باشد.)

* راه مستقیم، کتاب خداوند است.(۱)

* راه مستقیم، راه فطرت سالم است.(۲)

انسان، هم در انتخاب راه مستقیم و هم در تداوم آن باید از خدا کمک بگیرد. مانند لامپی که روشنی خود را هر لحظه از نیروگاه می گیرد. «اهدنا الصّراط المستقیم»

راه مستقیم بودن، تنها خواسته ای است که هر مسلمان، روزی حداقل ده بار در نمازها از خداوند طلب می کند، حتّی رسول اللّه و ائمّه اطهار از خداوند ثابت ماندن در راه مستقیم را می خواهند.

انسان باید همواره، در هر نوع از کارهای خویش، اعم از انتخاب شغل، دوست، رشته ی تحصیلی وهمسر، راه مستقیم را از خداوند بخواهد. زیرا چه بسا در عقاید، صحیح فکر کند، ولی در عمل دچار لغزش شود و یا بالعکس. پس هر لحظه، خواستن راه مستقیم از خدا، ضروری است.

راه مستقیم مراتب و مراحلی دارد. حتّی کسانی که در راه حقّ هستند، مانند اولیای خداوند، لازم است برای ماندن در راه و زیادشدن نورِ هدایت، دعا کنند. «والّذین اهتدوا زادَهم هُدی» (کسی که می گوید «الحمدللّه ربّ العالمین الرّحمن

ص: ۵۶

۱- -]بنابر روایتی در تفسیر مجمع البیان/ ج ۱/ ص ۵۸[

۲- -]بنابر روایتی از امام صادق(ع) در تفسیر صافی/ ج ۱/ص۸۶[

الرّحیم...» مراحلی از هدایت را پشت سر گذارده است، بنابراین درخواست او، هدایت به مرحله بالاتری است.)

راه مستقیم، همان راه میانه و وسط است که حضرت علی می فرماید: «الیمین و الشمال مضلّه و الطریق الوسطی هی الجادّه»(۱) انحراف به چپ و راست گمراهی و راه وسط، جاده ی هدایت است.

راه مستقیم یعنی میانه روی واعتدال واحتراز از هر نوع افراط وتفریط، چه در عقیده و چه در عمل. یکی در عقاید از راه خارج می شود ودیگری در عمل و اخلاق. یکی همه کارها را به خدا نسبت می دهد، گویا انسان هیچ نقشی در سرنوشت خویش ندارد. و دیگری خود را همه کاره و فعّال مایشاء دانسته و دست خدا را بسته می داند. یکی رهبران آسمانی را همچون مردمان عادی و گاهی ساحر و مجنون معرّفی می کند و دیگری آن بزرگواران را در حدّ خدا می پندارد. یکی زیارت امامان معصوم و شهدا را بدعت می داند و دیگری حتّی به درخت و دیوار، متوسل شده و ریسمان می بندد. یکی اقتصاد را زیر بنا می داند و دیگری، دنیا و امورات آن را نادیده می انگارد.

در عمل نیز یکی غیرت نابجا دارد و دیگری همسرش را بی حجاب به کوچه و بازار می فرستد. یکی بخل می ورزد و دیگری بی حساب سخاوت به خرج می دهد. یکی از خلق جدا می شود و دیگری حقّ را فدای خلق می کند.

اینگونه رفتار وکردارها، انحراف از مسیر مستقیم هدایت است. خداوند دین پا برجا واستوار خود را، راه مستقیم معرّفی می کند. «قل انّنی هَدانی ربّی الی

ص: ۵۷

۱- -]بحار/ج ۸۷/ص ۳[

صراط مستقیم»(۱) در روایات آمده است که امامان معصوم می فرمودند: راه مستقیم، ما هستیم.(۲) یعنی نمونه ی عینی و عملی راه مستقیم و اسوه و الگو برای قدم برداشتن در راه، رهبران آسمانی هستند. آنها در دستورات خود درباره ی تمام مسائل زندگی از قبیل کار، تفریح، تحصیل، تغذیه، انفاق، انتقاد، قهر، صلح و علاقه به فرزند و ... ، نظر داده و ما را به اعتدال و میانه روی سفارش کرده اند.(در این باره می توان به کتاب اصول کافی، باب الاقتصاد فی العبادات مراجعه نمود.) جالب آنکه ابلیس در همین صراطِ مستقیم به کمین می نشیند. شیطان به خدا گفت: «لاقعدنّ لهم صراطك المستقیم»(۳)

در قرآن و روایات، نمونه های زیادی آمده که در آنها به جنبه ی اعتدال، تأکید و از افراط و تفریط نهی شده است. به موارد ذیل توجّه کنید:

* «کلوا و اشربوا و لاتسرفوا»(۴) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید.

* «لا تَجعل یدك مَغلولهً الی عُنقك و لاتبسُطها کلّ البَسط»(۵) در انفاق، نه دست بر گردن قفل کن - دست بسته باش- و نه چنان گشاده دستی کن که خود محتاج شوی.

* «الّذین اذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلك قواماً»(۶) مومنان، به هنگام انفاق نه اهل اسرافند و نه اهل بخل، بلکه میانه رو هستند.

۱- - (انعام/۱۶۱)

۲- -]تفسیر نورالثقلین/ج ۱/ص ۲۰[

۳- - (اعراف/۱۶)

۴- - (اعراف/۳۱)

۵- - (اسراء/۲۹)

۶- - (فرقان/۶۷)

* «لا تجهر بصلاتک و لاتخافت بها وابتغ بین ذلک سبیلاً»(۱) نماز را نه بلند بخوان ونه آهسته، بلکه با صدای معتدل بخوان.

* نسبت به والدین احسان کن؛ «و بالوالدین احساناً»(۲) امّا اگر تو را از راه خدا بازداشتند، اطاعت از آنها لازم نیست. «ان جاهداک علی ان تشرک بی... فلاتطعهما»(۳)

* پیامبر هم رسالت عمومی دارد؛ «و کان رسولاً نبیّاً»(۴) و هم خانواده خویش را دعوت می کند. «و کان یأمر أهله بالصّلاه»(۵)

* اسلام هم نماز را سفارش می کند که ارتباط با خالق است؛ «اقیموا الصّلاه» و هم زکات را توصیه می کند که ارتباط با مردم است. «اتوا الزکاه»(۶)

* نه محبت ها شما را از گواهی حقّ منحرف سازد؛ «شهداء لِلّه و لو علی انفسکم»(۷) و نه دشمنی ها شما را از عدالت دور کند. «و لا یَجرِمنّکم شَنئان قوم»(۸)

* مؤمنان هم دافعه دارند؛ «أشداء علی الکفار» و هم جاذبه دارند. «رحماء بینهم»(۹)

* هم ایمان و باور قلبی لازم است؛ «امنوا» و هم عمل صالح. «عملوا الصالحات»(۱۰)

۱- - (اسراء/ ۱۱۰)

۲- - (بقره/ ۸۳)

۳- - (لقمان/ ۱۵)

۴- - (مریم/ ۵۱)

۵- - (مریم/ ۱۵)

۶- - (بقره/۴۳)

۷- - (نساء/ ۱۳۵)

۸- - (مائده/ ۸)

۹- - (فتح/ ۹)

۱۰- - (بقره/ ۲۵)

* هم اشک و دعا و درخواست پیروزی از خدا لازم است؛ «ربّنا افرغ علینا صبراً»(۱) و هم صبوری وپایداری در سختی ها. «عشرون صابرون یغلبوا مأتین»(۲) شب عاشورا امام حسین هم مناجات می کرد و هم شمشیر تیز می کرد.

* روز عرفه و شب عید قربان، زائر خانه ی خدا دعا می خواند و روز عید باید در قربانگاه با خون آشنا شود.

* اسلام مالکیّت را می پذیرد، «الناس مسلّطون علی اموالهم»(۳) ولی اجازه ضرر زدن به دیگری را نمی دهد و آن را محدود می سازد. «لا ضَرر و لا ضِرار»(۴)

آری، اسلام دین یک بعدی نیست که تنها به جنبه ای توجّه کند و جوانب دیگر را فراموش کند، بلکه در هر کاری اعتدال ومیانه روی و راه مستقیم را سفارش می کند.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- همه ی هستی، در مسیری که خداوند اراده کرده در حرکتند. خدایا! ما را نیز در راهی که خود دوست داری قرار بده. «اهدنا الصراط المستقیم»

۲- درخواست هدایت به راه مستقیم، مهم ترین خواسته ی یکتاپرستان است. «ایّاک نعبد ... اهدنا الصراط المستقیم»

۳- برای دست یابی به راه مستقیم، باید دعا نمود. «اهدنا الصراط المستقیم»

۴- ابتدا ستایش، آنگاه استمداد و دعا. «الحمدللّه... اهدنا»

۱- - (بقره/۲۵۰)

۲- - (انفال/۶۵)

۳- -]بحار/ ج ۲/ ص۲۷۲[

۴- -]کافی/ ج ۵/ ص ۲۸[

۵- بهترین نمونه استعانت از خدا، درخواست راه مستقیم است. «ایّاک نستعین، اهدنا الصّراط المستقیم»

الهی کیست که موفق بزیارت جمال دل آرایت شد و شیدایت نشد.

ص: ۶۱

«قبولی اعمال»

«...رَبَّنا تَقَبَّلْ مِنّآ إِنّکَ أَنْتَ السَّمِیعُ العَلِیمُ» }بقره آیه ۱۲۷{

... پروردگارا از ما بپذیر، همانا تو شنوا و دانایی.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- بانیان کارهای نیک را فراموش نکنیم. «اذیرفع» «اذ» یعنی گذشته را یاد کن.

۲- در مسیر اهداف الهی، کار بنّایی و کارگری نیز عبادت است. لذا از خداوند قبولی آنرا می خواهند. «یرفع ابراهیم القواعد... ربنّا تقبّل منّا»

۳- کار مهم نیست، قبول شدن آن اهمیّت دارد. حتّی اگر کعبه بسازیم، ولی مورد قبول خدا قرار نگیرد، ارزش ندارد. «ربّنا تقبّل»

۴- کارهای خود را در برابر عظمت خداوند، قابل ذکر ندانیم. حضرت ابراهیم نامی از کار و بنایی خود نبرد و فقط گفت: «ربّنا تقبّل منّا»

۵- در روایات آمده است: از شرایط استجابت و آداب دعا، ستایش خداوند است. ابراهیم دعای خود را با ستایش پروردگار همراه ساخته است. «انّک انت السمیع العلیم»

«الهی در صورت انبیایم داشتی، در سیرت آنانم هم بدار»

ص: ۶۲

«تسلیم بودن و توجه به ذریه و نسل»

«رَبَّنا وَ اجْعَلْنا مُسْلِمَیْنِ لَکَ وَ مِنْ ذُرِّیَّتِنا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَکَ وَ أَرِنا مَناسِکَنا وَ تُبْ عَلَیْنا إِنَّکَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحیمُ» }بقره/۱۲۸{

پروردگارا! ما را تسلیم (فرمان) خود قرارده واز نسل ما (نیز) امّتی که تسلیم تو باشند قرارده و راه وروش پرستش را به ما نشان ده و توبه ی ما را بپذیر، که همانا تو، توبه پذیر مهربانی.

نکته:

با آنکه حضرت ابراهیم واسماعیل هر دو در اجرای فرمان ذبح (قربانی کردن ابراهیم اسماعیل را)، عالی ترین درجه تسلیم در برابر خدا را به نمایش گذاردند، امّا با این همه در این آیه از خداوند می خواهند که مارا تسلیم فرمان خودت قرارده. گویا از خداوند تسلیم بیشتر و یا تداوم روحیّه تسلیم را می خواهند.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- به کمالات امروز خود قانع نشوید، تکامل و تداوم آنرا از خدا بخواهید. «ربنا و اجعلنا مسلمَین لک»

۲- توجّه به نسل و فرزندان، یک دورنگری عاقلانه و خداپسندانه است که حاکی از وسعت نظر و سوز وعشق درونی است وبارها در دعاهای حضرت ابراهیم آمده است. «ومن ذریّتنا»

ص: ۶۳

۳- راه و روش بندگی را باید از خدا آموخت وگرنه انسان گرفتار انواع خرافات و انحرافات می شود. «أرنا مناسکنا»

۴- تا روح تسلیم نباشد، بیان احکام سودی نخواهد داشت. در اینجا ابراهیم علیه السلام ابتدا از خداوند روح تسلیم تقاضا می کند، سپس راه و روش عبادت و بندگی را می خواهد. «واجعلنا مسلمَین لک... ارنا مناسکنا»

۵- نیاز به توبه وبازگشت الطاف الهی، در هر حال وبرای هر مقامی، ارزش است. «تب علینا» در حدیث می خوانیم: رسول اکرم هر روز، هفتاد مرتبه استغفار می نمود، با اینکه او معصوم بود و هیچ گناهی نداشت.

۶- یکی از آداب دعا، ستایش پروردگار است که در این آیه نیز به چشم می خورد. «التواب الرحیم»

«الهی آنکس تاج عزت بر سر دارد که حلقه ی اردتت را در گوش و طوق عبودیتت را در گردن»

ص: ۶۴

«توجه به دنیا و آخرت»

«رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَهً وَ فِی الْآخِرَهِ حَسَنَهً وَ قِنا عَذابَ النَّار» }بقره/ ۲۰۱{

پروردگارا! در دنیا به ما نیکی عطا کن و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما و مارا از عذاب آتش نگهدار.

نکته ها

یکی از راههای شناخت مردم، آشنایی با آرزوها و دعاهای آنان است. در آیه قبل، درخواست گروه اوّل از خداوند مربوط به دنیا است و کاری به خیر و شرّ آن ندارند، ولی در این آیه درخواست گروه دوّم از خداوند، «حسنه» است در دنیا و آخرت. در دیدگاه گروه اوّل؛ دنیا به خودی خود مطلوب است، ولی در دید گروه دوّم؛ دنیایی ارزشمند است که حسنه باشد و به آخرت منتهی گردد.

در روایات نمونه ها و مصادیقی برای نیکی های دنیا و آخرت نقل شده است(۱)، ولی «حسنه» در انحصار چند نمونه نیست.

در قرآن مجید ۱۱۵ مرتبه کلمه ی «دنیا» بکار رفته و ۱۱۵ مرتبه کلمه «آخرت» استعمال شده است و این یک تصادف نیست. البتّه این به معنای آن نیست که اهمیّت دنیا و آخرت هر دو یکسان است.

در دعاها، هدف های کلّی مطرح شود و تعیین مصداق به عهده خداوند گذاشته شود. ما از خداوند حسنه و سعادت می خواهیم، ولی در اینکه رشد و صلاح ما

۱- -[تفسیر نورالثقلین/ ج ۱/ ص ۱۹۹]

در چیست؟ آنرا به عهده ی خداوند می گذاریم. چون ما به خاطر محدودیّت های علمی و عدم آگاهی از آینده و ابعاد روحی خودمان، نمی توانیم مصادیق جزئی را تعیین بنمائیم. به همین جهت توصیه شده است از خداوند وسیله کار را نخواهید، خودِ کار را بخواهید. زیرا ممکن است خداوند از وسیله ی دیگری که به فکر و ذهن ما نمی آید، کاری را برای ما محقّق سازد. مثلاً از خداوند توفیق زیارت حج را بخواهید، امّا نگویید: خدایا مالی به من بده تا به مکّه بروم. چون خداوند گاهی سبب را به گونه ای قرار می دهد که ما فکر آن را نمی کردیم.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- دنیا و آخرت با هم منافاتی ندارند، به شرط آنکه انسان به دنبال حسنه و نیکی باشد. «فی الدنیا حسنه و فی الاخره حسنه»

۲- هر رفاهی مذموم نیست، بلکه زندگانی نیکو، مطلوب نیز هست. «ربّنا اتنا فی الدنیا حسنه»

۳- دوزخ، حساب جدایی دارد. با اینکه از خداوند نیکی آخرت را می خواهند، ولی برای نجات از آتش، جداگانه دعا می کنند. [در دعاها برای نجات از آتش، اصرار و تکرار عجیبی است. مثلا در دعای مجیر حدود هفتاد بار می خوانیم: «اجِرنا مِن النار یا ربّ» پروردگارا! ما را از آتش جهنّم نجات بده. ویا در دعای جوشن کبیر که صد بند دارد در پایان هر بند آن می گوییم: «خَلّصنا من النّار یا ربّ»] «قِنا عذاب النار»

الهی عاقبت چه خواهد شد و با ابد چه باید کرد؟

«صبر و استقامت»

«رَبَّنا أَفْرِغْ عَلَيْنا صَبْراً وَ ثَبِّتْ أَقْدامَنا وَ انْصُرْنا عَلَى الْقَوْمِ الْكافِرِين» }بقره/ ۲۵۰{

پروردگارا صبر و شکیبایی بر ما فرو ریز و قدم های ما را ثابت و استوار بدار و مارا بر گروه کافران پیروز فرما.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- همیشه و به خصوص در جبهه ها، دعا همراه با حرکت لازم است، نه دعا به جای حرکت. «برزوا لجالوت... ربّنا افرغ...»

۲- صبر و پیروزی، ملازم یکدیگرند. در اثر صبر، ظفر آید. «صبراً... وانصرنا»

۳- دعاهای خود را با «ربّنا» آغاز کنیم. «ربّنا افرغ...»

۴- در شداید، انسان به صبرِ بسیار محتاج است. «افرغ» به معنای نزول فراوان است. از نظر ادبی کلمه «صبراً» که در قالب «نکره» آمده است نشانه ی درخواست صبر بزرگ است.

۵- پشت سر گذاشتن امتحانات و موفقیّت در آنها شما را مغرور نکند، باز هم از خداوند استمداد نمائید. «ثبت اقدامنا»

۶- وظیفه انسان، حرکت و تلاش است، امّا پیروزی بدست خداست. «وانصرنا»

۷- پیروزی در جنگ، زمانی با ارزش است که هدف رزمندگان برتری حقّ بر باطل باشد، نه برتری یکی بر دیگری. «وانصرنا على القوم الكافرين»

الهی عاشق را ترک ما سوای معشوق عین فرض است که یک دل و دو معشوق کذب محض است.

ص: ۶۷

«تکلیف و مجازات، استغفار و عفو»

«رَبَّنا لا تُؤاخِذْنا إِنْ نَسِينا أَوْ أَخْطَأْنا رَبَّنا وَ لا تَحْمِلْ عَلَيْنا إِصْراً كَما حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذينَ مِنْ قَبْلِنا رَبَّنا وَ لا تُحَمِّلْنا ما لا طاقَةَ لَنا بِهِ وَ اعْفُ عَنَّا وَ اغْفِرْ لَنا وَ ارْحَمْنا أَنْتَ مَوْلانا فَانْصُرْنا عَلَى الْقَوْمِ الْكافِرِين» }بقره/۲۸۶{

پروردگارا! اگر (در انجام تکالیف چیزی را) فراموش یا خطا نمودیم، ما را مؤاخذه مکن. پروردگارا! تکلیف سنگین بر ما قرار مده، آن چنان که (به خاطر گناه و طغیان) بر کسانی که پیش از ما بودند قرار دادی. پروردگارا! آنچه را (از مجازات) که طاقت تحمل آنرا نداریم، بر ما مقرّر نکن و از ما درگذر و ما را بیامرز و در رحمت خود قرارده، تو مولی و سرپرست مایی، پس ما را بر گروه کافران پیروز گردان.

نکته ها

گاهی منشا فراموشی، سهل انگاری خود انسان است که قابل مؤاخذه می باشد. چنانکه خداوند می فرماید: «کذلک أَتَتک ایاتنا فَنَسیتَها و کذلك الیوم تنسی»(۱) آن چنانکه آیات ما بر تو آمد و تو آنها را فراموش کردی، همانگونه امروز نیز تو به فراموشی سپرده می شوی. لذا در این آیه از فراموش کاری در کنار خطاکاری، طلب آمرزش می شود. در ضمن از مجازات های سنگین که در اثر طغیان و فساد امّت های پیشین بر آنها تحمیل شد، درخواست عفو می شود.

۱- - (طه/ ۱۲۶)

در این آیه انسان تمام مراحل لطف را از خداوند می خواهد: مرحله اوّل عفو است که محو آثار گناه و عقاب است. مرحله دوّم مغفرت و محو آثار گناه از روح است و مرحله سوّم بهره گیری از رحمت پروردگار و پیروزی بر کافران می باشد.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- تکالیف الهی، بیش از توان انسان نیست. «لا یکلّف اللّه نفساً الا وسعها»

اسلام، دینِ آسانی است، نه سخت گیری.

۲- اعمال ما آثاری دارد که بازتابش به خود ما برمی گردد.

«لها ما کسبت وعلیها ما...»

۳- انسان، آزاد و صاحب اختیار است. «لها ما کسبت»

۴- انجام یا ترک دستورات الهی، سود وضررش برای خود ماست. «لها... علیها»

۵- کسانی که می گویند: «سَمِعنا واطعَنا» وسراپا عادل ومتّقی هستند، بازهم از خطا ونسیان های خود نگرانند ودعا می کنند. «ان نسینا او أخطأنا»

۶- به تاریخ گذشتگان و حوادث تلخ آنان بنگریم تا درس عبرت گرفته وبه خدا پناه ببریم. «کما حَمَلتْه علی الّذین من قبلنا»

۷- آداب دعا آن است که ابتدا به ضعف خود اقرار کنیم؛ «لا ـ طاقه لنا» سپس به عظمت خداوند گواهی دهیم؛ «انت مولینا» آنگاه خواست خود را مطرح کنیم. «واعف عنّا واغفرلنا وارحمنا»

۸- پیروزی اسلام بر کفر، خواسته دائمی مؤمنان است.«فَانْصُرْنَا عَلَی الْقَوْمِ الْکَفِرِین»

الهی شکرت که پیرنا شده استغفار کردم که استغفار پیر استهزاء را ماند.

ص: ۶۹

«هدایت و استمداد از خداوند»

«رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَیْتَنا وَ هَبْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَهً إِنَّکَ أَنْتَ الْوَهَّابُ» }آل عمران/۸{

پروردگارا! پس از آن که ما را هـدایت کردی، دلهای مارا به باطل مایل مگردان و از سوی خود مارا رحمتی ببخش. به راستی که تو خود بسیار بخشنده ای.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- به علم و دانش خود مغرور نشویم، از خداوند هدایت بخواهیم.

«ربّنا لاتزغ قلوبنا...»

۲- نشانه ی علم واقعی و رسوخ در علم، توجّه به خدا و استمداد از اوست. «الّا الراسخون فی العلم... ربّنا لاتزغ قلوبنا»

۳- محور هدایت و گمراهی، قلب و افکار انسانی است. «لاتزغ قلوبنا»

۴- در خط قرار گرفتن خیلی مهم نیست، از خط خارج نشدن بسیار اهمیّت دارد. «بعد اذ هدیتنا...»

۵- هدیه و هبه ی دائمی و بی منّت، مخصوص خداوند است.

«انّک انت الوهّاب»

الهی حشر با عالم خیال که اینقدر لذیذ است حشر با عالم عقل چه خواهد بود.

«قیامت وعده ی الهی»

«رَبَّنا إِنَّکَ جامِعُ النَّاسِ لِیَوْمٍ لا رَیْبَ فیهِ إِنَّ اللَّهَ لا یُخْلِفُ الْمیعاد» }آل عمران/۹{

پروردگارا! همانا تو مردم را برای روزی که در آن شکی نیست گرد آوری. همانا خداوند وعده ی خود را تخلّف نمی کند.

نکته ها

کسی که به قیامت ایمان دارد؛ «لیوم لاریب فیه» نگران بد عاقبت شدن خود می شود و از خداوند استمداد می کند.

منشأ خُلف وعده، غفلت، عجز، ترس، جهل و یا پشیمانی است که هیچ کدام از اینها در ذات مقدّس الهی راه ندارد. «لایخلف المیعاد»

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- راسخان در علم، به آینده و قیامت چشم دوخته اند. «انک جامع الناس لیوم...»

۲- توجّه به حالات روحی در دنیا؛ «لاتزغ قلوبنا»(۱) وپاسخگویی به اعمال در آخرت، نشانه ی دانشمندان واقعی است. «لیوم لاریب فیه»

ص: ۷۱

۱- - (آل عمران/۸)

۳- روز قیامت، هم روز جمع است که مردم یکجا برای حسابرسی جمع می شوند؛ «جامع الناس» و هم روز فصل است که بعد از محاکمه، هر یک جداگانه به جایگاه خود می روند. «انّ یوم الفصل کان میقاتاً»(۱)

۴- راسخان در علم به قیامت یقین دارند، «لاریب فیه» چون به وفای خداوند یقین دارند. «لایخلف المیعاد»

الهی راز دل را نهفتن دشوار است و گفتن دشوارتر.

۱- - (نباء ۱۷)

«طلب بخشش»

«رَبَّنا إِنَّنا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَ قِنا عَذابَ النَّار» }آل عمران/ ۱۶{

پروردگارا! براستی که ما ایمان آورده ایم، پس گناهان ما را ببخش و ما را از عذاب آتش حفظ فرما.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- متّقین، همواره در انابه و دعا هستند. «یقولون»

۲- ایمان، زمینه ی عفو الهی است. «آمنّا فاغفرلنا»

۳- عفو، از شئون ربوبیّت و لازمه ی تربیت است. «ربّنا... فاغفرلنا»

۴- ترس از قهر و عذاب خداوند، از نشانه های تقواست. «قنا عذاب النار»

۵- به کارهای خوبتان اعتماد نکنید. با آنکه اهل تقوا هستید، باز هم از قهر الهی باید ترسید. «قنا عذاب النار»

الهی کی الله گفت و لبیک نشنید.

ص: ۷۳

«درخواست نسلی پاک»

«رَبِّ هَبْ لی مِنْ لَدُنْکَ ذُرِّیَّهً طَیِّبَهً إِنَّکَ سَمیعُ الدُّعاءِ» }آل عمران/ ۳۸ {

پروردگارا! از جانب خود نسلی پاک و پسندیده به من عطا کن که همانا تو شنونده دعائی.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- حالات انسان وساعات دعا، در استجابت آن مؤثّر است. «هنالک دعا زکریّا»

۲- غبطه خوردن کمال، ولی حسد ورزیدن نقص است. (زکریّا با دیدن مقام مریم شیفته شد و غبطه خورد و دست به دعابرداشت. «هنالک دعا»)

۳- زن می تواند پیامبر خدا را تحت تأثیر قرار دهد. «هنالک دعا زکریّا»

۴- مشاهده ی کمالات دیگران، زمینه ی درخواست کمالات و توجّه انسان به خداوند است. «هنالک دعا زکریّا»

۵- درخواست فرزند ونسل پاک، سنّت و روش انبیاست. «هب لی... ذرّیه طیّبه»

۶- ارزش ذریّه و فرزندان، به پاکی آنهاست. «ذُرّیّهً طیّبهً»

۷- در دعا باید از خداوند تجلیل کرد. «انّک سمیع الدعاء»

آن که کشتزارش را وجین نکند، از گیاه هرزه آزار بیند.

«ثبات ایمان و تبعیّت»

«رَبَّنا آمَنَّا بِما أَنْزَلْتَ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاکْتُبْنا مَعَ الشَّاهِدین» }آل عمران/۵۳ {

پروردگارا! به آنچه نازل کرده ای ایمان آورده ایم و از پیامبر پیروی نمودیم، پس ما را در زمره گواهان بنویس.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- لازمه ی ایمان، اطاعت از پیامبر است. «آمنّا... واتّبعنا الرسول»

۲- ایمان به تمام دستورات الهی لازم است. «بما انزلت»

۳- از خداوند بخواهیم که ایمان ما را تثبیت کرده و مارا از حامیان انبیا قرار دهد. «فاکتبنا مع الشاهدین»

الهی سر در راه سردار دادن آسان است و دل بدست دلدار دادن دشوار، که آن جهاد اصغر است و این اکبر.

ص: ۷۵

«ثبات قدم و نصرت الهی»

«رَبَّنَا اغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَ إِسْرافَنا فی أَمْرِنا وَ ثَبِّتْ أَقْدامَنا وَ انْصُرْنا عَلَی الْقَوْمِ الْکافِرِین» }آل عمران/۱۴۷{

پروردگارا گناهانمان و زیاده روی هایمان را در کارمان ببخش و گام های ما را استوار بدار و ما را بر گروه کافران یاری ده.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- یکی از عوامل شکست در جنگ، گناه و اسراف است. رزمندگان مخلص، با استغفار این موانع پیروزی را از بین می برند. «اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا»

۲- شکستِ خود را به قضا و قدر و یا دیگران نسبت ندهید، به قصورها و تقصیرهای خود نیز توجّه داشته باشید. «ذنوبنا و اسرافنا»

۳- اوّل استغفار، بعد استنصار. ابتدا طلب آمرزش کنید، سپس از خداوند پیروزی بخواهید. «اغفر لنا... وانصرنا»

۴- بجای تسلیم در برابر دشمن، در پیشگاه خداوند اظهار ذلّت نمایید. «و ما استکانوا...ربّنا اغفرلنا...»

۵- صحنه های جهاد و جنگ، انسان را به سوی دعا و استغفار می کشاند. «و ما کان قولهم الا ان قالوا ربّنا اغفر لنا»

۶- مردان خدا، نصرت و یاری خدا را برای نابودی کفر می خواهند، نه برای کسب افتخار خود. «وانصرنا علی القوم الکافرین»

۷- بر لطف خداوند تکیه کنید، نه بر نفرات خود. «ربّیون کثیر... ربّنا... انصرنا»

الهی هر که را می بینم با خودند مرا با خودت دار.

ص: ۷۷

«اول اندیشه و تعقّل بعد دعا و مناجات»

«رَبَّنا ما خَلَقْتَ هذا باطِلًا سُبْحانَکَ فَقِنا عَذابَ النّارِ» }آل عمران/۱۹۱{

پروردگارا! این هستی را باطل و بی هدف نیافریده ای، تو (از کار عبث) پاک و منزّهی، پس ما را از عذاب آتش نگهدار.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- نشانه ی خردمندی، یاد خدا در هر حال است. «اولوا الالباب الّذین یذکرون اللّه قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم»

۲- اهل فکر، باید اهل ذکرباشند. «اولوا الالباب الّذین یذکرون ... و یتفکّرون»

۳- ایمان بر اساس فکر و اندیشه ارزشمند است. «یتفکّرون فی خلق السموات و الارض ربّنا ما خلقت هذا باطلاً»

۴- ایمان و اعتراف با تمام وجود ارزش دارد. نباید به اعتراف زبانی اکتفا کرد. «یتفکّرون... ربّنا ما خلقت...»

۵- ذکر وفکر، همراه یکدیگر ارزش است. متأسفانه کسانی ذکر می گویند، ولی اهل فکر نیستند وکسانی اهل فکر هستند، ولی اهل ذکر نیستند. «یذکرون... یتفکّرون»

۶- آنچه سبب رشد و قرب است، ذکر و فکر دائمی است نه موسمی. «یذکرون» و «یتفکّرون» (فعل مضارع اند که نشان استمرار است.)

ص: ۷۸

۷- شناختِ حسّی طبیعت کافی نیست، تعقّل و تفکّر لازم است. «یتفکّرون فی خلق السموات والارض»

۸- کسی که در آفرینش آسمان ها و زمین فکر کند، پی می برد که خالق هستی، پروردگار ما نیز هست. «یتفکّرون... ربّنا»

۹- آفرینش بیهوده نیست، گرچه همه اسرار آن را درک نکنیم.

«ما خلقت هذا باطلاً»

۱۰- اوّل تعقّل و اندیشه، سپس ایمان و عرفان، آنگاه دعا و مناجات.

«یتفکّرون... ربّنا... فقنا»

۱۱- اگر هستی بیهوده و باطل نیست، ما هم نباید بیهوده و باطل باشیم.

«ماخلقت هذا باطلاً... فقنا عذاب النار»

۱۲- هستی هدفدار است، پس هر چه از هدف الهی دور شویم به دوزخ نزدیک می شویم. «فقنا عذاب النّار»

۱۳- قبل از دعا، خدا را ستایش کنیم. «سبحانک فقنا...»

۱۴- ثمره ی عقل و خرد، ترس از قیامت است.

«اولوا الالباب... فقنا عذاب النار»

الهی آنکه در نماز جواب سلام نمیشنود هنوز نماز گذار نشد ما را با نمازگذاران بدار.

ص: ۷۹

«بیم از رسوایی و دوزخ»

«رَبَّنا إِنَّکَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَیْتَهُ وَ ما لِلظَّالِمینَ مِنْ أَنْصار» }آل عمران/۱۹۲{

پروردگارا! هر که را تو (بخاطر اعمال بدش) به دوزخ افکنی، پس بی شک او را خوار و رسوا ساخته ای و برای ستمگران هیچ یاورانی نیست.

نکته:

از امام باقر درباره ی «و ما للظالمین من انصار» سؤال کردند، حضرت فرمودند: یعنی آنها امامانی ندارند تا آنان را به نام بخوانند، (و از آنان شفاعت کنند).(۱)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- آتش قیامت سخت است، امّا نزد صاحبان اندیشه که خواهان کرامت انسان هستند خواری ورسوایی قیامت، دردناک تر از آن است. «من تدخل النّار فقد اخزیته»

۲- ستمگران، از شفاعتِ دیگران محروم هستند. «ما للظالمین من انصار»

بگشای دری که در گشاینده تویی بنمای رهی که ره نماینده تویی

الهی وای بر من اگر دانشم رهزنم شود و کتابم حجابم.

ص: ۸۰

۱- -[تفسیر عیّاشی/ ج ۱/ ص ۲۱۱]

«با خوبان»

«رَبَّنا إِنَّنا سَمِعْنا مُنادِياً يُنادی لِلْإِيمانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئاتِنا وَ تَوَفَّنا مَعَ الْأَبْرار» }آل عمران/۱۹۳{

پروردگارا! همانا ما دعوت منادی ایمان را شنیدیم که (می گفت:) به پروردگارتان ایمان بیاورید، پس ایمان آوردیم. پروردگارا! پس گناهان ما را بیامرز و زشتی های ما را بپوشان و ما را با نیکان بمیران.

نکته ها

شاید مراد از «ذنوب» گناهان کبیره باشد و مراد از «سیّئات» گناهان صغیره، چنانکه در آیه ی شریفه «ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفّر عنکم سیّئاتکم...»(۱) «سیّئات» در برابر «کبائر» آمده است. و ممکن است مراد از «سیّئات» آثار گناه باشد.

در برابر خردمندانی که دعوت ایمان را اجابت کرده و می گویند: «سَمِعنا»، افرادی هستند که نسبت به این دعوت بی اعتنایی می کنند و در قیامت با حسرت تمام می گویند: «لوکنّا نسمع او نعقل ما کنّا فی اصحاب السعیر»(۲)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- خردمندان، آماده ی پذیرش حقّ هستند و در کنار پاسخگویی به ندای فطرت، به ندای انبیا، علما و شهدا پاسخ می دهند.

«انّنا سمعنا منادیاً ینادی للایمان...»

۲- استغفار و اعتراف، نشانه ی عقل است. «اولواالالباب... ربّنا فاغفر لنا»

۱- - (نساء/ ۳۱)

۲- - (ملک/ ۱۰)

۳- از آداب دعا که زمینه ی عفو الهی را فراهم می کند، توجّه به ربوبیّت الهی است. «ربّنا فاغفر لنا»

۴- ایمان، زمینه ی دریافت مغفرت است. «امنّا، فاغفر لنا»

۵- دیگران را در دعای خود شریک کنیم. «فاغفر لنا»

۶- پرده پوشی وعفو، از شئون ربوبیّت واز شیوه های تربیت است.

«ربّنا... کفّرعنّا»

۷- مرگِ انسان با اراده الهی است. «توفّنا»

۸- خردمندانِ دوراندیش، مرگ با نیکان را آرزو می کنند و به فکر حسن عاقبت هستند. «توفّنا مع الابرار»

۹- ابرار مقامی دارند که خردمندان آرزوی آن را می کنند.

«اولواالالباب...توفّنا مع الابرار»

الهی آنکه ترا دوست دارد چگونه با خلقت مهربان نیست.

ص: ۸۲

«هم دنيا و هم آخرت»

«رَبَّنا وَ آتِنا ما وَعَدْتَنا عَلى رُسُلِكَ وَ لا تُخْزِنا يَوْمَ الْقِيامَهِ إِنَّكَ لا تُخْلِفُ الْميعاد» }آل عمران/۱۹۴{

پروردگارا! آنچه را به واسطه ى پيامبرانت به ما وعده داده اى، به ما مرحمت فرما و ما را در روز قيامت خوار مساز، كه البتّه تو خلاف وعده انجام نمى دهى.

نكته ها

در چند آيه قبل از اين، خداوند متعال مسير رشد خردمندان و صاحبان انديشه را اين گونه ترسيم مى كند: ياد خدا، فكر، رسيدن به حكمت، تسليم انبيا شدن، استغفار، خوب مردن، در انتظار الطاف الهى و نجات از رسوايى و خوارى.

در آيات قبل ايمان خردمندان به خداوند و قيامت مطرح بود و در اين آيه ايمان به نبوّت نيز مطرح شده است. «ما وعدتنا على رسلك»

و تكرار «ربّنا» در سخنان آنها، نشان شيفتگى آنان به ربوبيّت الهى است.

خردمندان، هم عزّت دنيا را مى خواهند و هم عزّت آخرت را.

جمله ى «آتنا ما وعدتنا على رسلك» مربوط به دنياست كه خداوند وعده نصرت به اهل حقّ داده است: «انّا لننصر رسلنا»(۱) وجمله ى «و لاتخزنا» مربوط به عزّت در آخرت است.

۱- - (غافر / ۵۱)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- وفای به وعده، از شئون ربوبیّت الهی است. «ربّنا اتنا ما وعدتنا»

۲- گرچه خداوند به وعده های خود وفا می کند، لکن ما نیز باید دعا کنیم.

«اتنا ما وعدتنا»

۳- خردمندان به همه ی انبیا وهمه وعده های الهی ایمان دارند.

«ماوعدتنا علی رسلک»

۴- نهایت آرزوی خردمندان، رسیدن به الطاف الهی و نجات از دوزخ و رسوایی در قیامت است. «اتنا ما وعدتنا، ولاتخزنا یوم القیمه»

۵- بیم و امید (خوف و رجاء) باید در کنار هم باشد.

«اتنا ما وعدتنا... ولاتخزنا»

الهی دندان دادی نان دادی، جان دادی جانان بده.

ص: ۸۴

«رهایی از جامعه فاسد»

«رَبَّنا أَخْرِجْنا مِنْ هذِهِ الْقَرْیَهِ الظّالِمِ أَهْلُها وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ وَلِیًّا وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ نَصیراً» }نساء/۷۵{

پروردگارا! ما را از این شهری که مردمش ستمگرند بیرون بر و از جانب خود رهبر و سرپرستی برای ما قرار ده و از سوی خودت، یاوری برای ما تعیین فرما.

نکته:

آیه درباره ی مسلمانانی است که تحت فشار و شکنجه ی مردم مکّه قرار داشتند. و از کسانی که جهاد در راه آزادی آنان را رها کرده اند، نکوهش می کند.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- سرپرستی و ولایت بر مسلمانان باید از طرف خدا باشد. «من لدنک ولیّاً»

۲- در جامعه ی فاسد نباید همرنگ جماعت شد. (پس این شعار غلط است که خواهی نشوی رسوا همرنگ جماعت شو)

۳- بهترین سرپرست یاور خداوند است، از او بخواهیم.

الهی از شیاطین جن بریدن دشوار نیست با شیاطین انس چه باید کرد.

ص: ۸۵

«اعتراف به خطا»

«رَبَّنا ظَلَمْنا أَنْفُسَنا وَ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنا وَ تَرْحَمْنا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخاسِرین» }اعراف/۲۳{

پروردگارا! ما بر خویشتن ستم کردیم و اگر ما را نبخشایی و رحم نکنی، قطعاً از زیانکاران خواهیم بود.

نکته ها

شیطان و آدم هر دو نافرمانی کردند، امّا شیطان نسبت به نافرمانی خود (ترک سجده)، به عدل و حکمت الهی اعتراض کرده و استکبار نمود و برتری نژاد خود را مطرح ساخت و پشیمان هم نشد، امّا حضرت آدم و حوّا، به کار خلاف خود اعتراف کردند و از خداوند تقاضای بخشش نمودند.(۱)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- در برابر ستم هایی که به خود روا می داریم باید از خداوند استمداد کنیم و آنها را جبران کنیم. «قالا ربّنا ظلمنا...»

۲- هرگونه خلافی، ظلم به خویش است، چون مخالفت با فرمان خدا مخالفت با تکامل و سعادت واقعی خود است. «ظلمنا أنفسنا»

۳- از آداب دعا و استغفار، ابتدا اعتراف به گناه است. «قالا ربّنا ظلمنا أنفسنا»

ص: ۸۶

۱- -[تفسیر نمونه]

۴- نخستین خواسته ی بشر از خدا، تقاضای عفو ورحمت بود. «وان لم تغفرلنا»

۵- مهم ترین مسأله برای گناهکار، مغفرت الهی است، سپس درخواست های دیگر. «ان لم تغفر لنا و ترحمنا»

۶- عنایت و لطف و مهربانی خدا، جلوی خسارت ابدی را می گیرد.

«ان لم تغفر لنا... لنکوننّ من الخاسرین»

الهی در بسته نیست ما دست و پا بسته ایم.

ص: ۸۷

«پرهیز از همراهی ظالمان»

«رَبَّنا لا تَجْعَلْنا مَعَ الْقَوْمِ الظّالِمین» }اعراف/۴۷{

پروردگارا! ما را همراه ظالمان قرار مده.

نکته

نمی گویند ما را اهل آتش قرار مده، بلکه می گویند: ما را همنشین ظالمان مگردان. گویا مجالست با ستمگر، بدتر از آتش دوزخ است.(۱)

- این دعا از مؤمنانی است که در قیامت زمانی که وضع وخیم ظالمان را در دوزخ می بینند به زبان می آورند که پروردگارا ما را همراه ظالمان قرار مده، این همان جمله ای است که آن ها در دنیا با زبان و عمل به پیروی از رهبران آسمانی جامه عمل پوشانیده و نتیجه اش را در آخرت می بینند.

آری در این میدان مردم سه گروه هستند؛

الف: «مؤمنان» راستین که در پرتو ایمان به آرامش کامل رسیده اند و از هیچ گونه مجاهدتی دریغ ندارند.

ب: «معاندان» و دشمنان لجوج حق که به هیچ وسیله به راه نمی آیند.

۱- -[تفسیر روح المعانی]

ج: «اعراف» که در گـذرگاه صـعب العبوری میان این دو گروه قرار گرفته اند و بیش تر توجه رهبران آسـمانی و پیشوایان حق نیز به آن هـاست که در کنارشان در دنیا بماننـد، دسـتشان را بگیرنـد و از این مرحله نجاتشان دهنـد تا در صف مؤمنان حقیقی قرار گیرند.(۱)

الهی اگر خدا خدا نکنیم چه کنیم و اگر ترک ما سوا نکنیم چه کنیم؟

۱- -[تفسیر نمونه]

«داوری خداوند»

«رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنا وَ بَيْنَ قَوْمِنا بِالْحَقِّ وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفاتِحين» }اعراف/۸۹{

پروردگارا! میان ما و قوم ما به حقّ داوری و راهگشایی کن که تو بهترین داوران و راهگشایانی.

نکته:

«فتح» در این گونه موارد، به معنای قضاوت و داوری برای راهگشایی است، یعنی سخن آخر را خداوند می گوید تا از بن بست خلاص شده و راه باز شود.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- در دعا، تناسب بین خواسته و اسمای الهی را باید در نظر گرفت. آنجا که نیاز به فتح داریم، خدا را با خیرالفاتحین صدا می زنیم. «افتح... خیر الفاتحین»

۲- لازمه ی داوری صحیح، علم وآگاهی همه جانبه است. داوری، حقّ کسی است که همه چیز را می داند. «وسع ربّنا کلّ شی ء علما... ربّنا افتح...»

۳- داوری، از شئون ربوبیّت خداوند است. «ربّنا افتح»

۴- هدف انبیا تثبیت و بر کرسی نشاندن حرف حقّ است، نه سخن خویشتن. «افتح بیننا و بین قومنا بالحقّ»

الهی پیشانی بر خاک نهادن آسان است دل از خاک برداشتن دشوار است.

ص: ۹۰

«عاقبت به خیری»

«رَبَّنا أَفْرِغْ عَلَیْنا صَبْراً وَ تَوَفَّنا مُسْلِمِین» }اعراف/۱۲۶{

پرودگارا! بر ما صبر و شکیبایی فرو ریز و ما را مسلمان و فرمان بردار بمیران.

نکته:

امام صادق فرمود: کسی که خود را برتر از دیگران بداند مستکبر است. به حضرت گفتند: گاهی انسان به دلیل آنکه دیگران مشغول گناهند و او گناه نمی کند خود را برتر می داند! حضرت فرمودند: شاید او توبه کرده و بخشیده شده است، ولی تو خبر نداری و هنوز او را چنان می بینی. مگر داستان ساحران را نشنیده ای که با انگیزه ی شکست موسی آمدند، ولی توبه کرده و هدایت شدند و پایان خوبی داشتند.(۱)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- نشانه ی مؤمنان راستین، آرامش، مقاومت، صراحت، شجاعت، تضرّع و دعا بخصوص در هنگام سختی هاست. «آمنّا... ربّنا افرغ علینا صبراً»

۲- در دعا به ربوبیّت خداوند متوسّل شویم. «ربّنا»

۳- بهترین شیوه در برابر تهدید طاغوت ها، دعا و توکّل بر خدا و حفظ ایمان و پایداری است. «ربّنا أفرغ علینا صبراً و توفّنا مسلمین»

ص: ۹۱

۱- -[تفسیر نورالثقلین]

۴- وقتی تهدیدها سنگین باشد، صبر و مقاومت بیشتری هم می طلبد. ساحران گفتند: «أفرغ علینا صبراً» یعنی دل ما را پر از صبر کن ونگفتند: «أنزل علینا»

۵- حسن عاقبت، نیاز به دعا، استمداد وتوفیق الهی دارد.

«ربّنا... توفّنا مسلمین»

الهی تو را دارم چه کم دارم پس چه غم دارم.

ص: ۹۲

«نوع دوستی»

«رَبِّ اغْفِرْ لی وَ لِأَخی وَ أَدْخِلْنا فی رَحْمَتِکَ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمین» }اعراف/۱۵۱{

پروردگارا! من و برادرم را بیامرز و ما را در رحمت خویش وارد کن و تو مهربان ترین مهربانانی.

نکته:

آمرزش خواهی حضرت موسی ممکن است برای درس دادن به دیگران باشد.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- به برادران وهمکاران خود نیز دعا کنیم. «ربّ اغفر لی و لاخی»

۲- در طوفان انحراف های جامعه، رهبران به دعا و لطف الهی بیش از دیگران نیازمندند. «وأدخلنا فی رحمتک»

۳- بخشودگی، مقدّمه ی ورود در رحمت الهی است. «اغفر... أدخلنا»

۴- در دعا، از الطاف و صفات خدا یاد کنیم. «أرحم الرّاحمین»

الهی تو پاک آفریده ای ما آلوده کرده ایم.

«رحمت فراگیر»

(ربّنا) «وَ اكْتُبْ لَنا فی هذِهِ الدُّنْیا حَسَنَهً وَ فِی الْآخِرَهِ إِنَّا هُدْنا إِلَیْکَ ...» }اعراف/۱۵۶{

(پروردگارا!) برای ما در این دنیا و در آخرت، خیر و نیکی مقرّر کن که ما به سوی تو رهنمون و بازگشت کرده ایم.

نکته ها:

آری، سفره ی رحمت الهی گسترده است و به همه کس می رسد، امّا شمول رحمت برای غیر مؤمنان، به تفضّل الهی و به برکت مؤمنان و به طفیل آنان است.(۱)

در روایت آمده است که شخصی در نماز می گفت: «اللهمّ ارحمنی و محمّداً و لاترحم معنا احداً»، خدایا! تنها من و محمّد را مشمول رحمت خود قرار بده، نه هیچ کس دیگری را. پیامبر پس از نماز در انتقاد به او فرمود: رحمت نامنتهای الهی و موضع وسیع و نامحدود را محدود ساختی!(۲) از امامان معصوم و سفیران الهی یاد بگیریم گستردگی و دید بالای در دعا کردن را: «اللهم اشف کل مریض، اللهم فرج عن کل مکروب و ...»

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- بهترین گام ها و کارها، با ثبات ترین آنهاست. «واکتب لنا»

۲- انبیا در فکر تأمین سعادت دنیا و آخرت مردمند.

۱- -[تفسیر اثنی عشری]

۲- -[تفاسیر مجمع البیان و نمونه]

«واکتب لنا فی هذه الدنیا حسنه و فی الآخره»

۳- از بهترین دعاها، جامع ترین آنهاست. «فی هذه الدّنیا حسنه و فی الآخره»

۴- بازگشت خالصانه به سوی خدا، راه دریافت الطاف الهی است. «هُدنا»

۵- رحمت الهی نامحدود است، اگر کسی به آن نرسید، تقصیر از خود اوست. «رحمتی وسعت کلّ شی ء» نقصی در فاعلیّت رحمت الهی نیست، بلکه نقص در قابلیّت و استقبال ماست.

۶- دعای انبیا نیز در چهارچوب حکمت و قانون الهی مستجاب می شود.

«اکتب لنا... سأکتبها للّذین...»

۷- آنچه سبب دریافت الطاف الهی است، ایمان به تمام آیات است، نه بعض آنها. «بآیاتنا یؤمنون»

الهی این آفریده که بدین پایه مهربان است آفریننده وی در چه پایه است.

ص: ۹۵

«توکل، بعد دعا»

«رَبَّنا لا تَجْعَلْنا فِتْنَهً لِلْقَوْمِ الظّالِمینَ * وَ نَجِّنا بِرَحْمَتِکَ مِنَ الْقَوْمِ الْکافِرین» }یونس/۸۵، ۸۶{

پروردگارا: ما را گرفتار سختی ها و آزمایش ستمگران قرار مده. و ما را به رحمت خویش، از شرّ قوم کافر رهایی بخش.

نکته:

کسی که به خدا توکّل کند، هم خدا او را دوست می دارد، «انّ اللّه یحبّ المتوکلین»(۱) و هم او را تأمین می کند. «ومن یتوکّل علی اللّه فهو حسبه» (۲)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- اوّل توکّل، بعد دعا. «توکّلنا، ربّنا»

۲- با ایمان، توکّل ودعا، خود را از شرّ ظالمان نجات دهیم. «توکّلنا، ربّنا، نجّنا»

۳- ابتدا باید برای حفظ هویّت مکتبی دعا کرد، «لاتجعلنا فتنه» وسپس برای سلامتی شخصی. «نجّنا» چون اگر ستمگران پیروز شوند، خطّ ظلم و کفر حاکم شده، مؤمنان تحقیر و مبتلا می شوند.

الهی اگر چه درویشم ولی داراتر از من کیست که تو دارایی منی.

۱- - (آل عمران/ ۱۵۹)

۲- - (طلاق/ ۳)

«مقابله با ظلم و بی عدالتی»

«رَبَّنَا اطْمِسْ عَلی أَمْوالِهِمْ وَ اشْدُدْ عَلی قُلُوبِهِمْ» }یونس/۸۸{

پروردگارا! اموالشان را نابود کن و دلهایشان را سخت،

نکته:

قطع شیرهای نفت، بستن راههای تجارتی ونظامی و آتش زدن انبار مهمات دشمن، از مصادیقِ «ربّنا اطمس علی اموالهم» می باشد.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- کلمه ی «ربّنا» در دعا نقش مهمی دارد.

۲- در دعاها، دعای سیاسی و نفرین بر دشمنان را فراموش نکنیم.

«ربّنا اطمس علی اموالهم واشدد...»

۳- آنجا که استدلال و معجزه کارساز نباشد، نوبت نفرین است.

«ربّنا اطمس...»

۴- سنگدلان تا اجبار وقهر الهی را نبینند، حقّ را باور نمی کنند.

«فلایؤمنوا حتّی یروا العذاب»

الهی گرگ و پلنگ را رام توان کرد با نفس سرکش چه باید کرد.

ص: ۹۷

«آرزوی پاکان»

«رَبِّ ... فاطِرَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّی فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ تَوَفَّنی مُسْلِماً وَ أَلْحِقْنی بِالصَّالِحین» }یوسف/۱۰۱{

پروردگارا؛ (ای) پدیدآورنده ی آسمان ها و زمین، تنها تو در دنیا وآخرت مولای منی، مرا تسلیم خود بمیران ومرا به شایستگان ملحق فرما.

نکته ها

اولیای خدا وقتی به عزّت و قدرت خود نگاه می کنند، فوراً به یاد خداوند می افتند و می گویند: خدایا هر چه هست از توست. یوسف نیز اینچنین کرد، متوجّه خدا شد. خداوند حکومت مصر را به دو نفر داد، یکی فرعون که آن را به خود نسبت داد و گفت: «أليس لی ملک مصر» و دیگر به یوسف داد که آنرا به خدا نسبت داد و گفت: «آتیتنی من الملک»

تفکّر ابراهیم، در ذریّه و فرزندان او جلوه گری می کند؛ ابراهیم گفت: «اَسلمت لربّ العالمین» من تسلیم پروردگار عالمیان هستم، سپس نوه او یعقوب به فرزندانش سفارش می کند که با ایمان از دنیا بروید. «لاتموتنّ الاّ و انتم مسلمون»(۱) در اینجا فرزند یعقوب نیز مرگ در حال تسلیم را از خدا می خواهد؛ «توفّنی مسلماً»

ص: ۹۸

۱- - (بقره/۱۳۲)

بـه هر حـال ابراهیـم از صـالحین اسـت؛ «انّـه فی الآـخره لمن الصّیـالحین»(۱) و یوسـف می خواهــد بـه او ملحق شـود. «الحقنی بالصّالحین»

یوسف که خداونـد همواره او را حفـظ کرد، به او علم داد، به او حکومت داد و خطر را از او دور کرد، بـاز نگران عاقبت خود است. وای به حال کسانی که قدرت، مال و علم خود را با حیله به دست آورده اند، آنان چه عاقبتی خواهند داشت!.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- در هر موقعیّت وحالی، خود را به خداوند بسپارید. «انت ولیّ فی الدنیا والاخره»

۲- قـدرت و حکـومت و سیاست، زمینه خروج از دین است، مگر اینکه خداونـد لطـف کنـد. «توفّنی مسـلماً» (یوسف در چـاه دعایی داشت و در زندان دعای دیگر داشت، ولی همین که به حکومت رسید دعای او این بود: خدایا من مسلمان بمیرم.)

۳- بنـدگان خـدا در اوج عزّت و قدرت به یاد مرگ وقیامت و سـرانجام کار خود هسـتند. «توفّنی مسـلماً و الحقنی بالصالحین» همان گونه که همسر فرعون در کاخ فرعون به فکر قیامت بود و می گفت: «ربّ ابن لی عنـدک بیتاً فی الجنّه»(۲) پروردگارا! در بهشت برای من جایی نزد خود قرار بده.

۱- - (بقره/ ۱۳۰)

۲- - (تحریم/ ۱۱)

۴- عظمت خداوند تنها به خاطر نعمت هایی که به ما ارزانی داشته نیست، بلکه او بوجود آورنده کل هستی است. «فاطر السموات والارض»

۵- افتخار یوسف آن نیست که حاکم بر مردم است، افتخارش آن است که خداوند حاکم بر اوست. «انت ولیّ فی الدنیا و الاخره»

۶- حسن عاقبت وپایداری در کار خیر، مهمتر از شروع آن است. انبیا برای حسن عاقبت دعا می کردند؛ «توفّنی مسلماً» یعنی مرا در تسلیم خود تا مرگ پایدار بدار.(۱)

۷- در دعا، اوّل از نعمت های الهی یاد کنید؛ «ربّ قد آتیتنی» بعد درخواست خود را مطرح کنید. «توفّنی مسلماً»

۸- چون به قدرت رسیدید، مناجات با خدا را از یاد نبرید. «ربّ قد آتیتنی...»

۹- حضرت یوسف در شور انگیزترین لحظات متوجّه خدا شده و با او مناجات می کند. «ربّ قد آتیتنی...»

۱۰- در دعاها ومناجات ها تنها به فکر دنیا ومسائل مادی نباشید.

«فی الدنیا والاخره»

۱۱- به ایمان فعلی خود مغرور نشویم، حفظ ایمان تا آخر مهم است.

«توفّنی مسلماً»

۱۲- نهایت ایمان، تسلیم در برابر خداوند است. «توفّنی مسلماً»

ص: ۱۰۰

۱- -]تفسیر المیزان[

۱۳- عاقبت خیر، بهترین نعمتی است که خداوند به بندگانش عطا می کند. «توفّنی مسلماً»

۱۶- با ایمان مردن و در زمره صالحان قرار گرفتن، آرزوی پاکان است.

«توفّنی مسلماً و الحقنی بالصالحین»

۱۷- انسان های وارسته حکومت را برای خدمت و صلاح می خواهند.

«الحقنی بالصالحین»

الهی بحق خودت حضورم ده و از جمال آفتاب آفرینت نورم ده.

ص: ۱۰۱

«علم خداوند»

«رَبَّنا إِنَّکَ تَعْلَمُ ما نُخْفی وَ ما نُعْلِنُ وَ ما یَخْفی عَلَی اللَّهِ مِنْ شَیْ ءٍ فِی الْأَرْضِ وَ لا فِی السَّماءِ» }ابراهیم/۳۸{

پروردگارا! همانا تو آنچه را پنهان و یا آشکار کنیم، می دانی و چیزی در زمین و در آسمان بر خداوند پوشیده نمی ماند.

نکته:

اکنون که همه چیز برای خداوند روشن است و علم او به همه چیز و همه کار ما احاطه دارد باید در محضر او گناه نکنیم و در مخلوقات او جز طبق رضا و دستورات او تصرف نکنیم و در دعا هم باید توجه داشته باشیم که خداوند به همه جیز از ظاهر و باطن ما اگاه است.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- در نزد خدا پنهان و آشکار معنا ندارد. «تعلم ما نخفی و ما نعلن»

۲- زمین و آسمان نزد علم خداوند یکسان است.

«ما یخفی... فی الارض ولا فی السماء»

۳- در دعاها توجه به علم الهی هم داشته باشیم و لذا روایت داریم که در پیشگاه خداوند که به همه چیز آگاه است، اقرار به گناهان و خطاهایت کن، چون همین اقرار خود موجب غفران و بخشش الهی می شود.

الهی چون تو حاضری چه جویم و چون تو ناظری چه گویم.

ص: ۱۰۲

«محوریت نماز»

« رَبِّ اجْعَلْنی مُقیمَ الصَّلاةِ وَ مِنْ ذُرِّیَّتی رَبَّنا وَ تَقَبَّلْ دُعاء* رَبَّنَا اغْفِرْ لی وَ لِوالِدَیَّ وَ لِلْمُؤْمِنینَ یَوْمَ یَقُومُ الْحِسابُ» }ابراهیم ۴۰/, ۴۱{

پروردگارا! مرا برپا دارنده نماز قرار ده و از نسل و ذریّه ام نیز. پروردگارا! دعای مرا (نماز و عبادتم را) بپذیر. پروردگارا مرا وپدر ومادرم را ومؤمنان را، روزی که حساب بر پا می شود ببخشای.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- تکرار «ربّ» در آغاز دعاها نشانه تأثیر آن دراستجابت دعا و یا یکی از آداب آن است. «ربّ اجعلنی»

۲- برای اقامه ی نماز خود و فرزندانتان، از خداوند استمداد کنید. «ربّ اجعلنی»

۳- نماز، محور دعاهای حضرت ابراهیم است. «ربّنا لیقیموا الصّلاه»، «ربّ اجعلنی مقیم الصّلاه»

۴- با آنکه رسالت انبیا اقامه ی دین است اما دعا برای اقامه ی نماز به جای آن، نشانه آن است که نماز چهره و سیمای تمام نمای دین است. «مقیم الصّلاه»

۵- اقامه ی نماز، عِدل و همتای رهبری است. حضرت ابراهیم در دو مورد عبارت «و من ذریّتی» را بکار برد: یکی درباره ی نماز نسل خود «مقیم الصّلاه

ص: ۱۰۳

و من ذرّیّتی» و یکی در مورد رهبری نسل خود هنگامی که خداوند به ابراهیم فرمود: «انی جاعلک للنّاس اماما قال و من ذریّتی»[(۱)] من تو را امام مردم قرار دادم ابراهیم گفت: پروردگارا ذریّه مرا نیز به این مقام برسان.

۶- در دعا هم به خود توجّه کنید، «واجنبنی- واجعلنی- واغفرلی» و هم به دیگران. «وبنّی- ومن ذریّتی- و لوالدیّ وللمؤمنین»

۷- انسان، هم باید به فکر نسل قبل باشد، «ولوالدیّ وللمؤمنین » و هم به فکر نسل بعد. «و من ذریّتی»

۸- در دعا، به فکر قیامت خود، فرزندان و جامعه باشید. «یوم یقوم الحساب»

الهی ناتوانم و در راهم و گردنه های سخت در پیش است و رهزنهای بسیار در کمین و بار گران بر دوش یا هادی اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و لا الضالین.

۱- - (بقره/ ۱۲۴)

«مهلت خواستن»

«رَبَّنا أَخِّرْنا إِلى أَجَلٍ قَریبٍ نُجِبْ دَعْوَتَکَ وَ نَتَّبِعِ الرُّسُل» }ابراهیم/۴۴{

پروردگارا! ما را تا مدّت کوتاهی مهلت ده، تا دعوت تو را اجابت نماییم و از پیامبران پیروی کنیم.

نکته ها

با توجّه به آیه ی قبل، ابتدا به نظر می رسد که این آیه نیز درباره ی قیامت است، ولی جمله ی «اخّرنا الی اجل قریب نُجب دعوتک ...» بیشتر، این معنا را به ذهن می آورد که آیه درباره ی عذاب الهی در دنیاست، زیرا تأخیر عذاب و اجابت دعوت خداوند و پیروی از پیامبران، مربوط به دنیاست نه قیامت.

در قیامت نیز تقاضای بازگشت به دنیا وجود دارد که آیات آن، مکرّر در قرآن آمده از جمله:

الف: «فهل الی خروج من سبیل»(۱) آیا برای خارج شدن از هلاکت راهی هست؟

ب: «فارجعنا نعمل صالحا»(۲) ما را به دنیا برگردان تا عمل صالحی انجام دهیم.

ج: «ربّنا اخرجنا نعمل صالحا»(۳) پروردگارا! ما را از دوزخ خارج کن تا کار خوب انجام دهیم.

ص: ۱۰۵

۱- - (غافر/۱۱)

۲- - (سجده/۱۲)

۳- - (فاطر/۳۷)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- مجرمان روزی پشیمان می شوند، امّا فرصت های از دست رفته باز نمی گردد. «اخرّنا...»

۲- راه نجات در تبعیّت از رهبران آسمانی است.

الهی دل بسوی کعبه داشتن چه سودی دهد آنکه را دل بسوی خداوند کعبه ندارد.

ص: ۱۰۶

«والدین»

«رَبِّ ارْحَمْهُما کَما رَبَّیانی صَغیراً» }اسراء/۲۴{

پروردگارا! بر آن دو (پدر و مادر) رحمت آور، همان گونه که مرا در کودکی تربیت کردند.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که: (با توجه به تمام آیه)

۱- فرزند در هر موقعیّتی که هست، باید متواضع باشد و کمالات خود را به رُخ والدین نکشد. «واخفِض لهما جناح الذّل»

۲- تواضع در برابر والـدین، باید از روی مهر و محبت باشد، نه ظاهری و ساختگی، یا برای گرفتن اموال آنان. «واخفض لهما... من الرّحمه»

۳- فرزند باید نسبت به پدر مادر، هم متواضع باشد، هم برایشان از خداوند رحمت بخواهد. «واخفض... و قل ربّ ارحمهما»

۴- دعای فرزند در حقّ پدر و مادر مستجاب است، وگرنه خداوند دستور به دعا نمی داد. «وقل ربّ ارحمهما...»

۵- دعا به پدر و مادر، فرمان خدا و نشانه ی شکرگزاری از آنان است. «قل ربّ ارحمهما...»

۶- در دعا از کلمه «ربّ» غفلت نکنیم. «قل ربّ ارحمهما»

ص: ۱۰۷

۷- رحمت الهی، جبران زحمات تربیتی والـدین است. «ربّ ارحمهما کما ربّیانی» (گویا خداوند به فرزند می گوید: تو رحمت خود را دریغ مدار، واز خدا نیز استمداد کن که ادای حقّ آنان از عهده ی تو خارج است.)

۸- گذشته ی خود، تلخی هـا و مشـکلات دوران کودکی وخردسـالی را که بر والـدین تحمیـل شـده است از یاد نبریـد. «کما ربّیانی صغیراً»

۹- پدر و مادر باید بر اساس محبّت فرزندان را تربیت کنند. «ارحمهما کما ربّیانی»

۱۰- انسان باید از مربّیان خود تشکّر وقدردانی کند. «ارحمهما کما ربّیانی»

الهی از خواندن نماز شرم دارم و از نخواندن آن شرم بیشتر.

ص: ۱۰۸

«امداد و نصرت الهی»

«رَبِّ أَدْخِلْنی مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ أَخْرِجْنی مُخْرَجَ صِدْقٍ وَ اجْعَلْ لی مِنْ لَدُنْکَ سُلْطاناً نَصیرا» }اِسراء/۸۰{

و بگـو: پروردگـارا! مرا بـا ورودی نیکـو و صادقـانه وارد (کارهـا) کن و بـا خروجی نیکو بیرون آر و برای من از پیش خودت سلطه و برهانی نیرومند قرار ده.

نکته ها :

صـدق، بهترین وصف و حالت یک کار و یک شـخص در آغاز و انجام آن است. چه بسا کارهایی که آغاز غیر صادقانه دارد و بـا قصـد ریـا، سـمعه، فریب، برتری جویی و ماننـد آن شـروع می شود، یـا آغازی صادقانه دارد، ولی پایانی آمیخته به غرور، عُجب، منّت، حبط و سوءعاقب پیـدا می کند و برکات آن محو می شود. رمز شـکست بسـیاری از حرکت ها، نبود صداقت در آنها و قطع امداد الهی از آن است.

امام صادق می فرماید: هرگاه برای ورود به کاری، ترس و وحشت داشتی این آیه را بخوان و اقدام کن.(۱)

انسان به جایی می رسد که از «صدّیقین» می شود، هرچه می گوید عمل می کند و هرچه را عمل می کند، می گوید.(۲) قلب و زبان و عملش یکی می شود.

ص: ۱۰۹

۱- -]تفسیر نورالثقلین[

۲- -]تفسیر المیزان[

از مصادیق «سلطان نصیر»، داشتن جانشینی لایق، یاری باوفا و وزیری دلسوز و کاردان است.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- خواسته های خود را در برابر خداوند به زبان بیاوریم. «وقل ربّ»

۲- دعایی که همراه با نماز و بعد از آن باشد، اثر بیشتری دارد.

«اقم الصلوه... فتهجّد... و قل ربّ...» (با توجه به آیات قبل)

۳- دعا کردن را هم باید از خدا آموخت که چگونه بخوانیم وچه بخواهیم.

«و قل ربّ أدخلنی...»

۴- یکی از اصول مدیریّت، آینده نگری و دوراندیشی است.

«أخرجنی مُخرج صدق»

۵- مهم تر از آغاز نیک، پایان و فرجام خوب است. نباید به آغاز شیرین دلخوش بود، بلکه باید از خطر بدعاقبتی به خدا پناه برد. «أخرجنی مُخرج صدق»

۶- رهبری یک نهضت جهانی که شروع و پایانش صادقانه و بی انحراف باشد، بدون دعا و استمداد از خدا و دریافت امداد الهی ممکن نیست. «ربّ أخرجنی»

۷- همه ی امور به دست خداست و باید از او مدد خواست

«أدخلنی، أخرجنی، اِجعل»

۸- کسب قدرت برای اهداف مقدّس ارزش دارد. «واجعل لی من لدنک سلطاناً»

۹- مؤمن، نصرت و امداد را تنها از خدا می طلبد. «من لدنک سلطاناً نصیرا»

الهی ما همه بیچاره ایم و تنها تو چاره ای و ما همه هیچکاره ایم و تنها تو کاره ای.

ص: ۱۱۰

«گشایش در کارها»

«...رَبَّنا آتِنا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَهً وَ هَیِّئْ لَنا مِنْ أَمْرِنا رَشَدا» }کهف/۱۰{

پروردگارا! از سوی خود رحمتی به ما عطا کن و برای ما رشدی در کارمان فراهم ساز.

نکته

«رَشَد» به معنای رُشد، نجات و رضای الهی آمده است.(۱) در داستان اصحاب کهف، داستان موسی و خضر (آیه ۶۶) و پیامبر اسلام (آیه ۲۳).

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- برای حفظ دین، جوانمردی، گذشت از رفاه و آسایش و هجرت لازم است. «اَوَی الفِتیه الی الکهف» (با توجه به آیه ی اول)

۲- دعا همراه با تلاش و حرکت مؤثّر است. «اَوَی... ربّنا»

۳- هجرت از محیط فاسد برای حفظ ایمان و ارزشها، کاری جوانمردانه است. «اَوَی الفِتیه الی الکهف»

۴- هجرت و قیام برای خدا، زمینه ی دریافت امدادهای الهی است.

«اَوَی الفِتیه الی الکهف فضربنا»

آن که طبیعتش را بر عقلش حاکم گردانیده است، در محکمه هر بخردی محکوم است.

۱- -]تفسیر مجمع البیان[

«چهار خواسته ی مهم»

«...رَبِّ اشْرَحْ لی صَدْری * وَ یَسِّرْ لی أَمْری* وَ احْلُلْ عُقْدَهً مِنْ لِسانی* یَفْقَهُوا قَوْلی» }طه/۲۵-۲۸{

پروردگارا! سینه ام را برایم گشاده گردان (و بر صبر و حوصله ام بیفزا). * و کارم را برایم آسان فرما. * و گره از زبانم باز نما. * تا (آنها) سخنان مرا (خوب) بفهمند.

نکته ها

همین که حضرت موسی به رسالت الهی مأمور گردید، چهار خواسته را از خداوند طلب نمود:

۱- سعه ی صدر. «ربّ اشرح لی صدری»

۲- شرایط آماده. «و یَسّرلی أمری»

۳- بیان روان. «واحلُل عُقدهً من لسانی»

۴- داشتن وزیر. «واجعل لی وزیراً»

چون حضرت موسی به مسائل متعدّد عبادی، سیاسی، انقلابی، اجتماعی، اخلاقی، فردی و جمعی مأمور شده بود و طبعاً پرداختن و توجّه لازم به هر کدام، انسان را از سایر امور غافل می سازد، لذا سعه صدر در رسیدن به همه ی این موارد کاملاً ضرورت دارد.(۱)

ص: ۱۱۲

۱- -]تفسیر کبیر فخررازی[

سعه ی صـدر، هم برای خود انسـان لازم است، هم برای انجـام مسـئولیّت وکلمه «لی» رمز آن است که دریـافت وحی، نیـاز به ظرفیت بزرگ دارد. چنانکه در سوره انشـراح در مورد پیامبرصـلی الله علیه وآله آمده است: «ألم نَشـرَح لک صدرک... اِنّ مع العُسر یُسرا»

«ویژگی های قلب مؤمن و کافر»

قلب مؤمن:

۱- حیات. «أو مَن کان میتاً فاحییناه»(۱)

۲- شفا. «و یَشفِ صدور قوم مؤمنین»(۲)

۳- طهارت. «اِمتَحن اللّه قلوبهم»(۳)

۴- سعه صدر. «ربّ اشرح لی صدری»(۴)

۵- هدایت. «مَن یؤمن باللّه یَهدقلبه»(۵)

۶- ایمان. «کتب فی قلوبهم الایمان»(۶)

۷- سکینه. «السکینه فی قلوب المؤمنین»(۷)

۸- الفت. «و ألّف بین قلوبهم»(۸)

۹- اطمینان قلبی. «الا بذکر اللّه تطمئنّ القلوب»(۹)

۱- -(انعام/ ۱۲۲)

۲- - (توبه/ ۱۴)

۳- - (حجرات/ ۳)

۴- - (طه/ ۲۵)

۵- - (تغابن/ ۱۱)

۶- - (مجادله/ ۲۲)

۷- - (فتح/ ۴)

۸- - (انفال/ ۶۳)

۹- - (رعد/ ۲۸)

قلب کافر:

۱- مرض. «فی قلوبهم مَرَض»(۱)

۲- قساوت. «جعلنا قلوبهم قاسیه»(۲)

۳- عدم پذیرش. «اَزاغ اللّه قلوبهم»(۳)

۴- مُهرخوردن.«طبع اللَّه علی قلوبهم»(۴)

۵- احاطه ظلمت.«ران علی قلوبهم»(۵)

۶- حجاب. «جعلنا علی قلوبهم أکنّه»(۶)

۷- قفل شدن. «أم علی قلوب اقفالها»(۷)

۸- سختی. «ختم اللّه علی قلوبهم»(۸)

۹- برگشت و نفهمی. «صرف اللّه قلوبهم»(۹)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- سعه ی صدر اوّلین شرط موفقیّت در هر کاری است. «ربّ اشرح لی صدری»

۱- - (بقره/ ۱۰)

۲- - (مائده/ ۱۳)

۳- - (صف/۵)

۴- - (نحل/ ۱۰۸)

۵- - (مطففین/ ۱۴)

۶- - (کهف/ ۵۷)

۷- - (محمّد/ ۲۴)

۸- - (بقره/ ۷)

۹- - (توبه/ ۱۲۷)

۲- به جای ترس و فرار از مسئولیّت، امکانات و مقدّمات و ابزار آن را از خداوند بخواهیم. «ربّ اشرح لی صدری»

۳- دعا قبل از هر کاری، رمز توکّل ومایه ی دفع خطرات و آفات راه است، هر چند دعا خود نیز عبادت واعلام نیاز به شمار می رود. «ربّ اشرح لی صدری»

۴- ارشاد و تربیت مردم و مبارزه با طاغوت ها، بستگی تام به صبر و حوصله ی مربی و مجاهد دارد. «ربّ اشرح لی صدری»

۵- رسالت، با تندی و خشونت سازگار نیست. کار بزرگ، روح بزرگ می خواهد. «ربّ اشرح لی صدری»

۶- دعای انبیا در قرآن، با اسم «ربّ» است. «ربّ»

۷- دریافت الطاف الهی، روح وسینه ای گشاده لازم دارد. «ربّ اشرح لی صدری»

۸- با سعه ی صدر کارها آسان می شود. «ربّ اشرح لی صدری و یسّر لی أمری»

۹- ساده گویی و بیان روان، کمال است. «واحلُل عُقدهً من لسانی»

۱۰- در هدایت و بسیج کردن مردم وروحیه دادن به نیروها و ارعاب و تضعیف روحیه ی طاغوت، زبان گویا بسیار مهم است. «واحلُل عُقده من لسانی»

۱۱- اصل، فهمیدن مردم است، نه اصطلاحات زیبا. «یَفقَهوا قولی» شرط موفقیت در تبلیغ آن است که مردم حرف مبلغ را خوب بفهمند.

۱۳- در تبلیغ باید از هر وسیله ای که شناخت مردم را عمیق تر می کند استفاده کرد. «یَفقَهوا قولی»

الهی بسوی تو آمدم بحق خودت مرا بمن بر مگردان.

ص: ۱۱۵

«علم و دانش و ظرفیت آن»

«...رَبِّ زِدْنی عِلْماً» }طه/۱۱۴{

پروردگارا! علم مرا زیاد کن.

نکته ها

اوّلین معلّم، خداوند علاّم و علیم است، «علّم آدم الاسماء»(۱)، «الرّحمن، علّم القرآن، علّمه البیان»(۲) پس علم را از او بخواهیم. «ربّ زدنی علماً»

در حدیث آمده است که رسول اکرم فرمودند: اگر روزی بر من بگذرد و در آن بر علم من افزوده نشود، آن روز برای من مبارک نیست.(۳)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- علم را از عالم حقیقی طلب کنیم. «ربّ زدنی علما»

۲- برای علم و دانش نهایتی نیست و فارغ التحصیل معنا ندارد. «زدنی علما»

۳- علم حقیقی، قرآن مجید است. «لا تعجل بالقرآن- و قل ربّ زدنی علما»

۴- اگر کسی را از چیزی نهی می کنیم، در مقابل، راه صحیح و حقّ را هم به او نشان دهیم. «لا تعجل- قل ربّ زدنی علما»

۵- افزون طلبی در کمالات ارزش است. «ربّ زدنی علما»

۱- - (بقره/ ۳۱)

۲- - (الرحمن/ ۱ - ۳)

۳- -]تفسیر نورالثقلین[

۶- علم، وسیله ی رشد انسان هاست. «ربّ زدنی علما»

۷- علمی دارای ارزش و اعتبار است که همراه با فراگیری آن، ظرفیّت انسان نیز زیاد شود و رشد کند. «زدنی علما»، نه، «زد علمی»

۸- اگر چه خداوند می تواند بدون دعا هم لطف کند، ولی از پیامبرش می خواهد که دعا نماید. «قل ربّ زدنی علما»

۹- در دعا از کلمه ربّ و ربوبیّت خدا استمداد کنیم. «ربّ زدنی علما»

۱۰- جز خداوند، علم همه حتّی علم پیامبر محدود است. «ربّ زدنی علما»

الهی! آن که از صحیفه نفس خود آگاهی ندارد، از کدام کتاب و رساله طرفی می بندد؟!

ص: ۱۱۷

«فرزنددار شدن»

«رَبِّ لا تَذَرْنی فَرْداً وَ أَنْتَ خَیْرُ الْوارِثین» }انبیاء/۸۹{

پروردگارا! مرا تنها مگذار و (فرزندی به عنوان وارث به من عطا فرما و البتّه که) تو خود، بهترین وارثان هستی.

نکته ها

انبیا با پیش آمدن هر مشکلی، به درگاه خداوند شتافته و گشایش آن را از پروردگار خویش خواستار می شدند. در آیات قبل به نمونه هایی از این درخواست ها برخورد داشتیم. (دعاهای حضرت نوح، ایوب، یونس را در آیات گذشته خواندیم.)

رسول خـدا هنگام جنگ خنـدق به درگاه خداونـد چنین عرضه داشت: خدایا! تو عبیده بن الحارث را روز بدر از من گرفتی و حمزه را روز اُحد، و این علیّ است. آنگاه این آیه را تلاوت فرمودند: «ربّ لا تذرنی فرداً و انت خیر الوارثین»(۱)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- هرگز از رحمت الهی مأیوس نشویم. (خداوند حتّی به انسانی کهنسال همچون زکریااز همسری نازا فرزند عنایت می کند.)

۱- -]بحارالانوار/ ج ۳۸/ ص ۳۰۹[

۲- ذکر کلمه ی «ربّ» و تکرار آن در دعا، درخواست ها را با اجابت مقرون می سازد. «نادی ربّه ربّ لا تذرنی»

۳- در هنگام دعا، خداوند را با آن صفتی که با خواسته ما تناسب بیشتری دارد یاد کنیم. «لا تذرنی فرداً و انت خیرالوارثین»

۴- ایمان به «خیرالوارثین» بودن خداوند، با آرزوهای طبیعی مثل علاقه به فرزند و طلب آن از پروردگار، منافاتی ندارد. «لا تذرنی فرداً و انت خیرالوارثین»

۵- دعای انبیا مستجاب است. «فاستجبنا»

۶- فرزند، عطیه الهی است. «و وهبنا له یحیی»

۷- انسان می تواند از طریق دعا نازائی را اصلاح کند. «فاستجبناله ووهبنا له»

۱۶- سرعت در کار خیر و دعا همراه با بیم و امید، در استجابت دعا مؤثر است. «فاستجبنا له ... کانوا یسارعون فی الخیرات و یدعوننا ...»

الهی آنکه عالم است عامل است این خفته صنعتگر است نه دانشور.

ص: ۱۱۹

«منزلگاه مبارک»

«رَبِّ أَنْزِلْنی مُنْزَلاً مُبارَکاً وَ أَنْتَ خَیْرُ الْمُنْزِلین» }مؤمنون/۲۹{

پروردگارا! مرا با نزولی پر برکت فرودآور که تو بهترین فرود آورندگانی.

نکته ها

در حدیث می خوانیم: رسول خدا به علی فرمود: هرگاه وارد منزلی شدی این آیه (۲۹ سوره مؤمنون) را تلاوت کن تا خداوند از خیر آن جا کامیابت کند و شرّش را از تو دور سازد.(۱)

یاد خدا در هر حال؛

در دعوت به توحید. «اعبدواللّه»(۲)

در ساختن کشتی با الهام خداوند. «اِصنع الفلک باعیننا و وحینا»(۳)

در سوار شدن، با حمد الهی. «فاذا استویت... فقل الحمدللّه»(۴)

در حرکت با نام خدا. «بسم اللّه مَجراها و مُرساها»(۵)

در توقّف، با دعا به درگاه او. «ربّ اَنزلنی»(۶)

ص: ۱۲۰

۱- - [تفسیر کنز الدقائق]

۲- - (مؤمنون/ ۲۳)

۳- - (مؤمنون/ ۲۷)

۴- - (مؤمنون/ ۲۸)

۵- - (هود/۴۱)

۶- - (مؤمنون/۲۹)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- ابتدا خداوند را بر نعمت های گذشته شکر کنیم، سپس از او نعمت جدیدی بخواهیم. «الحمدللّه الّذی- ربّ اَنزلنی»

۲- در دعا و مناجات، خداوند را با آن نامی بخوانیم که با نیازمان تناسب داشته باشد. «اَنزلنی- خیرالمنزلین»

الهی آنکه سرمایه دارد و از آن بهره نمی برد از گدا گرفتارتر و بیچاره تر است.

ص: ۱۲۱

«تنها پناهگاه مطمئن»

«... رَبِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ هَمَزاتِ الشَّیاطینِ* وَ أَعُوذُ بِکَ رَبِّ أَنْ یَحْضُرُونِ» }مؤمنون/۹۷, ۹۸{

پروردگـارا! من از وسوسه های شـیطان ها به تو پناه می برم. * و پناه می برم به تو ای پروردگار! از این که آنان نزد من حاضـر شوند.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- پناه دادن از شئون ربوبیّت است. «ربّ اَعوذبک»

۲- پیامبران نیز باید به خدا پناه ببرند. «قل ربّ اَعوذبک»

۳- پناه بردن به خداوند باید مکرر و جدی باشد. (تکرار «اعوذ»)

۴- تنها پناهگاه مطمئن خداست. «بک»

۵- یکی از راه های نفوذ شیطان، اشاره ها و وسوسه های او نسبت به برخوردهای بد ما با دیگران است. «هَمزات»

۶- شیاطین، متعدّد و وسوسه های آنان نیز گوناگون است. «هَمَزات الشیاطین»

۷- شیطان ها در انبیا نیز طمع دارند. «هَمَزات الشیاطین»

۸- بالاتر از وسوسه، حضور شیطان هاست. «اَن یَحضُرون»

۹- حضور افراد فاسد ومفسد در جامعه، مقدّمه فساد دیگران است. «یَحضُرون»

یا لا اله الا انت جز آه در بساط ندارم از من آهی و از تو نگاهی.

ص: ۱۲۲

«ایمان، مغفرت و رحمت»

«...رَبَّنا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنا وَ ارْحَمْنا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمين» }مؤمنون/۱۰۹{

پروردگارا! ایمان آوردیم، پس ما را ببخش و بر ما رحم کن و تو بهترین رحم کنندگانی.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- خداوند، زخم زبان منحرفین به مؤمنین را بی پاسخ نمی گذارد. «انّه کان...»

۲- دعا به درگاه خداوند در دنیا مفید است، «ربّنا...» ولی دعا و التماس در قیامت مفید نیست. «ربّنا اخرجنا... قال اخسئوا»

۳- بندگان خداوند همواره از کاستی های خود بیمناک بوده و استغفار می کنند. «کان... یقولون ربّنا...»

۴- ایمان مقدّمه ی مغفرت و مغفرت، مقدّمه ی دریافت رحمت الهی است. «آمنّا فاغفرلنا وارحمنا»

۵- سرچشمه ی مهربانی ها خداست. «و انت خیرالرّاحمین»

۶- از آداب دعا، تجلیل از خداوند است. «و انت خیرالرّاحمین»

الهی از من آهی و از تو نگاهی.

«سرچشمه رحمت»

«...رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمين» }مؤمنون/۱۱۸{

پروردگارا! بیامرز و رحم کن که تو بهترین رحم کنندگانی.

نکته ها

با توجّه به جمله ی «لا یفلح» در آیه اول گروهی از زیانکاران را نیز یادآور می شویم:

الف) ستمگران. «لا یفلح الظالمون»(۱) ب) گنهکاران. «لا یفلح المجرمون»(۲)

ج) جادوگران. «لا یفلح الساحرون»(۳) د) کافران. «لا یفلح الکافرون»(۴)

آنها که به خداوند دروغ می بندند. «انّ الّذین یفترون علی اللّه الکذب لا یفلحون»(۵)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- پیامبر معصوم نیز به رحمت و مغفرت خداوند نیاز دارد.

«قل ربّ اغفر وارحم»

۲- در دعا، ستایش از خدا را فراموش نکنیم.

«ربّ اغفر وارحم و انت خیرالرّاحمین»

الهی در شگفتم از کسی که غصه خودش را نمیخورد و غصه روزیش را میخورد.

۱- - (انعام/۱۳۵)

۲- - (یونس / ۱۷)

۳- - (یونس/۷۷)

۴- - (مؤمنون/۱۱۷)

۵- - (یونس/۶۹)

«آتش دوزخ»

«... رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذابَها كانَ غَراما* إِنَّها ساءَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقاما» }فرقان/۶۵, ۶۶{

پروردگارا! عذاب جهنّم را از ما بازگردان که عذاب آن دامنگیر است. * به درستی که دوزخ، جایگاه و منزلگاه بدی است.

نکته ها

کلمه ی «غَرام» در اصل به معنای مصیبتی است که انسان در برابر آن راه فرار ندارد و نوعی التزام وتعهّد بر دوش او قرار می دهد که در زبان فارسی به آن تاوان می گویند.(۱)

فکر نجات از آتش هم باید از طریق عبادت باشد و هم از طریق دیگر اعمال نیک. حضرت علی آن گاه که اموالی را در راه خدا وقف می کردند، در وقفنامه ی خود می نوشتند: این اموال را وقف کردم، تا بدین وسیله از آتش دوزخ دراما باشم وآتش دوزخ نیز از من دور باشد.(۲)

دعا و درخواست فوق از طرف کسانی است که خداوند به سیزده مورد و صفتی از صفات ویژه ی بندگان خاص خود «عباد الرحمن» را در آیات ۶۳ تا ۶۷ سوره ی فرقان توصیف می فرماید که به آن ها اشاره می کنیم:

۱- -[التحقیق فی کلمات القرآن]

۲- -[صافی/ ج ۲/ ص ۱۰۴]

۱- تواضع ۲- حلم و بردباری ۳- شب زنده داری ۴- خوف و ترس از مجازات و کیفر الهی ۵- اعتدال و دوری از افراط و تفریط ۶- توحید خالص ۷- پاکی از آلودگی به خون بی گناهان ۸- عفیف ۹- حفظ و احترام حقوق دیگران ۱۰- پرهیز از لغو و بیهودگی ۱۱- چشم بینا و گوش شنوای حق ۱۲-تربیت صحیح فرزندو خانواده ۱۳- الگو قرارگرفتن برای متقین

پس آنان که از آتش دوزخ به خداوند پناه می برند و از او نجات و خلاصی از آن را خواستار هستند، باید توجه به صفات فوق داشته و سرمشق عملی زندگی خود قرار دهند.(۱)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- اگر شب زنده دار هم هستید، مغرور نشوید. «والّذین یقولون ...»

۲- یاد معاد از ویژگی های بندگان خاصّ خداست.

«ربّنا اصرف عنا عذاب جهنّم»

۳- بندگان خاصّ خداوند، بیش از آنکه طمع بهشت داشته باشند، از آتش دوزخ خوف دارند. «یبیّتون... یقولون ربّنا اصرف عنا عذاب جهنّم»

الهی اگر بخواهم شرمسارم و اگر نخواهم گرفتار.

۱- -]تفسیر نمونه[

«دید وسیع و همت بلند»

«...رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّیّاتِنا قُرَّهَ أَعْیُنٍ وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقینَ إِماما» }فرقان/۷۴{

پروردگارا! به ما از ناحیه ی همسران و فرزندانمان مایه ی روشنی چشم عطا کن و مارا پیشوای پرهیزگاران قرار ده.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- انسان در برابر همسر و فرزند و نسل خود متعهّد است و باید برای عاقبت نیکوی آنها تلاش و دعا کند. «ربّنا هب لنا من ازواجنا...»

۲- در تربیت علاوه بر علم وتلاش باید از خدا نیز کمک خواست.

«ربّنا هب لنا...»

۳- فرزند صالح، نور چشم است. «قرّه اعین»

۴- تشکیل خانواده وداشتن همسر و فرزند و دعا برای بدست آوردن آنها، مورد توجّه اسلام است. «ربّنا هب لنا...»

۵- در دست گرفتن مدیریّت جامعه، آرزوی عبادالرحمن است، زیرا عهده دار شدن امامت و رهبری متّقین، ارزش است. «واجعلنا للمتّقین اماما»

۶- در دعا به حداقل اکتفا نکنید، بلند همّت باشید. «واجعلنا للمتّقین اماما» (خدایا ما را در رسیدن به کمال، رهبر متّقین قرار ده، نه آنکه تنها از متّقین باشیم)

ص: ۱۲۷

۷- بندگان خدا، وحدت هدف و وحدت کلمه دارند. «اماماً» و نفرمود: «ائمّةً». (ممکن است کلمه «امام» به جای «ائمّه»، رمز آن باشد که در جامعه اسلامی رهبر باید یک نفر باشد)

الهی تو خود بزرگی و بر همه دست داری.مرا بزرگ آفریدی و بر همه دست دادی،

باری از بزرگ آنچنان بزرگ اینچنین پدید آید.

ص: ۱۲۸

«همراهی با صالحان»

«رَبِّ هَبْ لی حُکْماً وَ أَلْحِقْنی بِالصَّالِحینَ ... وَ لَا تخْزِنی یَوْمَ یُبْعَثُون» }شعراء/۸۳...۸۷{

پروردگارا! به من حکمت و دانش مرحمت فرما و مرا به صالحان ملحق کن! ... و روزی که همه مبعوث می شوند مرا خوار مگردان.

نکته ها

تذکر: نکته ها و درسها مربوط به آیات ۸۳ تا ۸۵ و ۸۶ تا ۸۹ سوره ی شعراء می باشد.

کلمه ی «حُکم» می تواند به معنای حکومت و سرپرستی و تدبیر امور باشد و یا به معنای دانش و معرفت. البتّه «حُکم» معنایی برتر از حکمت دارد، زیرا حکمت تنها قدرت تشخیص حقّ از باطل است و حُکم آگاهی همراه با آمادگی برای اجرای حقّ است.(۱)

سعادت انسان در چند جمله خلاصه می شود که در دعای حضرت ابراهیم آمده است:

الف: شناخت خداوند و معرفت درونی نسبت به او. «هَب لی حُکماً»

ب: حضور در جامعه ی صالح. «اَلحِقنی بالصالحین»

ج: نام نیک در تاریخ. «لسان صِدقٍ فی الاخرین»

ص: ۱۲۹

۱- -]تفسیر نمونه[

د: رسیدن به بهشت ابدی. «ورثه جنّه النّعیم»

در آیه ی ۱۰۸ سوره ی صافّات که ماجرای ذبح اسماعیل مطرح شده است می فرماید: «و تَرَکنا علیه فی الآخرین» یعنی قربانی در مراسم حج را یک سنّت واجب قرار دادیم و به خاطر تسلیم بودن ابراهیم، نام نیک برای او به جای گذاشتیم و این گونه دعایش را که می گفت: «واجعل لی لسان صدق فی الآخرین»، مستجاب کردیم.

در آیه ی ۵۰ سوره ی مریم نیز به دنبال نام حضرت ابراهیم و اسحاق و یعقوب می فرماید: «و جَعلنا لهم لسان صِدق عَلیّاً» ما نام بلند و نیکو برای آنان قرار دادیم. حضرت علی فرمود: نام نیک، از دارایی و سرمایه بهتر است.(۱)

در روایات از لسانِ صدق و یادگار نیک، به وجود مبارک حضرت محمّد و علی تعبیر شده است.(۲) بعضی سخن پیامبر اکرم را که فرمود: «أنَا دَعوه أبی ابراهیم» یعنی من اثر دعای پدرم ابراهیم هستم. دلیل این نکته دانسته اند. بنابراین مراد از لسانِ صدق در آیندگان، انبیایی از نسل او هستند که مکتب توحیدی را زنده نگاه داشته اند و این آرزو با مقام پیامبری همچون ابراهیم، تناسب بیشتری دارد.

در روایات می خوانیم: هر گاه انسان از دنیا رفت، پرونده ی اعمالش بسته می شود مگر کسی که صدقه ی جاریه ای به جای گذاشته باشد. مانند: وقف یا

۱- -]تفسیر نورالثقلین[

۲- -]تفسیر کنزالدقائق[

کتاب مفیدی که از او به جای مانده باشد و یا فرزند صالحی که برای او دعا کند.(۱)

پیامبراکرم در نمازش این دعا را می خواند: «اللّهم لاتخزنی یوم القیامه» پروردگارا! مرا در قیامت خوار و رسوا مکن.(۲)

سؤال: در روایات می خوانیم: انفاق مال و صدقه ی جاریه و اولاد صالحی که برای والدین دعا کنند، برای قیامت انسان مفید هستند، پس رابطه ی آیه ی «لایَنفع مال و لابَنون» با این روایات چیست؟

پاسخ: مراد این آیه، مال و فرزندی است که در خط الهی قرار نگیرند.

بنابراین دنیا مانند کلیدی است که با حرکتی درب را قفل و با حرکت دیگری درب را باز می کند. مال حلال در دست افراد صالح، سبب قرب ودر دست ناهلان سبب گناه می شود.

مال را کز بهر دین باشی حَمول نع–م مالٌ صالحٌ گفت آن رسول

چیست دنیا از خدا غافل ش–دن نی قُماش و نق–ره وفرزند و زن

آب در کشتی هلاک کشتی است آب در بیرون کشتی، پشتی است(۳)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱– انسان برای رسیدن به کمالات بایداز خداوند استمداد کند. «ربّ هَب لی...»

۲– استمداد از نام «ربّ»، در استجابت دعا مؤثّر است. «ربّ»

۱– –]وسائل/ ج ۶/ ص ۲۹[

۲– –]تفسیر فرقان[

۳– –]بیان السعاده[

۳- حکمت و بینش همراه با عمل، هدیه ی الهی است. «هَب لی حُکما»

۴- قبل از درخواست جدید از خداوند، از نعمت های قبلی نامی ببرید و از او تشکّر کنید. «خَلَقنی- یَهدین- یَشفین- یَسقین- و... ربّ هَب لی»

۵- اگر حکمت باشد، ولی دوستان انسان نااهل باشند، حکمت کارایی ندارد. «هَب لی حُکما و ألحقنی»

۶- اگر دید و بینش و تفکّر صحیح بود، رفتار و گفتار و نیّت هم صحیح می شود. (حکمت به معنای دید و فهم و نظر صحیح است). «حُکماً»

۷- حکمت نظری، به تنهایی مفید و نجات بخش نیست. حکمت باید با عمل همراه باشد. «هَب لی حُکما و ألحقنی بالصّالحین»

۸- برخورداری از حکمت و معرفت در درون و زندگی در جامعه ی صالحان و صالح بودن، بالاترین درجه ی سعادت است. «حُکماً و ألحقنی بالصّالحین»

۹- حکمت وشناخت وبینش، بر عمل مقدّم است. «هب لی حُکما و ألحقنی»

۱۰- بهترین دعا را از بهترین افراد بیاموزیم. (بهترین افراد، انبیا هستند و یکی از بزرگ ترین انبیا حضرت ابراهیم است که در دعا از خداوند مغفرت، حکمت، نام نیک و حسن عاقبت می خواهد و در آیات دیگر از خداوند، فرزندان خوب و پیروان مسلمان درخواست می کند).

۱۱- حکومت خواهی برای انجام احکام الهی، مطلوب است. «هَب لی حُکما»(۱)

۱۲- هم انزوا ممنوع است و هم جذب نااهلان شدن. «ألحقنی بالصّالحین»

ص: ۱۳۲

۱- -]تفسیر صافی[

۱۳- پیش کسوتان صالح را ارج نهیم. «ألحِقنی بالصّالحین» (نفرمود: از صالحین باشم، بلکه فرمود: به آنان ملحق شوم. زیرا مقام سابقین برتر است).

۱۴- جامعه ای ارزش دارد که افرادش صالح باشند. «ألحِقنی بالصّالحین»

۱۵- انسان به رفیق خوب محتاج است. «و ألحِقنی بالصّالحین»

۱۶- بقای نام در دعاها و یادگار نیک را از خداوند بخواهیم. «واجعَل لی»

۱۷- ستایشی ارزش دارد که صادقانه باشد، نه از روی تملّق. «لسان صدق»

۱۸- انسان، بعد از مرگ نیز از دعای خیر دیگران و سنّت های حسنه ای که بنا نهاده بهره مند می شود. «لسان صِدق فی الآخرین»

۱۹- محبّت و دعا درباره ی بستگان، همراه با نهی از منکر و انتقاد از اشتباهات آنان باشد. «قال لابیه و قومه ما تعبدون ... واغفر لابی»

۲۰- بیم و امید باید در کنار هم باشند.

«اَطمع أن یَغفر لی- لاتُخزِنی یوم یبعثون»

۲۱- انسان در هر مرحله ای که باشد نباید از قیامت غافل باشد. «لاتُخزِنی...»

۲۲- در قیامت، دیگران نیز از عیوب ما آگاه می شوند. «لا تُخزِنی» زیرا رسوایی در جایی است که دیگران از خصوصیّات رفتار و افکار ما آگاه شوند.

۲۳- خواری ورسوایی، از سخت ترین حالات در قیامت است. «لا تُخزِنی» حضرت ابراهیم از میان همه ی مشکلات روز قیامت، رسوا نشدن را مطرح می کند.

ص: ۱۳۳

۲۴- در قیامت، تحقیر و خواری و خزیان، بدتر از عذاب دوزخ است. «لا تُخزِنی» در جای دیگر می خوانیم: «انّک مَن تُدخل النّار فقد اَخزیتَه»(۱)

۲۵- آنچه در دنیا ارزش است، در آخرت بی ارزش می شود. «لا ینفع مال ولا بنون» «مال» جلوه ی مسائل مادّی و «بَنُون» (فرزندان) جلوه ی مسائل عاطفی است، یعنی در قیامت مال و فرزند و مقام و شهرت و مدرک و... نجاتبخش نیست.

الهی هشیار را با بستر و بالین چه کار و مست را با دین و آیین چه کار.

۱- - (آل عمران/ ۱۹۲)

«نام نیک و وراثت بهشت»

(رب) «وَ اجْعَلْ لی لِسانَ صِدْقٍ فِی الْآخِرین * وَ اجْعَلْنی مِنْ وَرَثَهِ جَنَّهِ النَّعیم» }شُعراء/۸۴، ۸۵{

پروردگارا! و در میان آیندگان نام نیکی برای من قرار بده. و مرا از وارثان بهشت پر نعمت قرار ده.

نکته ها

در آیه ی ۱۰۸ سوره ی صافّات که ماجرای ذبح اسماعیل مطرح شده است می فرماید: نام نیک برای او به جای گذاشتیم و این گونه دعایش را که می گفت: «واجعل لی لسان صدق فی الآخرین»، مستجاب کردیم.

در آیه ی ۵۰ سوره ی مریم نیز به دنبال نام حضرت ابراهیم و اسحاق و یعقوب می فرماید: «و جَعلنا لهم لسان صِدق عَلیّاً» ما نام بلند و نیکو برای آنان قرار دادیم.

حضرت علی فرمود: نام نیک، از دارایی و سرمایه بهتر است.(۱)

در روایات از لسانِ صدق و یادگار نیک، به وجود مبارک حضرت محمّد و علی تعبیر شده است.(۲) بعضی سخن پیامبر اکرم را

۱- -]تفسیر نورالثقلین[

۲- -]تفسیر کنزالدقائق[

که فرمود: «أنَا دَعوه أبی ابراهیم» یعنی من اثر دعای پدرم ابراهیم هستم. دلیل این نکته دانسته اند. بنابراین مراد از لسانِ صدق در آینـدگان، انبیایی از نسل او هسـتند که مکتب توحیدی را زنده نگاه داشـته اند و این آرزو با مقام پیامبری همچون ابراهیم، تناسب بیشتری دارد.

در روایات می خوانیم: هر گاه انسان از دنیا رفت، پرونده ی اعمالش بسـته می شود مگر کسـی که صدقه ی جاریه ای به جای گذاشته باشد. مانند: وقف یا کتاب مفیدی که از او به جای مانده باشد و یا فرزند صالحی که برای او دعا کند.(۱)

در روایـات آمـده است: هر انسـانی در بهشت و دوزخ جایگـاهی دارد و هنگـامی که وارد دوزخ شود، خانه ی بهشتی او را به دیگران می دهند و آنان وارث می شوند.(۲)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- بقای نام در دعاها و یادگار نیک را از خداوند بخواهیم. «واجعَل لی»

۲- ستایشی ارزش دارد که صادقانه باشد، نه از روی تملّق. «لسان صدق»

۳- آیندگان را به حساب آوردید و قضاوت آیندگان را در نظر بگیرید. «لسان صِدقٍ فی الآخرین»

۴- اتفاق نظر یهود و نصارا و مسلمانان بر عظمت ابراهیم، نمونه ی استجابت دعای اوست. «لسان صِدقٍ فی الآخرین»

۱- -]وسائل/ ج ۶/ ص ۲۹۳[

۲- -]تفسیر نورالثقلین/ ج ۲/ ص ۳۱[

۵- انسان های بزرگ، هم محبوبیّت دنیوی می خواهند و هم سعادت اُخروی. «لسان صِدق فی الآخرین»

۶- انسان، بعد از مرگ نیز از دعای خیر دیگران و سنّت های حسنه ای که بنا نهاده بهره مند می شود. «لسان صِدق فی الآخرین»

۷- به طرح های کوتاه مدّت قناعت نکنیم. «لسان صدق فی الآخرین»

۸- نعمت های بهشتی، در برابر اعمال ما موهبتی بی رنج است. «ورثه جنّه النّعیم» زیرا ارث، به مالی گویند که بدون رنج و تلاش به دست آید.

الهی خوشا آنکه بر عهدش استوار است و همواره محو دیدار است.

ص: ۱۳۷

«روح و قلب پاک»

(رب) «وَ لا تُخْزِنی یَوْمَ یُبْعَثُون * یَوْمَ لا یَنْفَعُ مالٌ وَ لا بَنُون* إِلَّا مَنْ أَتَی اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلیم» }شُعراء/۸۷-۸۹{

(پروردگارا) و روزی که همه مبعوث می شونـد، مرا خوار مگردان. روزی که مـال و فرزنـدان برای انسـان نفعی ندارنـد. مگر کسی که با روح و قلب پاک به سوی خدا آید.

نکته ها

روحِ پاک، روحی است که از وابستگی به دنیا وآلودگی به شـرک، کفر، نفاق، تکبّر و همه ی امراض قلبی پاک باشد وچون خداوند درباره ی منافقان می فرماید: «فی قلوبهم مَرض» پس قلبِ سلیم، قلب مؤمن است.

در حدیث می خوانیم: قلب سلیم، قلبی است که در آن شرک نباشد.(۱)

پیامبراکرم در نمازش این دعا را می خواند: «اللّهم لاتخزنی یوم القیامه» پروردگارا! مرا در قیامت خوار و رسوا مکن.(۲)

سؤال: در روایات می خوانیم: انفاق مال و صـدقه ی جاریه و اولاد صالحی که برای والـدین دعا کننـد، برای قیامت انسان مفید هستند، پس رابطه ی آیه ی «لایَنفع مال و لابَنون» با این روایات چیست؟

ص: ۱۳۸

۱- -]تفسیر نورالثقلین[

۲- -]تفسیر فرقان[

پاسخ: مراد این آیه، مال و فرزندی است که در خط الهی قرار نگیرند.

بنابراین دنیا مانند کلیدی است که با حرکتی درب را قفل و با حرکت دیگری درب را باز می کند. مال حلال در دست افراد صالح، سبب قرب ودر دست ناهلان سبب گناه می شود.

مال را کز بهر دین باشی حَمول نع-م مالٌ صالحٌ گفت آن رسول

چیست دنیا از خدا غافل ش-دن نی قُماش و نق-ره وفرزند و زن

آب در کشتی هلاک کشتی است آب در بیرون کشتی، پشتی است(۱)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- بند و بست های دنیوی در قیامت بی اثر است و جز قلب پاک، هیچ چیز کارایی ندارد. «خَطیئتی یوم الدّین ... قلب سلیم»

۲- بیم و امید باید در کنار هم باشند. «اَطمع أن یَغفر لی- لاتُخزِنی یوم یبعثون»

۳- انسان در هر مرحله ای که باشد نباید از قیامت غافل باشد. «لاتُخزِنی...»

۴- در قیامت، دیگران نیز از عیوب ما آگاه می شوند. «لا تُخزِنی» زیرا رسوایی در جایی است که دیگران از خصوصیّات رفتار و افکار ما آگاه شوند.

۵- خواری ورسوایی، از سخت ترین حالات در قیامت است. «لا تُخزِنی» حضرت ابراهیم از میان همه ی مشکلات روز قیامت، رسوا نشدن را مطرح می کند.

۱- -]بیان السعاده[

۶- در قیـامت، تحقیر و خواری و خزیـان، بـدتر از عـذاب دوزخ است. «لا تُخزِنی» در جای دیگر می خوانیم: «انّکَ مَن تُـدخل النّار فقد اَخزیتَه»(۱)

۷- بعضـی چیزهـایی که در دنیا ارزش است، در آخرت بی ارزش می شود. «لاینفع مال ولابنون» «مال» جلوه ی مسائل مادّی و «بَنُون» (فرزندان) جلوه ی مسائل عاطفی است، یعنی در قیامت مال و فرزند و مقام و شهرت و مدرک و... نجاتبخش نیست.

الهی نور برهانم داده ای نار وجدانم هم بده.

ص: ۱۴۰

۱- - (آل عمران/ ۱۹۲)

«نجات از شرور»

«رَبِّ نَجِّنی وَ أَهْلی مِمَّا یَعْمَلُون» }شعراء/۱۶۹{

پروردگارا! من و کسان مرا از (شرّ) آنچه انجام می دهند رهایی بخش.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- محیط آلوده برای مردان خدا قابل تحمّل نیست؛ اگر از اصلاح محیط مأیوس شدند، حداقل خود را از آنجا نجات می دهند. «نجّنی»

۲- بزرگان جامعه باید به فکر خاندان و یاران خود باشند. «نجّنی و اهلی»

۳- دعای انبیا مستجاب است. «ربّ نجّنی- فنجّیناه»

۴- زن، در انتخاب راه وابسته به شوهر نیست. «الاّ عجوزاً» (زن لوط راه انحرافی را برگزیده بود)

الهی تا حال تو را پنهان می پنداشتم و حال جز تو را پنهان میدانم.

ص: ۱۴۱

«لغزش های غیرعمدی»

«...رَبِّ إِنِّی ظَلَمْتُ نَفْسی فَاغْفِرْ لی فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحیمُ» }قصص/۱۶{

پروردگارا! همانا من به خویشتن ستم کرده ام، پس مرابببخش، پس (خداوند) او را آمرزید به درستی که او آمرزنده ی مهربان است.

نکته ها

سؤال: جمله ی «ظَلمتُ نَفسی» به خودم ظلم کردم، از زبان کسی که به پیامبری می رسد چه معنایی دارد؟

پاسخ: مراد از ظلم به خود در اینجا، گرفتار شدن به آثار اجتماعی قتل غیر عمد است، نه گناه، تا با مقام عصمت منافات داشته باشد. زیرا خداوند، موسی را مخلَص می داند؛ «اِنّه کانَ مُخلَصاً»(۱) و کسی که به این درجه نائل گردید دیگر گناه نمی کند، زیرا شیطان اقرار کرده که قدرت نفوذ در مخلصین را ندارد. «فَبِعزّتِک لأُغویّنّهم اَجمَعین . اِلّا عبادکَ منهُم المخلَصین»(۲)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- در دعا، خداوند را با کلمه مبارکه ی «ربّ» بخوانیم. «قال ربّ»

۱- - (مریم/ ۵۱)

۲- - (ص/۸۲-۸۳)

۲- هر چند کار خلاف، عمدی نباشد ولی نباید از آثار طبیعی و وضعی آن غافل بود. «ظَلمتُ نفسی» (حضرت موسی به قصد نجات یک مؤمن وارد صحنه شد و ناخواسته مرتکب قتل گردید و در واقع گناهکار به حساب نمی آمد؛ امّا این عمل، کار او را دشوار کرد و این یک آفت بود.)

۳- افراد صالح حتّی در برابر کجی های غیر عمدی نیز بلافاصله استغفار می کنند و از تبعات آن دوری می گزینند. «فاغفرلی»

(حضرت موسی با استغفار خود چند چیز را از خداوند درخواست کرد، هم محو آثار اجتماعی کار خود را، هم برطرف شدن نگرانی از آینده را و هم دفع توطئه های انتقام جویانه ی فرعونیان را.)

۴- دعای انبیا مستجاب است. «فَغَفرلَه»

الهی از سجده کردن شرمسارم و سر از سجده برداشتن شرمسارتر.

ص: ۱۴۳

«استمداد از خداوند در همه حالات»

«رَبِّ نَجِّنی مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمین» }قصص/۲۱{

پروردگارا! مرا از (دست) این گروه ستمگر نجات ده.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- زندگی انبیا غالباً با آوارگی و سختی همراه بوده است. «فخَرَج» (با توجه به آیه اول)

۲- سعی و همّت خود را بکار بریم؛ ولی نتیجه را از خداوند بخواهیم. «فخَرَج- قال رَبّ نَجّنی»

۳- دعا باید با تلاش و حرکت همراه باشد. «فخَرَج منها- قال رَبّ نَجّنی»

۴- رهبران الهی، در همه حالات از خداوند استمداد می کنند.

«ربّ نَجّنی من القوم الظالمین»

«ربّ اِنّی ظَلمتُ نفسی فاغفرلی»(۱)

«ربّ بما أنعمتَ علّی فلن أکونَ ظهیراً للمجرمین»(۲)

و «ربّ انّی لما أنزلتَ الیّ من خیر فَقیر»(۳)

الهی نعمت ارشادم عطا فرموده ای توفیق شکر آن را هم مرحمت بفرما.

ص: ۱۴۴

۱- - (قصص / ۱۶)

۲- - (قصص / ۱۷)

۳- - (قصص / ۲۴)

«درخواست همه چیز از خداوند»

«رَبِّ إِنِّی لِما أَنْزَلْتَ إِلَیَّ مِنْ خَیْرٍ فَقیر» }قصص/۲۳،۲۴{

پروردگارا! همانا من به هر خیری که تو برایم بفرستی نیازمندم.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- خدمت به مردم را خالصانه انجام دهیم و حل مشکلات خود را از خداوند بخواهیم. «فسقی لهما- ربّ انّی»

(موسی گوسفندان آن دو دختر را سیراب کرد، ولی برای رفع گرسنگی خود به جای استمداد از آنان، از خدا کمک طلبید.)

۲- همه چیز را از خداوند درخواست نماییم.

«ربّ انّی لما انزلت الیّ من خیر فقیر»

۳- در دعا، برای خداوند تکلیف و مصداق معیّن نکنیم. «ربّ انّی لما انزلت الیّ من خیر فقیر» (حضرت موسی با این که گرسنه بود؛ ولی از خدا، مصداقی از نان و غذا طلب نکرد.)

الهی هر چه پیش آمد خوش آمد که مهمان سفره توایم.

ص: ۱۴۵

«سایه ی رحمت»

«...رَبِّ أَوْزِعْنی أَنْ أَشْکُرَ نِعْمَتَکَ الَّتی أَنْعَمْتَ عَلَیَّ وَ عَلی والِدَیَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صالِحاً تَرْضاهُ وَ أَدْخِلْنی بِرَحْمَتِکَ فی عِبادِکَ الصَّالِحین» }نمل/۱۹{

پروردگارا! به من الهام کن (و توفیق ده) که نعمتی که به من و به والدینم بخشیده ای شکر کنم و عمل صالحی که آن را می پسندی انجام دهم و در سایه ی رحمت خود، مرا در زمره ی بندگان شایسته ات وارد کن.

نکته ها:

کلمه ی «ایزاع» بالاتر از توفیق و چیزی شبیه الهام است، نظیر آیه ی «و اوحینا الیهم فعل الخیرات»(۱) یعنی ما انجام کارهای خیر را به انبیا الهام کردیم.(۲)

کار صالح به تنهایی کافی نیست، ورود در گروه صالحان مهم است، زیرا:

گاهی کار، صالح است، ولی فرد از نظر نفسانی صالح نیست و گرفتار ریا، سُمعه، غرور، عُجب و حَبط می شود.

گاهی کار صالح است، ولی عاقبت انحرافی پیش می آید و شخص عاقبت به خیر نمی شود.

گاهی کار صالح است، ولی یک نوع تک روی در آن است و شخص حاضر نیست با بندگان خدا همراه باشد. «اعمل صالحا ... فی عبادک الصالحین»

ص: ۱۴۶

۱- - (انبیاء/ ۷۳)

۲- -]تفسیر المیزان[

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- دعا، مخصوص هنگام اضطرار نیست؛ انبیا در اوج عظمت و قدرت دعا می کردند. «ربّ»

۲- توفیق شکرگزاری را از خدا بخواهیم. «ربّ اوزعنی أن اشکر»

۳- انسان در برابر نعمت هایی که تاکنون به او رسیده باید شکر کند و در برابر مسئولیّت آینده باید به فکر عمل صالح و جلب رضای خدا و ملحق شدن به نیکان باشد. «اشکر- اعمل صالحا ...»

۴- فرزندان، هم باید در مقابل نعمت هایی که خداوند به آنان داده شکر کنند و هم در مقابل نعمت هایی که به والدین آنان داده است. «علیّ و علی والدیّ»

۵- شکر خدا تنها با زبان نیست، عمل صالح و استفاده ی صحیح از نعمت ها نیز شکر الهی است. «اشکر... اعمل صالحا»

۶- کار، به شرطی نیک است که خداپسند باشد. «صالحاً ترضاه»

۷- کار نیکی ارزش دارد که رضای خدا را جلب کند، نه فقط رضای مردم را. «صالحاً ترضاه»

۸- عالی ترین مقصد در حکومت صالحان، رضای خداست. «ترضاه»

۹- انبیا نیز به امداد الهی نیاز دارند. «اوزعنی... ادخلنی»

۱۰- زندگی در جامعه صالح ارزش است، نه زندگی در میان مردم ناصالح، آن هم به خاطر رفاه یا درآمد و لذّت. «ادخلنی... فی عبادک الصالحین»

۱۱- برخورداری از امکانات، و قدرت امروز خود را نشانه ی رسیدن به رحمت الهی ندانید و برای رشد و تعالی خود دعا کنید. «و ادخلنی»

ص: ۱۴۷

۱۲- امکانات انسان، نتیجه ی کار او نیست بلکه از رحمت الهی سرچشمه می گیرد. «برحمتک»

۱۳- هر کس، در هر شرایطی باید به رحمت الهی متوسّل شود، حتّی پیامبران.«برحمتک»

۱۴- تکروی، ممنوع. «و ادخلنی برحمتک فی عبادک الصالحین»

الهی نه خاموش میتوان بود و نه گویا در خاموشی چه کنیم در گفتن چه گوییم.

ص: ۱۴۸

«فرزندصالح»

«رَبِّ هَبْ لی مِنَ الصَّالِحین» }صافات/۱۰۰{

پروردگارا! (فرزندی) از گروه صالحان به من ببخش.

نکته ها:

انبیا و فرشتگان دعاهای خود را با «ربّنا» و «ربّ» آغاز می کردند:

دعای حضرت آدم: «ربّنا ظلمنا انفسنا»(۱)

دعای حضرت نوح: «ربّ اغفرلی ولوالدی»(۲)

دعای حضرت ابراهیم: «ربّ اجعل هذا بلداً آمنا»(۳)

دعای حضرت یوسف: «ربّ قد آتیتنی من الملک»(۴)

دعای حضرت موسی: «ربّ بما أنعمت علیّ من خیر فقیر»(۵)

دعای حضرت سلیمان: «ربّ أوزعنی ان اشکر نعمتک»(۶)

دعای حضرت عیسی: «ربّنا أنزل علینا مائده»(۷)

۱- - (اعراف/ ۲۳)

۲- - (نوح/ ۲۸)

۳- - (بقره/ ۱۲۶ - ۱۲۸)

۴- - (یوسف/ ۱۰۱)

۵- - (قصص/ ۲۴)

۶- - (نمل/ ۱۹)

۷- - (مائده/ ۱۱۴)

دعای حضرت رسول : «ربّ أعوذ بک من همزات الشیاطین»(۱)

دعای مؤمنان: «ربّنا ما خلقت هذا باطلا فقنا عذاب النار»(۲)

دعای فرشتگان در این آیه که می گویند: «ربّنا و ادخلهم جنّات»

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- اولاد صالح، هبه ی الهی و یکی از دعاهای انبیاست.

«هب لی من الصالحین»

۲- آن چه باید در فرزند محور باشد، صالح بودن است نه امور دیکر.

«هب لی من الصالحین»

۳- فرزند صالح، بهترین یاور در مسیر حرکت خانواده به سوی خداست.

«ذاهب الی ربّی... ربّ هب لی من الصالحین»

الهی قاسم که تویی کسی محروم و مغبون نیست.

۱- - (مؤمنون/ ۹۷)

۲- - (آل عمران/ ۱۹۱ - ۱۹۴)

«دعای فرشتگان»

«...رَبَّنا وَسِعْتَ کُلَّ شَیْ ءٍ رَحْمَهً وَ عِلْماً فَاغْفِرْ لِلَّذینَ تابُوا وَ اتَّبَعُوا سَبیلَکَ وَ قِهِمْ عَذابَ الْجَحیمِ» }غافر/۷{

پروردگارا! رحمت و علم تو همه چیز را فراگرفته است، پس کسانی را که توبه کرده و راه تو را پیروی کرده اند بیامرز و آنان را از عذاب دوزخ حفظ کن.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که: (با توجه به تمام آیه فوق)

۱- مؤمنان باید به خود بنازند که مقرّبان درگاه الهی همواره به آنان دعا می کنند. «یحملون العرش و یستغفرون»

۲- اسلام، فکر انسان را از خوراک و پوشاک و مسکن، به عرش و فرشته و تسبیح و تحمید بالا می برد. «یحملون العرش- یسبّحون»

۳- بی نهایت، تنها خداست، حتّی عرش الهی محدودیّت دارد. «حوله»

۴- حمد و تسبیح، بارها در قرآن در کنار هم ذکر شده است و در ذکر رکوع و سجود قرین یکدیگرند. «یسبّحون بحمد ربّهم»

۵- از آداب دعا این است: ابتدا تسبیح و تحمید، «یسبحون بحمد ربّهم» سپس تجلیل و توصیف، «وسعت کل شی ء رحمه و علما» آن گاه دعا. «فاغفر»

(با توجه به آیه اول)

ص: ۱۵۱

۶- سنگینی مسئولیّت، شما را از تسبیح و تحمید خدا و یاد نیازمندان باز ندارد. فرشتگان حامل عرش، هم به یاد خدا هستند، «یسبّحون بحمد ربّهم» و هم محتاجان را دعا می کنند. «یستغفرون للذّین آمنوا»

۷- ایمان، رشته اتصال و ارتباط میان عالم ملک با عالم ملکوت است. «یؤمنون به و یستغفرون للذّین آمنوا»

۸- استغفار کسانی در حقّ دیگران مؤثّر است که خود اهل ایمان باشند. «یؤمنون به و یستغفرون للذّین آمنوا»

۹- میان فرشتگان و انسان رابطه است. (امام سجّاد در صحیفه ی سجّادیه به گروه هایی از فرشتگان دعا و درود می فرستد و) فرشتگان حامل عرش در این آیه به انسان ها درود می فرستند. «یستغفرون للذّین آمنوا»

۱۰- دعا به دیگران، یک ارزش پسندیده و شناخته شده ی قرآنی است.

«و یستغفرون للذّین آمنوا»

۱۱- کسانی مشمول دعای فرشتگانند که اهل ایمان و عمل باشند.

«آمنوا... اتبعوا»

۱۲- توبه به تنهایی کافی نیست، پیروی عملی لازم است. «تابوا و اتبعوا»

۱۳- راه نجات، در پیروی از راه خداست.

«و اتبعوا سبیلک و قهم عذاب الجحیم»

آن که معاش مادی را وسیله مقامات معنوی نگیرد، سخت در خطاست.

ص: ۱۵۲

«دعا برای دیگران»

«رَبَّنا وَ أَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتی وَعَدْتَهُمْ وَ مَنْ صَلَحَ مِنْ آبائِهِمْ وَ أَزْواجِهِمْ وَ ذُرِّیَّاتِهِمْ إِنَّکَ أَنْتَ الْعَزیزُ الْحَکیم* وَ قِهِمُ السَّیِّئاتِ وَ مَنْ تَقِ السَّیِّئاتِ یَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَ ذلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظیمُ» }غافر/۸ و ۹{

پروردگارا! و آنان را با هر کس از پدران و همسران و فرزندانشان که صلاحیّت دارند به باغ های اقامتی که به ایشان وعده داده ای وارد کن؛ همانا تو همان خدای عزیز و حکیمی. (پروردگارا!) آنان را از بدی ها (و کیفر اعمالشان) حفظ کن و هر کس را در آن روز از بدی ها حفظ کنی، پس مشمول رحمتت ساخته ای؛ و این همان رستگاری بزرگ است.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- مشمول دعای اولیای خدا شدن، صلاحیّت لازم دارد. «ادخلهم... و من صلح»

۲- نجات از دوزخ کافی نیست؛ ورود به بهشت ارزش دارد. «قهم عذاب الجحیم- ادخلهم جنات»

۳- اول پاکی از بدی ها، سپس دریافت کمالات. «قهم- ادخلهم»

۴- ورود به بهشت، صلاحیّت می خواهد. «ادخلهم جنات... و من صلح»

ص: ۱۵۳

۵- رابطه بدون لیاقت و صلاحیّت ارزش ندارد ولی در کنار ضابطه ارزش افزوده دارد. (صلاحیّت داشتن ضابطه و قانون است و ملحق شدن به بستگان رابطه است.) «من صلح من اباءهم»

۶- خداوند، قدرت بر اعطا دارد ولی عطای او حکیمانه است. «العزیز الحکیم»

۷- همجواری و همزیستی بستگان یک نعمت الهی است. «ادخلهم و من صلح...»

۸- عزّت مخصوص خداست. «انّک انت العزیز»

۹- پاک بودن، هم به همت و اراده ی انسان نیاز دارد، «نهی النفس عن الهوی»(۱) و هم به دور بودن از افراد و مشاغل و مکان ها و افراد بد، «اعرض عنهم»(۲)، «فلا تقعدوا معهم»(۳) و هم به لطف و امداد الهی. «و قهم السئیات»

۱۰- رحمت الهی، تنها کامیابی مادی نیست، بیمه شدن از گناهان، یکی از آنهاست. «و مَن تق السّیئات یومئذ فقد رحمته»

۱۱- رستگاری بزرگ، در صورتی است که انسان از آفات معنوی و مادی، هر دو دور باشد. «السّیئات». هم آفات معنوی سیّئه است. «مَن کسب سیّئه»(۴) و هم

۱- - (نازعات/ ۴۰)

۲- - (مائده/ ۴۲)

۳- - (نساء/ ۱۴۰)

۴- - (بقره/ ۸۱)

آفات مادی. «و اِن یصبکم سیئه یفرحوا بها»(1) چنانکه حسنه، هم مصداق دنیوی دارد و هم اُخروی. «ربّنا آتنا فی الدنیا حسنه و فی الآخره حسنه»(2)

12- توفیق مصونیّت از گناه را باید از خدا خواست. «و قهم السیئات»

13- رستگاری را هنر خود ندانیم بلکه لطف و رحمت او بدانیم. «فقد رحمتَه و ذلک هو الفوز العظیم»

14- رستگاری، در رفاه دنیوی نیست بلکه در تقواست. «مَن تق السیئات... ذلک هو الفوز العظیم»

الهی خفتگانرا نعمت بیداری ده و بیدارانرا توفیق شب زنده داری و گریه و زاری.

1- - (آل عمران/ 120)

2- - (بقره/ 201)

«شکر نعمت ها (والدین)»

«رَبِّ أَوْزِعْنی أَنْ أَشْکُرَ نِعْمَتَکَ الَّتی أَنْعَمْتَ عَلَیَّ وَ عَلی والِدَیَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صالِحاً تَرْضاهُ وَ أَصْلِحْ لی فی ذُرِّیَّتی إِنِّی تُبْتُ إِلَیْکَ وَ إِنِّی مِنَ الْمُسْلِمینَ» }احقاف/۱۵{

پروردگارا! مرا توفیق ده تا نعمتی را که بر من و بر پدر و مادر من لطف کردی، شکرگزاری کنم و عمل شایسته ای انجام دهم که تو آن را بپسندی و فرزندانم را برای من صالح و شایسته گردان، همانا من به سوی تو بازگشته و از تسلیم شدگانم.

نکته

احسان به والدین، از جایگاه ویژه ای نزد خداوند برخوردار است. در قرآن، پنج بار کلمه «وصّینا» بکار رفته که سه بار آن مربوط به والدین است.(۱)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که: (با توجه کل آیه)

۱- سفارش احسان به والدین، در طول تاریخ و تمام ادیان بوده است. («وصّینا» در قالب ماضی آمده است)

۲- احسان به والدین، از حقوق انسانی است که هر پدر و مادری بر گردن فرزندشان دارند. «وصّینا الانسان» (نفرمود: «وصینا الّذین آمنوا»)

۳- در احسان به والدین، مسلمان بودن آنان شرط نیست.

۱- - (عنکبوت/ آیه ۸، لقمان/ آیه ۱۴ و همین آیه)

«وصّینا الانسان بوالدیه»

۴- استحکام بنیاد خانواده و حفظ جایگاه والدین، مورد توجّه خاص خداوند است. «وصّینا الانسان بوالدیه احساناً»

۵- نه تنها انفاق و امداد و احترام، بلکه هر نوع نیکی نسبت به والدین لازم است. («احساناً» به صورت نکره آمده که شامل هر نوع احسانی شود.)

۶- احسان به والدین باید پیوسته و برجسته باشد، نه به مقدار ضرورت و مقطعی. (تنوین در «احساناً» نشانه ی عظمت و برجستگی است.)

۷- توجّه به سفارش اکید خداوند به زحمات گذشته والدین، احسان و خدمت کردن به آنان را عاشقانه و جدی تر می کند. «وصّینا الانسان... حملته امّه»

۸- کمال احسان به والدین، در آن است که بی واسطه انجام گیرد. «بالوالدین احسانا» (حرف «ب» در «بالوالدین» نشانه آن است که احسان به والدین با دست خود باشد.)

۹- یاد رنج و زحمت های مادران، در برانگیختن عاطفه فرزندان مؤثّر است. «حملته امّه کُرهاً... کرها...»

۱۰- حق مادر بیش از پدر است. پس از کلمه «والدین»، سخن از رنجهای مادر است. «حملته امّه کُرهاً...»

۱۱- تمام دستورات و اوامر و نواهی دینی، دلیل و فلسفه دارند. (گرچه دلیل بعضی از آنها مانند احسان به والدین، بیان شده است). «وصّینا... حملته امّه کُرهاً...»

۱۲- چهل سالگی قلّه توانمندی و رشد انسان است. «بلغ اشدّه و بلغ اربعین سنه»

۱۳- شکر الهی، به استمداد و توفیق خداوند نیاز دارد. «أوزعنی أن اشکر نعمتک»

ص: ۱۵۷

۱۴- بخشی از نعمت های انسان، به واسطه والدین و نیاکان است. «انعمت علیّ و علی والدیّ»

۱۵- بلوغ جسمی و کمال عقلی، بستر بلوغ معنوی است. «بلغه اشده و بلغ أربعین سنه قال ربّ...»

۱۶- تشکّر فرزند از نعمت هایی که خداوند به والدین او داده، وظیفه و نوعی احسان به والدین است. «اشکر نعمتک... علی والدیّ»

۱۷- بهترین راه تشکر از نعمت های خداوند، انجام کار نیک است.

«أشکر نعمتک... أعمل صالحاً»

۱۸- ارزش عمل صالح به آن است که پیوسته و دائمی باشد. «ان اعمل صالحاً» (فعل مضارع «اعمل»، نشانه دوام و استمرار است)

۱۹- عمل صالحی ارزشمند است که خالصانه بوده و مورد قبول و رضای خدا قرار گیرد. «اعمل صالحاً ترضاه»

۲۰- فرزند و نسل صالح، افتخاری برای والدین است. «اصلح لی فی ذرّیتی»

۲۱- بهترین دعا آن است که انسان، هم به والدین و هم به فرزندان توجّه داشته باشد. «علی والدیّ... اصلح لی فی ذرّیتی»

۲۲- در برابر ناسپاسی هایی که نسبت به خدا و والدین داشته ایم، توبه و جبران کنیم. «و علی والدیّ... انّی تُبتُ الیک»

۲۳- تسلیم فرمان خدا زیستن و مسلمان مردن، دعای پاکان و صالحان است. «انّی تُبتُ الیک و انّی من المسلمین»

الهی خوابهای ما را تبدیل به بیداری بفرما. الهی آنکه سحر ندارد از خود خبر ندارد.

«طرح کمال و رشد»

«رَبَّنَا اغْفِرْ لَنا وَ لِإِخْوانِنَا الَّذینَ سَبَقُونا بِالْإِیمانِ وَ لا تَجْعَلْ فی قُلُوبِنا غِلًّا لِلَّذینَ آمَنُوا رَبَّنا إِنَّکَ رَؤُفٌ رَحیم» }حشر/۱۰{

پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما سبقت گرفته اند، بیامرز و در دل های ما کینه مؤمنان را قرار نده. پروردگارا! همانا تو رئوف و مهربانی.

نکته ها

در آیات ۸ تا ۱۰ سوره ی حشر به عوامل وحدت اشاره شده است که یادآوری آن مفید است:

۱. محبّت. «یحبّون من هاجر الیهم»

۲. ایثار. «و یؤثرون علی انفسهم»

۳. دعا. «ربّنا اغفر لنا... ربّنا»

۴. خدمت. «تبَوّءُو الدار»

۵. دوری از حرص و حسد. «لایجدون فی صدورهم حاجه مما اوتوا...»

۶. دوری از بخل. «یوق شحّ نفسه»

۷. اخوّت و برادری. «اغفر لنا و لاخواننا»

۸. سعه صدر و نداشتن کینه. «لاتجعل فی قلوبنا غلاّ للذین آمنوا»

بیش از دویست بار موضوع مغفرت و واژه های آن در قرآن مطرح شده است. هم خودمان باید استغفار کنیم و هم از اولیای خدا بخواهیم که برای ما استغفار

ص: ۱۵۹

کنند. «یا ابانا استغفر لنا»(۱) حتی فرشتگان برای مؤمنان استغفار می کنند. «و یستغفرون للذین آمنوا»(۲)

البتّه استغفار برای مشرکان و منافقان اثری ندارد. «سواء علیهم استغفرت لهم ام لم تستغفر لهم لن یغفر اللّه لهم»(۳)، «ما کان للنبیّ و الّذین آمنوا ان یستغفروا للمشرکین»(۴)

امّا عوامل مغفرت و بخشش الهی عبارتند از:

۱. اطاعت از رهبر آسمانی. «فاتّبعونی یحببکم اللّه و یغفر لکم ذنوبکم»(۵)

۲. تقوا. «ان تتقوا اللّه... یغفر لکم»(۶)

۳. عفو و گذشت از مردم. «و لیعفوا و لیصفحوا الا تحبون ان یغفر اللّه لکم»(۷)

۴. کلام مستدل و محکم. «قولوا قولا سدیداً... یغفر لکم»(۸)

۵. قرض الحسنه. «ان تقرضوا اللّه... یغفر لکم»(۹)

۶. توبه و استغفار. «و من یعمل سوءً أو یظلم نفسه ثمّ یستغفر اللّه یجد اللّه غفوراً رحیما»(۱۰)

۱- - (یوسف/۹۷)

۲- - (غافر/ ۷)

۳- - (منافقون/ ۶)

۴- - (توبه/ ۱۱۳)

۵- - (آل عمران/ ۳۱)

۶- - (انفال/ ۲۹)

۷- - (نور/ ۲۲)

۸- - (احزاب/ ۷۰ - ۷۱)

۹- [۹] (تغابن/ ۱۷)

۱۰- - (نساء/ ۱۱۰)

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- مکتب کامل مکتبی است که برای پیروان آینده خود نیز طرح کمال و رشد داشته باشد. «و الّذین جاءوا من بعدهم»

۲- برای جلوگیری از سوء تفاهم، ابتدا از لغزش های خود استغفار کنیم و سپس لغزشهای دیگران. «اغفر لنا و لاخواننا»

۳- مؤمن، مصونیت از گناه ندارد، ولی هرگاه گناهی مرتکب شد، بلافاصله استغفار می کند. «اغفر لنا و لاخواننا»

۴- دعای خیر برای گذشتگان، وظیفه آیندگان است. «و الّذین جاؤوا من بعدهم یقولون ربّنا اغفر... الّذین سبقونا بالایمان»

۵- تمام مسلمانان با هم برادرند و برای یکدیگر دعا می کنند. «اغفر لنا و لاخواننا الّذین سبقونا بالایمان»

۶- سابقه در ایمان، یک ارزش است. «سبقونا بالایمان»

۷- برادری واقعی، در پرتو ایمان است. «اخواننا الّذین سبقونا بالایمان»

۸- در اخوت و برادری دینی، زمان و مکان و نژاد مطرح نیست. «اخواننا الّذین سبقونا بالایمان»

۹- با دعای خیر، کینه ها را از دل دور کنیم. «ربّنا اغفر... لاخواننا... لاتجعل غلاً للذین آمنوا»

۱۰- مؤمن، بدخواه دیگران نیست. «لاتجعل فی قلوبنا غلاً للذین آمنوا»

۱۱- خودسازی بدون استمداد از خداوند نمی شود. «ربّنا... لاتجعل فی قلوبنا غلاً»

ص: ۱۶۱

۱۲- در اصلاحات باید به سراغ ریشه ها رفت. ریشه بسیاری از گناهان، کینه و حسادت ودشمنی است که باید ریشه کن شود. «لاتجعل فی قلوبنا غلاًّ»

۱۳- توجه به ربوبیت و رأفت و رحمت خداوند، از آداب و پشتوانه اجابت دعاهاست. «ربّنا اغفر... انّک رؤف رحیم»

الهی اگر از من پرسند کیستی چه گویم.

ص: ۱۶۲

«توکل و توبه»

«... رَبَّنا عَلَیْکَ تَوَکَّلْنا وَ إِلَیْکَ أَنَبْنا وَ إِلَیْکَ الْمَصیر»}ممتحنه/۴{

پروردگارا بر تو توکّل کردیم و به سوی تو انابه نمودیم و بازگشت ما به سوی تو است.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- توکّل داروی رفع نگرانی هاست. چون اعلام برائت آن هم با قاطعیّت و صراحت ممکن است آثار سویی را در پی داشته باشد، توکّل لازم است. «انّا برءآؤا منکم... علیک توکّلنا»

۲- هر کجا سخنی می گویید و تصمیمی از خود نشان می دهید، نفس خود را با یاد خدا مهار کنید. «انّا برءآؤا... کفرنا بکم، بدا بیننا و بینکم... ربّنا علیک توکّلنا، و الیک انبنا، و الیک المصیر»

۳- توکّل و انابه باید تنها به درگاه خدا باشد. «علیک توکّلنا و الیک انبنا» (کلمه «علیک» و «الیک» مقدّم بر «توکّلنا» و «انبنا» نشانه انحصار است).

۴- اولیای خدا، خود را مالک چیزی نمی دانند و به خود اجازه نمی دهند قانون الهی را عوض کنند. «لا ستغفرّن لک و ما أملک لک من اللّه من شی ء»

۵- مسیر تمام هستی و مسیر ما به سوی اوست. «الیک انبنا و الیک المصیر»

الهی در شگفتم از آنکه کوه را می شکافد تا بمعدن جواهر دست یابد و خویش را نمیکاود تا بمخزن حقائق برسد.

ص: ۱۶۳

«رمز عزت»

«...رَبَّنا لا تَجْعَلْنا فِتْنَهً لِلَّذینَ کَفَرُوا وَ اغْفِرْ لَنا رَبَّنا إِنَّکَ أَنْتَ الْعَزیزُ الْحَکیم» }ممتحنه/۵{

پروردگارا! ما را محنت کش کافران قرار مده و ما را بیامرز، پروردگارا! تو خود عزیز و حکیمی.

نکته ها

«فتنه» در لغت به معنای آشوب، امتحان، عذاب، بلا و آزار آمده است.

آزار مسلمانان، آزمایشی برای کفّار است تا خباثت و عناد خود را اظهار کنند، به سلطه خود مغرور شوند و قدرت خود را نشانه حقانیّت خود بدانند.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- مسلمانان در تمام موارد حتی در قراردادهای اقتصادی، نظامی و فرهنگی نباید به شیوه ای عمل کنند که مورد سوء استفاده کفّار قرار گیرند و راه فشار و سلطه کفّار را به روی خود بُگشایند. «لاتجعلنا فتنه للذین کفروا»

۲- دین و سیاست در کنار هم هستند، برائت از کفّار، در کنار طلب مغفرت از خدا. یک دعا رنگ سیاسی دارد و دعای دیگر رنگ معنوی.

«ربّنا لاتجعلنا... و اغفرلنا»

۳- به درگاه کسی رو کنیم که هم توانمند است و هم حکیم.

«ربّنا... انّک أنت العزیز الحکیم»

۴- ابزار دست کفّار قرار نگرفتن، رمز عزّت است. «لاتجعلنا فتنهً... أنت العزیز»

۵- رفتار بسیاری از قدرتمندان حکیمانه نیست، ولی خداوند هم قدرتمند شکست ناپذیر است و هم حکیم. «أنت العزیز الحکیم»

الهی آنکه را عشق نیست ارزش چیست.

ص: ۱۶۵

«نور کامل»

«رَبَّنا أَتْمِمْ لَنا نُورَنا وَ اغْفِرْ لَنا إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیر» }تحریم/۸{

پروردگارا! نور ما را کامل کن و ما را بیامرز، همانا تو بر هر چیز توانایی.

نکته ها

دعا و درخواست از خداوند، همیشه نقش دارد: چه در دنیا: «اهدنا الصراط المستقیم» و چه در قیامت: «اتمم لنا نورنا»

طلب مغفرت، هم در دنیاست: «ربّنا فاغفرلنا ذنوبنا»(۱) هم در آخرت: «ربّنا... واغفرلنا»

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- در آیات قبل فرمان داد که خود را از آتش دوزخ حفظ کنید، «قوا انفسکم...» در این آیه، یک از راههای آن را توبه واقعی می داند. «توبوا الی اللّه»

۲- گاهی از مؤمن، گناه سر می زند که باید توبه کند. «یا ایّها الّذین آمنوا توبوا...»

۳- توبه باید به درگاه خدا باشد، نه افشای گناه نزد بندگان. «توبوا الی اللّه»

۴- یکی از تکالیف مؤمن، توبه از گناه است. «یا ایّها الّذین آمنوا توبوا...»

۵- توبه باید خالصانه و صادقانه باشد نه لقلقه زبان. «توبةً نصوحا»

۶- توبه، زمان و مکان خاصّی ندارد. «توبوا الی اللّه توبةً نصوحا»

۷- برای تشویق به توبه، باید مردم را به رحمت الهی امیدوار کرد. «عسی ربّکم»

۱- - (آل عمران/۱۹۳)

۸- پذیرش توبه، از شئون ربوبیّت است. «عسی ربّکم ان یکفّر عنکم سیئاتکم»

۹- ناپاکی و پلیدی در بهشت جای ندارد؛ اول پاک شدن، سپس وارد بهشت شدن. «یکفّر... یدخلکم»

۱۰- نتیجه توبه دو چیز است: محو گذشته «یکفّر عنکم سیئاتکم» و تأمین آینده. «یدخلکم جنّات»

۱۱- ایمان به پیامبر کافی نیست، همراهی و تبعیّت از آن حضرت لازم است. «و الّذین آمنوا معه»

۱۲- عمل صالحِ دنیا، در قیامت به صورت نور ظاهر می شود. «نورهم یسعی بین ایدیهم»

۱۳- کسانی که در دنیا دنبال نورند، «و اتبعوا النّور الّذی انزل معه»(۱) در آخرت غرق نورند. «نورهم یسعی بین ایدیهم و من ایمانهم»

۱۴- در قیامت نیز تکامل هست. مؤمنان در آن روز به فکر تکمیل نور خود هستند. «ربّنا اتمم لنا نورنا»

۱۵- مؤمنان واقعی در فکر ریزش و کاهش بدی ها، «و اغفر لنا» و رویش و جهش خوبی ها هستند. «اتمم لنا نورنا»

۱۶- امید به استجابت دعا، «اتمم لنا نورنا و اغفر لنا» برخاسته از قدرت مطلقه اوست. «انک علی کلّ شی ء قدیر»

الهی خدا خدا گفتن مجازی ما که اینهمه برکت دارد اگر بحقیقت گوییم چون خواهد بود.

۱- - (اعراف/ ۱۵۷)

«نجات از ظلم و ظالم»

«...رَبِّ ابْنِ لی عِنْدَکَ بَیْتاً فِی الْجَنَّهِ وَ نَجِّنی مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنی مِنَ الْقَوْمِ الظّالِمین» }تحریم/۱۱{

پروردگارا! برای من نزد خویش در بهشت خانه ای بساز و مرا از فرعون و کردار او نجات بده و مرا از گروه ستمگر رهایی بخش.

نکته ها

هنگامی که آسیه، (همسر فرعون) معجزه حضرت موسی را دید، به او ایمان آورد و فرعون، به کیفر این کار، دست و پایش را به زمین میخکوب کرد و او را زیر آفتاب سوزان قرار داد. هنگامی که آسیه آخرین لحظه های عمر خود را می گذرانید، دعایش این بود، «ربّ ابن لی عندک بیتاً فی الجنّه»(۱)

* سیمای همسر فرعون

۱. محیط زده نبود و جامعه شخصیّت او را نساخته بود. او با منطق در برابر رژیمی فاسد ایستاد.

۲. زرق و برق زده نبود و به تمام مظاهر دنیوی پشت کرد و از کاخ و رفاه و مادیات گذشت.

۳. فضای سکوت و خفقان را شکست.

۱- -]تفسیر مجمع البیان[

۴. صبور بود و زیر شکنجه جان داد و به شهادت رسید، ولی از راه و مکتبش دست بر نداشت.

۵. حامی رهبر معصوم زمان خود، حضرت موسی بود.

۶. بلند همّت بود. او به کمتر از بهشت و قرب خدا قانع نبود.

۷. شهامت داشت و تهدیدات فرعون در او أثر نگذاشت.

۸. رضای خالق را بر رضای خلق مقدم داشت.

۹. منطق و عقل و وحی را بر مسایل خانوادگی ترجیح می داد.

۱۰. با نهی از منکر خود که به فرعون گفت: «لاتقتلوه»(۱) این طفل را نکش، ما او را به فرزندی قبول می کنیم، موسی را در کودکی از مرگ نجات داد.

همسر فرعون ثابت کرد بسیاری از شعارهایی که در طول زمان، جزو فرهنگ مردم شده، غلط است و باید آن را عوض کرد.

می گویند: خواهی نشوی رسوا، هم رنگ جماعت شو، امّا او گفت: من هم رنگ جماعت نمی شوم و رسوا هم نمی شوم.

می گویند: یک دست صدا ندارد، امّا او ثابت کرد که یک نفر نیز می تواند موج ایجاد کند.

می گویند: زن شخصیّت مستقل ندارد، امّا او ثابت کرد زن در انتخاب راه مستقل است.

می گویند: با مشت نمی شود به جنگ درفش رفت، امّا او ثابت کرد حق ماندنی است و اگر مشت روی آهن اثر ندارد، روی افکار عمومی در تاریخ اثر دارد.

۱- - (قصص/ ۹)

می گویند: با یک گل بهار نمی شود، امّا او ثابت کرد اگر خدا بخواهد با یک گل بهار می شود.

می گوینـد: فلانـی نمک خورد و نمک گیر شـد، همسـر فرعون نان و نمک فرعون را خورد، ولی از عقیـده او متنفّر بود و می گفت: «نجّنی من فرعون» خدایا! مرا از فرعون نجات بده.

* انواع خانواده ها در قرآن

۱. زن و شوهری که هم فکر و همگام در کار خیر هستند. (همچون حضرت علی و حضرت زهرا) «یطعمون الطعام»(۱)

۲. زن و شوهری که در خباثت هم فکر و همگام هستند. (ابولهب و همسرش) «تبت یدا ابی لهب... وامرأته حمّاله الحطب»

۳. خانواده ای که مرد خوب، امّا زن بد است. (زن لوط و نوح) «کانتا تحت عبدین... فخانتاهما»(۲)

۴. خانواده ای که مرد بد، امّا همسر خوب است. (زن فرعون) «مثلاً للّذین آمنوا امرأه فرعون»

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- زن می تواند الگوی مردان تاریخ شود. «ضرب اللّه مثلاً للّذین آمنوا امرأه فرعون»

۲- مقایسه الگوها، از روشهای تربیت است. «مثلاً للّذین کفروا... مثلاً للّذین آمنوا»

۱- - (انسان/۸)

۲- - (تحریم/۱۰)

۳- فشار محیط و جامعه، وابستگی اقتصادی، زن بودن، تقاضای همسر و ترس از آوارگی، هیچ کدام دلیل بی دینی نمی شود. «ضرب اللّه مثلاً للّذین آمنوا امرائه فرعون...»

۴- برای اتمام حجت، یک نمونه هم کافی است. «ضرب اللّه مثلاً... امرائه فرعون»

۵- حرف اول را اراده انسان می زند، نه چیز دیگر. «ضرب اللّه مثلاً... امرائه فرعون»

۶- مبارزه با طاغوت، با دعا منافاتی ندارد. «ربّ... نجّنی من فرعون»

۷- نجات از طاغوت، پشتوانه معنوی لازم دارد. «ربّ.. نجّنی من فرعون»

۸- مهم تر از بهشت، قرب معنوی به خداست. «ربّ ابن لی عندک...»

۹- ایمان سبب تنفّر از ستمگران است. (زن فرعون به خاطر ایمانی که داشت از تمام رفتارهای فرعونی متنفر بود.) «نجّنی من فرعون و عمله»

۱۰- اطاعت زن از مردم در عقیده لازم نیست، بلکه گاهی باید موضع بگیرد. «نجّنی من فرعون»

۱۱- روابط خانوادگی مرز دارد و همین که به انحراف و کفر رسید باید تغییر کند. «نجّنی من فرعون»

۱۲- تبرّی از کفر، شرط ایمان است. «نجّنی من فرعون و عمله»

۱۳- ابراز تنفّر و انزجار از دیگران، باید ملاک و معیار عقلی و شرعی داشته باشد. «من فرعون... من القوم الظالمین»

الهی آن که خود را فراموش کرده است، از یاد چه چیز خرسند است؟!

ص: ۱۷۱

«نقش وراثت در تربیت»

«...رَبِّ لا تَذَرْ عَلَی الْأَرْضِ مِنَ الْکافِرینَ دَیّاراً* إِنَّکَ إِنْ تَذَرْهُمْ یُضِلُّوا عِبادَکَ وَ لا یَلِدُوا إِلاَّ فاجِراً کَفّاراً» (نوح/۲۷و۲۶{

پروردگارا از این کافران هیچ کس بر زمین باقی نگذار. زیرا اگر آنان را باقی گذاری بندگانت را گمراه می کنند و جز گناهکار و کفرپیشه نمی زایند.

نکته ها

به حضرت نوح وحی شد که از قوم تو جز افرادی که ایمان آورده اند دیگری ایمان نخواهد آورد: «اوحی الی نوح انه لن یؤمن من قومک الاّ من قد امن»(۱) به علاوه تجربه ۹۵۰ سال تبلیغ برای شناسایی مردم کافی است که بداند این نسل و حتّی نسل بعدی قابل هدایت نیستند و لذا دست به نفرین برداشت.

«دَیّار» از «دار» به معنای کسی است که در خانه ساکن است.

مردان خدا به خود فکر نمی کنند، بلکه به فکر هدایت نسل های امروز و فردا هستند. با اینکه حضرت نوح توهین ها شنید و شکنجه ها دید، ولی دلیل نفرین خود را انحراف داشتن و منحرف کردن بیان کرد.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- استفاده از نفرین در آخرین مرحله جایز است. «ربّ لا تذر...دیّاراً»

ص: ۱۷۲

۱- - (هود/ ۳۶)

۲- سلامت فکری جامعه بر سلامت جسمی فرد مقدّم است. کسانی که مردم را منحرف می کنند، اگر هلاک شوند بهتر است. «لاتذر علی الارض... یضلّوا عبادک»

۳- وراثت در تربیت نقش مهمی دارد. «و لا یلدوا الاّ فاجراً کفّارا»

۴- انسان به جایی می رسد که در عقیده و عمل راهی برای اصلاح خود باقی نمی گذارد. «فاجراً» در عمل، «کفّاراً» در عقیده.

آن که گوهر ذات خود را تباه کرده است، چه بهره ای از زندگی برده است؟!

ص: ۱۷۳

«چشم انداز گسترده»

«رَبِّ اغْفِرْ لی وَ لِوالِدَیَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَیْتِیَ مُؤْمِناً وَ لِلْمُؤْمِنینَ وَ الْمُؤْمِناتِ وَ لا تَزِدِ الظَّالِمینَ إِلاَّ تَبارا» }نوح/۲۸{

پروردگارا، مرا و پدر و مادرم را و هرکس که با ایمان به خانه ام وارد شودو همه مردان و زنان با ایمان را بیامرز و ظالمان را جز هلاکت نیفزا.

نکته ها

چشم انداز دعا باید گسترده باشد. هم گذشته و حال را شامل شود، هم خود و بستگان و هم تمام مؤمنان تاریخ را.

امام رضا فرمودند: مسجد کوفه، خانه نوح بوده است و مراد از «دخل بیتی مؤمنا» کسانی هستند که وارد مسجد کوفه شوند.

در کربلا، امام حسین، برخی از مخالفان را نمی کشت و می فرمود: «انّ الذی لا اقتله اری فی صلبه من اهل الایمان»(۱) من هر مخالفی را که در نسل او مؤمنی ببینم نمی کشم.

از این آیه می آموزیم و درس می گیریم که:

۱- در دعا و نفرین، از کلمه مبارکه «ربّ» کمک بگیریم. «ربّ لا تذر... ربّ اغفرلی»

۱- -]موسوعه کلمات الامام الحسین/ ص ۵۰۵[

۲- انبیا با آن همه تلاش مغرور نمی شدند. پیامبری که می گفت: «انّی دعوت قومی لیلاً و نهارا» می گوید:«ربّ اغفرلی...»

۳- در آمرزش خواهی از خداوند، مقدم داشتن خود بر دیگران کاری پسندیده است. «اغفرلی و لوالدیّ...»

۴- بستگان سببی و نسبی، زمانی مشمول عنایت هستند که وابسته فکری نیز باشند. «و لمن دخل بیتی مؤمنا»

۵- در دعـا، برای مؤمنـان رحمت و مغفرت و برای ظالمـان، نـابودی و هلاـکت، طلب کنیـد. «ربّ اغفر... للمؤمنین... و لاـ تزد الظالمین الاّ تباراً»

الهی دل به جمال مطلق داده ایم هر چه باداباد.

ص:۱۷۵

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹